

STOP UA !

از هیروشیما تا بغداد
کاربرد سلاح اورانیوم ضعیف
شده
در جنگ های معاصر



پس گفتار



STOP THE CATASTROPHE

اگر جنگ دوم جهانی به شکست ارتش هیتلر و حزب نازی انجامید، با این وجود امروز با مشاهده تمام حوادث در صحنه بین المللی و حتی در زندگی روزمره نزد بیش از نود درصد ساکنین کره زمین، این طور به نظر می رسد که چنین پایانی به مفهوم شکست و نابودی قطعی اندیشه های هیتلر و نازیسم نبوده و گویی چنین منازعاتی تنها بین رقبا صورت گرفته بوده است. و باز زایی نازیسم به نام نئو نازیسم (نازیست های جدید) چندان هم بی دلیل نبوده و تنها نام برای بازشناسی این هیولای بیمارآسا و نسل برانداز نیز نمی باشد.

احتمالا چنین تعبیری با آگاهی از طبیعت ددمنشانده نظام سرمایه داری بیش از پیش به اثبات می رسد. و ما باید مفهوم عمیق شعاری را که زبان زد تمام فرهیخته گان جهان است درک کنیم و بدانیم که به راستی «نظام سرمایه دار دشمن نوع بشر» به چه معنایی است. آیا چنین شعاری برای تبلیغات حزبی و عقیدتی و گروهک بازی های تنگ نظرانه است، و یا این که حقیقتی راستین و اجتناب ناپذیر در آن نهفته است. این حقیقت کدام است؟ و مسئولیت هر یک از ما به عنوان عضوی از اعضای جامعه جهانی کدام می باشد؟

پرونده حاضر مجموعه ای از گزارشاتی را در اختیار شما می گذارد که نمونه ای بارز از جنایت علیه بشریت است: استفاده

از سلاح هایی اورانیوم ضعیف شده توسط نظام سرمایه داری
به سرکردگی ایالات متحده آمریکا و یارانش.

حمید محوی
ژوئن 2007

STOP UA !

ژوئل پنوشه

از هیروشیما تا بغداد

ژوئل پنوشه

Joëlle Penochet

روزنامه نگار آزاد، محقق دانشگاهی

31 اوت 2005

ترجمه و گردآوری توسط حمید محوی

<http://www.internationalnews.fr/article-12856670.html>

**گسترش سلاحهای اورانیوم ضعیف شده،
مصیبت بهداشتی،
مناطق که از نقشه جغرافیایی
حذف خواهند شد**
<http://stopua.blogfa.com/1387/06>



« تمدن ماشینی
به آخرین مرحله
توحش خود
رسیده است. از
این پس و در
آینده ای کمابیش
نزدیک می
بایستی بین
خودکشی دسته
جمعی و
استفاده
هوشمندانه از
پیروزی های
بشر، دست به
انتخاب زد.»

آلبر کامو در فردای هیروشیما
در روزنامه مبارزه، 8 اوت 1945

شصتمین سالگرد هیروشیما و ناکازاکی در آمریکا

شصتمین سالگرد هیروشیما و ناکازاکی در آمریکا در کمال احتیاط برگزار شد، و در فرانسه نیز رسانه ها کمتر شهادت داشتند تا از برداشت ها و تفاسیر رسانه های رسمی در رابطه با چنین واقعه ای فاصله بگیرند و به حادثه ای بپردازند که جهان را به اوج بربریتی سوق داد که در تاریخ بریت بی سابقه بود. در سال 1991 یعنی دقیقاً در پایان جنگ سرد که تعادل و همت آمیزی را حفظ کرده بود، جنگ اتمی جدیدی آغاز شد. ولی این جنگ در سکوت و با تبانی جامعه بین المللی به راه افتاد. این جنگ اتمی جدید در واقع علیه کشورهای بی دفاع به راه افتاد تا به بلند پروازی های استراتژیک آمریکا جامعه عمل بپوشاند.

و باید دانست که در کوران چنین جنگ هایی به شکل گسترده از سلاح هایی استفاده شد که اورانیوم ضعیف شده نامیده اند. اورانیوم ضعیف شده چیزی نیست به جز زباله اتمی و فوق العاده مسموم کننده است.

این زباله اتمی محیط طبیعی را برای چند میلیارد سال آلوده

می سازد و نزد مردمانی که در مجاورت این ماده زندگی می کنند انواع و اقسام سرطان، لوسمی، تخریب سیستم تولید نسل و تولد هیولایی و نتایج آن روی خصوصیات ارثی ژنتیک را موجب می گردد که غیر قابل ترمیم است. به همان شکل که آلودگی تحت تأثیر آزمایشات اتمی و سوانحی نظیر چرنوبیل، اورانیوم رقیق شده مرز مشخصی ندارد و مردم نیم کره شمالی عناصر اکسید اورانیوم را از سال 1991 تنفس می کنند. در عراق، در یوگوسلاوی و در افغانستان...

هیروشیما : انقلاب علمی
5 سپتامبر 1945 دیلی اکسپرس Dally
Express
اولین روزنامه نگاری که پس از واقعه
به هیروشیما راه یافت
ویلفرد بورشت Wulfred Burchett



« در هیروشیما، سی روز پس از انفجار اولین بمب اتمی که تمام شهر را به تل خاکستر بدل کرد و جهان را نیز در بهتی عظیم فرو برد، افرادی که از جهنم آنی جان سالم به در برده بودند، به شکل دیگری به حال مرگ افتادند. مرگی اسرارآمیز، دهشتناک و ناشناخته که هیچ اسمی برای آن پیدا نمی کنم مگر **طاعون اتمی**. بی هیچ دلیل روشنی مریض می شوند. بی اشتهایی، ریزش مو، ظاهر شدن لکه های کبود روی اعضای بدن. و سپس از ناحیه دهان و بینی و گوش و... خونریزی می کنند.»

8 اوت 1945 روزنامه لوموند Le Monde تخریب کامل و آبی هیروشیما را به عنوان «انقلاب علمی» قلمداد کرد. نابود ساختن دو شهر ژاپنی و «به حالت تبخیر در آوردن» ساکنین آنها (100000 نفر در هیروشیما و 50000 نفر در ناکازاکی) تا مدت ها به عنوان خشونت ضروری برای پایان بخشیدن به جنگ جهانی دوم معرفی می شد.

امروز حتی روزنامه «نول ابرواتر» Le Nouvel Observateur که به محافل صنعتی وابسته است، اعتراف می کند که چنین جنایاتی علیه بشریت بیهوده بوده است و مفهوم واقعی آن را باید در منافع آمریکا و به طور مشخص در خنثی ساختن اتحاد جماهیر شوروی (که به آمریکا قول داده بود علیه ژاپن وارد جنگ شود) و آغاز جنگ سرد جستجو کرد. در واقع رئیس جمهور Truman از سوی سرویس های اطلاعاتی آگاه شده بود که تا تسلیم شدن ژاپن چند روز بیشتر باقی نمانده است. ولی انفجار دو بمب روی شهرهای ژاپنی فرصتی بود برای آزمایش بمب اورانیوم و بمب پلوتونیوم در موقعیت واقعی و در عین حال نمایشی بود از قدرت مطلقه آمریکا در مقابل جهانیان.

امروز حدود 300000 نفر در ژاپن هنوز از تأثیرات تشعشعات اتمی رنج می برند و آن چه بیش از همه ندیده گرفته شده، بعد روانی آن است. مقامات رسمی ژاپن تمایلی به طرح چنین مسائلی ندارند و «ایباکوشا» Ibakusha یعنی افرادی که تحت تأثیر تشعشعات اتمی هستند گویی که به جامعه ژاپنی تعلق ندارند. در سال 1950 تعداد قربانیان بمباران اتمی در هیروشیما به دو برابر رسید (200000) و در ناکازاکی به سه برابر افزایش پیدا کرد (140000). بمباران های «درسدن» (در آلمان) در 13 و 14 فوریه 1945 (135000) و یا توکیو در 10 مارس که زیر بمب های آتش زای آمریکا به خاکستر تبدیل شده بود بین 80000 تا 100000 کشته بر جای گذاشت هیچ کدام توجیح نظامی نداشت. با این وجود تفاوت این نوع بمباران ها با بمباران اتمی که در 6 اوت 1945 به وقوع پیوست، این است که تشعشعات اتمی هنوز پس از پایان جنگ قربانی می گیرد.



بازمانده سه چرخه کودک ژاپنی
که در انفجار بمب اتمی در هیروشیما کنه شده است

اورانیوم ضعیف شده : جنگ نوین اتمی

لورن موره **Leuren Moret** متخصص تشعشعات اتمی، ژوئیه 2004 می گوید :

«...ایالات متحده آمریکا و متحدان نظامی اش علیه کوررهایی که می خواستند تحت سلطه خود در آورند با به کار بستن بمب ها و سلاح های کثیف، چهار جنگ اتمی به راه انداختند. این تسلط از راه پراکندن گردهای معلق در هوا تحقق پذیرفت، اورانیوم ضعیف شده به شکل دائمی مناطق گسترده ای را مسموم خواهد کرد و مردمانی را که در این مناطق زندگی می کنند از حق وراثت ژنتیک خود محروم خواهد ساخت. و به این ترتیب است که حاکمیت ایالات متحده آمریکا و یارانش تثبیت می شود.»

پس از آزمایشات سلاح های اورانیوم ضعیف شده در صحنه واقعی جنگ در خلیج فارس، به سال 1991، به کار بستن این نسل از سلاح های اتمی به حالت عادی و رایج در آمد و در بی تفاوتی عمومی گسترش یافت. هر جنگ جدید «بزرگ دستانه» (بوسنی، کزووو، افغانستان...) فرصت تازه ای بود برای آزمایش سلاح های جدید با توان تخریبی بیش از پیش عظیم تر.

مسموم شدن مناطق به اورانیوم ضعیف شده تا چندین میلیارد سال دوام خواهد آورد و نتایج آن برای مردمانی که در این مناطق و در مجاورت آن زندگی می کنند عبارت است از : افزایش سرطان، لوسمی (لوکمی که از جمله سرطان های علاج ناپذیر است)، بیماری های متعدد دیگر، و مختل ساختن سیستم تولید نسل و تولد هیولایی... (مترجم : کمابیش مهابه با آنچه بنام کودکان دی اکسین در آسیای دور مشاهده می کنیم)

آلبرت اسپیر Albert Speer وزیر جنگ در زمان هیتلر به سال 1943 قصد داشت برای ساخت بمب هایش به جای تونگستن Tungstène که دیگر نمی توانست از کسور پرتقال وارد کند، ماده اورانیوم را به کار ببندد. از سوی دیگر مقامات طرح مانهاتان نیز قصد داشتند برای ساخت بمب هایشان از اورانیوم استفاده کنند. هدف آنها از ایجاد چنین سلاحی وارد آوردن بیشترین خسارات و تلفات به مردم کسور متخاصم بود.

لورن موره توضیح می دهد که « هدفشان این بود که از اورانیوم به عنوان گاز جنگی استفاده کنند، به این ترتیب که آن را به شکل عناصر میکروسکوپی در سطح زمین پراکنده ساخته و سپس آنرا به آتش ببندند. جراحاتی که از این راه می تواند به افراد وارد می شود، حتی امروز با تمام امکانات پزشکی موجود نیز علاج ناپذیر است. چنین رویایی پنجاه سال بعد جهت برتری نظامی آمریکا تحقق پذیرفت.»

در حال حاضر سلاح های اورانیوم ضعیف شده به دلیل خصوصیات آن واجد دو برتری نظامی است. اولاً این سلاح در هر جداری نفوذ می کند و آتش زاست. به راحتی در بدنه زره پوش و تانک نفوذ کرده و آن را کاملاً به آتش می کشد. چنین گلوله های جزء تجهیزات تانک ابرام است.



تانک ابرام ام یک آ یک



مضافا براین که در جدار پناهگاه های بتونی و بونکرهای زیر زمینی به قطر چندین متر نیز نفوذ می کند (با توجه به نوع بمب و نوع استحکامات). و برتری دوم این سلاح ها در این نکته نهفته است که ساخت آن به بهای بسیار نازلی تمام می باشد.

اسلحه کلاسیک یا زباله اتمی باز سازی شده

از نظر شیمیایی مسمومیتی که اورانیوم ضعیف شده تولید می کند دو برابر دیگر فلزات سنگین است. ولی قویا مسمومیت رادیوآکتیو تولید می کند. اورانیوم ضعیف شده عبارت است از زباله رادیو آکتیو که از اورانیوم غنی شده برای رآکتورهای نظامی و غیر نظامی به کار می برند، (در بمب ها اورانیوم غنی شده تا 99,75% اورانیوم 235 به کار می برند). عموما حاوی تقریبا 99,75% اورانیوم 238 و حاوی 0,2% اورانیوم 235 است. آن را اورانیوم ضعیف شده می نامند زیرا فعالیتش نازل تر از اورانیوم طبیعی است، ولی چنین مقایسه ای به هیچ عنوان به این معنا نیست که خطر کمتری برای سلامتی انسان و محیط زیست دارد.

در واقع اورانیوم طبیعی به مقدار 1 تا 3 در میلیون در طبیعت وجود دارد، در حالیکه مواد معدنی هزار بار غلیظتر است. (اورنیوم طبیعی وقتی که تنها حاوی ایزوتوپهایی است که در طبیعت وجود دارد، در کل 14، که تمامشان رادیو آکتیو هستند یعنی اورانیوم 238، اورانیوم 235، و اورانیوم 234). تنها اورانیوم 235 که حاوی 0,72% از اورانیوم طبیعی می باشد (این رقم بر اساس منطقه تغییر می کند) شکسته می شود. اورانیوم ضعیف شده به شکل مضاعف مسموم کننده است : از نظر شیمیایی مانند فلزات سنگین دیگر (سرب، آرسونیک...) موجب مسمومیت می شود، ولی به ویژه قویا دارای تشعشعات مسموم کننده است.

علاوه بر این، به جای تنزل پیدا کردن، فعالیت اورانیوم به دلیل تشکل سریع مشتقات آن در انفجار، طی زمان افزایش می یابد. اگر خاصه پرتوهای آلفا متصاعد می کند (با نفوذ اندک ولی با پرتو افکنی بالا)، در حالت خالص، دو عنصر از مشتقات آن پس از چند ماه ظاهر می شود، توریم (توریم 234) و پروتاکتینیوم (234) که فرستنده هایی هستند که زندگی کوتاهی دارند (24 روز و یک دقیقه و چهار ثانیه)، بتا و گاما در نتیجه نفوذ زیادی دارند. اورانیوم ضعیف شده که در سلاحها بکار می رود در صورتی که با اورانیومی که محصول فعالیت مراکز غنی سازی و حاوی اتمهای شکسته شده مخلوط شود که قویا رادیو آکتیو

است، مثل اورانیوم 236 و پلوتونیوم 238 و 239 و تکنیتیوم 99 Technétium یا روتنیوم 106 Ruthénium خطرناکتر و مسمویت آن نیز بیشتر خواهد بود. بر این اساس، فعالیت اورانیوم ضعیف شده چهار هزار برابر بیشتر از میزان قابل قبولی است که منشور حفاظت پرتو افکنی اعلام کرده است.

اسطوره جنگ پاک



اسباب بازی الکترونیکی که در بمباران جزغاله شده

متعلق به یک کودک عراقی بوده است

سلاح های نوین اورانیوم ضعیف شده از عناصر اسطوره جنگ پاک و جراحی کننده است، و آن را تنها به این علت در جدول سلاح های کلاسیک قرار داده اند که مثل بمب اتمی کلاسیک موجب به وجود آمدن آن قارچ غول آسا نمی شود.

ولی باید دانست که ضایعاتی که بوجود می آورد به همان اندازه مخرب و گسترده است. پس از آزمایشات اولیه در سال های 1970 در لوس آلاموس (در آمریکا)، این سلاح ها به شکل واقعی در جنگ علیه عراق به سال 1991 و سپس در سال 1994 و 1995 در بوسنی و در سال 1999 در کوسوو و در صربیه و افغانستان آزمایش شد و تمام بمب های پروازشی در این جنگ ها حاوی اورانیوم رقیق شده بوده اند. پس از اعلان رسمی پایان جنگ خلیج، ارتش آمریکا در طول سه روز بیش از یک میلیون بمب اورانیوم ضعیف شده به روی هزاران پناهنده و سرباز عراقی که در حال عقب ریزی روی جاده بصره بودند، پرتاب کرد (که البته نقض ماده 3 قرارداد ژنو محسوب می شود). در میان شاهدان چنین قتل عامی کارول پیکو Carole Picou که از اعضای خدمات بهداشتی ارتش آمریکا می باشد و خود او امروز در حد صد در صد معلول است، از فجیع بودن صحنه اتوبان مرگ گزارش می دهد و اجساد

را بیاد می آورد که کاملاً سوخته و جز غاله شده بودند.

مسمومیت اورانیوم ضعیف شده دو برابر است

به گفتهٔ پروفسور A.Durakovic رئیس بخش پزشکی هسته ای در دانشگاه Georgetown در نیویورک مشاور پنتاگون :
«اورانیوم ضعیف شده در صورتی موجب مسمومیت می شود که به شکل غبار وارد دستگاه گوارشی و یا در دم و بازدم وارد بدن شود، در این صورت از هر سمی که تاکنون علم به شناخت آن نائل آمده، خطرناکتر است.» در حالیکه خصوصیت شیمیایی مسموم کنندهٔ اورانیوم ضعیف شده پیوسته از جانب مقامات رسمی تکذیب شده است. پرتاب شونده های حاوی اورانیوم ضعیف شده، هنگام برخورد به هدف، تحت تأثیر اکسیژن آتش گرفته و حرارت خارق العاده ای تولید می کند °1130 که 10 تا صد در صد اورانیوم را مبنی بر نوع بمب به حالت بخار در می آورد. وقتی که به روی زمین نشست می کند، به راحتی به حالت معلق در می آید. روشن است که باد و باران این مواد را در اطراف و در فواصل مختلف تا صدها کیلومتر با خود حمل می کند...مخازن آب زیر زمینی، آب، گیاهان و حیوانات (حیوانات را مبتلا به همان بیماری هایی می سازد که نزد انسان مشاهده می شود) و به طور کلی طبیعت و تمام زنجیر تولیدات غذایی را مسموم می سازد. آلودگی به اورانیوم ضعیف شده از سه راه امکان پذیر است : تنفس، و نوشیدن آب یا شیر و به طور کلی غذای آلوده، و از راه جراحات (اورانیوم ضعیف شده وارد جریان خون می شود). از راه تنفس از همه خطرناکتر است. مسمومیت شیمیایی در وحلهٔ نخست به کلیه مربوط می شود (و سپس کبد) و مسمومیت رادیو اکتیو به شش ها می انجامد.

...

نتایج یک گروه تحقیقاتی در شش منطقه در جنوب عراق نشان داده است که گیاهان سه برابر بیش از حد معمول رادیو اکتیو متصاعد می کنند. در این مناطق 900000 تن از گیاهان و یک سوم حیوانات آلوده شده اند. بین کودکان کمتر از پانزده سال که مورد آزمایش پزشکی قرار گرفته اند، 70 درصد آنان در مجاورت تشعشعات آلوده شده اند.

مردمانی که در مناطق بمباران شده زندگی می کنند محکوم به تحمل پرتوهای رادیو اکتیو هستند. تفاوت مردمان بومی و سربازان کشورهای اشغالگر در این است که مردم این مناطق در تمام طول زندگی خود در مجاورت آلودگی رادیو اکتیو خواهند بود، در حالی که سربازان پس از مدت کوتاهی به کشورشان باز می گردند. تفاوت دیگر آنها در این جاست که سربازان به محض باز گشت می توانند به شکل جامعه مدنی و در خواست غرامت کنند و سپس تحت معالجه قرار گیرند. در حالی که مردم

بومی چنین مناطقی غالباً حتی از وجود چنین خطری ناآگاه هستند. بیمارستان های عراقی، یعنی بیمارستان هایی که از بمباران جان سالم به در برده اند، توان عملیاتی ندارند. پیش از دوران جنگ عراق واجد مدرنترین بیمارستان های منطقه بود و مجرب ترین پزشکان عراقی در آن جا فعالیت می کردند. بسیاری از این پزشکان مانند متخصصان و روزنامه نگاران سیستماتیکمان به شکل اسرار آمیزی به قتل رسیده اند.

جهانی شدن آلودگی رادیولوژیک



اگر چه سمّی بودن اورانیوم همواره از جانب مقامات رسمی تکذیب شده، با این وجود در سال 1974 گروه تحقیقاتی وابسته به وزارت دفاع آمریکا در مورد مسمومیت مضاعف این ماده هشدار داده بود. زمانی که گلوله اورانیوم به هدف اصابت می کند، در مجاورت اکسیژن حرارت فوق العاده ای متصاعد می سازد (5000 درجه سانتی گراد) که موجب تبخیر 10 تا 100 درصد اورانیوم براساس نوع گلوله می شود. به این ترتیب هر گلوله ای که از یک تانک آبرام شلیک می شود بین 1000 تا 3000 گرم غبار تولید می کند. براساس تحقیقات لئونارد دیتز Léonard Dietz تنها 5 میکرون از این عنصر یعنی وزنی معادل 300 بار بیشتر از حد مجاز برای کارکنان مراکز تولید انرژی هسته ای در طول یک سال. عناصر مولکولی غیر قابل حل و تخریب ناپذیر به علاوه مخلوطی از رادیو نوکلئیدها Radionucléides در آتمسفر پراکنده می شوند. هنگامی که به زمین نشست می کنند، به راحتی به حالت معلق در آمده و سپس بر حسب جریانات طبیعی مثل باد و باران و عبور و مرور حیوانات و پرندگان تا ده ها و حتی صدها کیلومتر پراکنده می شود: زمین، آب و مخازن آب زیر زمینی، گیاه و حیوانات(به بیماری هایی مشابه نزد انسان مبتلا می شوند)، و تمام این موارد به این معنا است که زنجیره تولیدات کشاورزی و مواد غذایی کاملاً آلوده می شود. آلودگی منطقه خلیج فارس به

همان شدتی است که بمباران های روباه صحرای ویلیام کلینتون در سال 1998 و حملات پیاپی در مناطقی که به شکل غیر قانونی توسط آمریکا، انگلیس و فرانسه برای عراق ممنوع شده بود. و محاصره جنایتکارانه جامعه بین الملل در سال 1990 هر گونه اقدام پیشگیری کننده ای را در این زمینه ناممکن ساخت و مواد مولکولی با باد و باران در طول پانزده سال در حال پراکنده شدن هستند. کشورهای همسایه طبیعتا از چنین فاجعه ای در امان نیستند.

نتایج چنین آلودگی در پی جنگ های پیاپی علیه یوگوسلاوی، افغانستان و عراق به دروازه های یونان رسیده است، اسرائیل، عربستان سعودی، پاکستان، ترکیه، سوریه، لبنان، آلبانی، مقدونیه، فلسطین، ایران، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، چین و هند. امروز پیشبینی ها حاکی از این امر است که آلودگی اورانیوم رقیق شده به سوی نیم کره شمالی در حال گسترش است و به زودی تمام کره زمین را احاطه خواهد کرد.

AIEA مرگ بیش از نیم میلیون نفر را در عراق پیشبینی می کند



آلودگی محیط زیست برای بومیان منطقه در حال توسعه است. برخی مناطق جنوبی عراق (مناطق کشاورزی آبیاری شده که تقریبا در چنین سرزمین خشکی نادر به نظر می رسد) بر اساس آمار ابتلا به سرطان 700 درصد و تولد کودکان معلول 400 درصد و ابتلا به لوسمی (لوکمی) 350 درصد افزایش داشته است. افزایش وضع حمل نابهنگام توسط زنان باردار و تولد اطفال مونگلولی به شدت افزایش پیدا کرده است، حتی در بین بانوان کمتر از 25 سال. کودکانی که با باقیمانده سلاح های منفجر شده بازی کرده اند، همگی به لوسمی مبتلا شده و مرده اند. دوره آشکار شدن آن چند سال به

طول می انجامد. آژانس بین المللی انرژی اتمی پیش بینی می کند که تحت تأثیر یک میلیون گلوله اورانیوم در سال 1991 یعنی بین 350 تا 800 تن اورانیوم (براساس بنیاد Leake d'Amsterdam). در چند سال آینده باید در افغانستان و بالکان شاهد نتایج مسمایی باشیم.

سلاح کشتار جمعی در حال توسعه :



سلاح کشتار جمعی با شارژ اورانیوم ضعیف شده در رده سلاح های قراردادی یا کلاسیک (غیر اتمی) دسته بندی شده است. در حال حاضر چندین کشور در حال گسترش چنین سلاح هایی هستند

در فرانسه 2100

آزمایش در فضای باز در منطقه

Gramat

در Lot

انجام گرفته است و در بورژ Bourges

فرصتی تازه برای صنایع هسته ای :

مبدل ساختن کشورهای محکوم شده

به زباله دانی رایگان

برای زباله های رادیو اکتیو

استفاده نظامی از اورانیوم برای صنایع هسته ای که در سال 500000 تن از این زیاله ها تولید می کنند، گشایش بسیار مطلوبی به نظر می رسد. ذخیره جهانی حدودا بالغ بر یک میلیون و نیم تن می شود که 70000 تن از آن در ایالات متحده آمریکا است.

کشورهای اتمی با حمله به برخی کشورها بخش قابل توجهی از ذخایر خود را به رایگان و به شکل بمباران صادر می کنند که نگهداری از آنها بسیار گران تمام می شود، و به این ترتیب این کشورها و مناطق را به زیاله دانی اتمی و مجانی مبدل می سازند. با این حساب که عمر اورانیوم چهار و نیم میلیارد سال است.

کویت برای پاک سازی کشور کم وسعت خود تا کنون 14 میلیارد دلار خرج کرده است (با نتایج ناچیز).

آمریکایی ها برای پاک سازی 23 تانک خودشان سه سال وقت گذاشتند و چهار میلیون دلار هزینه کردند. در حالی که پنج هزار تانک عراقی که در طول جنگ تخریب شده بود، قویا رادیو آلکتیو بوده و هنوز بر جا مانده است. با آگاهی به این امر که در فوریه سال 2003 آمریکایی ها در مورد مناطق آلوده شده از خود سلب مسئولیت کردند.

خسارات وارد آمده به محیط زیست غیر قابل ترمیم هستند. در افغانستان طوفان شن از تمام کشور عبور کرده و دائما آلودگی ها را به رودخانه ها منتقل می سازد. رود کابل و رود اندو از پاکستان عبور می کند و از ذخایر آب کشاورزی و آب آشامیدنی به شمار می آید. تیم های «هسته ای - بیولوژیک - شیمی» جهت اندازه گیری درجه آلودگی در افغانستان حضور پیدا کردند ولی گروه خبرنگارانی را که تا پیش از ورود آنها در کنار متفقین کار می کردند، محبوس کردند.

در اکتبر سال 2001 پزشکان افغان مرگ سریع عده ای را که درجه آلودگی شان بسیار بالا بوده است، اعلام کرده اند.

سکوت و تحریف و سانسور اورانیوم ضعیف شده

فقدان بررسی، تحریف و سانسور



گزارشات سازمان ملل متحد برای حفظ محیط زیست (PNUE) درباره موضوع آلودگی رادیو اکتیو در کزوووو KOSOVO در آغاز امر از 72 صفحه به 2 صفحه کاهش پیدا کرد! در نوامبر سال 2000 هیئتی از PNUE (سازمان حفظ محیط طبیعی وابسته به سازمان ملل متحد) مأموریت بازرسی از 11 (یازده) منطقه از 112 (صد و دوازده) منطقه در کزووو را به عهده داشت که در سال 1999 توسط نیروهای OTAN بمباران شده بود. این بازرسی تحت نظارت مسئولان ناتو انجام گرفت و در مناطقی که آنها انتخاب کرده بودند، از شانزده ماه پیش با دقت کامل توسط ده اکیپ پاکسازی های لازم را تا جایی که برایشان ممکن بود انجام داده بودند. پس از بررسی 355 نمونه براداری از خاک، آب، گیاهان و شیر، هیئت بازرسی PNUE نتیجه را اعلام کرد که بر اساس آن تشعشعات رادیو اکتیو پیرامون مراکز بمباران شده ضعیف است و آلودگی به غبارهای اورانیوم نیز به همین نسبت ناچیز به نظر می رسد. با وجود پلوتونیوم موجود در بمب های به کار برده شده، هیئت بازرسی اعلام کرد که نتایج اخطار کننده نیست. با این وجود، خطر آلودگی آبهای زیر زمینی و آب آشامیدنی را تأیید کرد که تحت تأثیر سلاح هایی مدفون شده ممکن است آلودگی آنها به ده برابر و حتی صد برابر افزایش پیدا کند. از جانب دکتر Chris Busby کریس بازبی که متخصصی با اعتبار جهانی است در کتابی بنام «بال های

مرگ» دربارهٔ تشعشعات ضعیف، که نتایج بررسی های او مورد تأیید Royal society de Londres (جامعهٔ سلطنتی لندن) قرار گرفت، گزارش می دهد که در ژاکوا Jacova آلودگی رادیواکتیو صد برابر بیشتر از حد معمول است و ده برابر توریم Thorium (از مشتقات اورانیوم) بیشتر از اورانیوم ضعیف شده است. پس از بمباران افغانستان PNUC سازمان حفظ محیط زیست وابسته به سازمان ملل متحد، جهت ارزیابی درجهٔ اورانیوم ضعیف شده در مناطق بمباران شده از OMS سازمان جهانی بهداشت در خواست بودجه کرد ولی پاسخی از جانب Gro Harmel Brundtland که ریاست آن را به عهده داشت دریافت نکرد. بنا به اظهارات Robert J. Parsons به تأخیر انداختن چنین موردی از این جهت بود که عوارض قربانیانی که قویا آلوده شده بودند بسیار مشاهده می شد و علاوه براین دو دهه جنگ مردم منطقه را از نظر بهداشتی در موقعیت شکننده ای قرار داده بود. دولت هایی که باعث و بانی چنین جنایاتی هستند پیوسته اثرات جرم و کاربرد سلاح های کشتار جمعی و تأثیراتشان در لافافه ای از سرب پنهان می کنند. ناتو در سال 2000 اعلام کرد که افکار عمومی جهانی ممکن است در برخورد با استفاده از سلاح های رادیواکتیو، عکس العمل منفی نشان دهد...

به این ترتیب شاهد سانسور رسانه هایی هستیم که غالباً وابسته به صنایع نظامی هستند مثل France Serge Dassault و Matra Lagardère و یا در صنایع ساختمان مثل Bouygues که اورانیوم ضعیف شده را ماده ای کاملاً معمولی می دانند. چنین سکوتی به کشورهای مسئول بمباران ها و آلودگی ها اجازه می دهد تا از مخارج پاکسازی شانه خالی کنند و به خصوص ساخت و کاربرد سلاح هایی از این دست را امری عادی جلوه دهند که تا مدت ها پیش از جنگ در خلیج فارس تابو به حساب می آمد. کشورهای که هدف بمباران قرار گرفتند و به همین گونه سربازانی که در چنین جنگ هایی شرکت داشتند، هیچ کدام از خطر آلودگی مطلع نشدند. استفاده از اورانیوم ضعیف شده در جنگ خلیج 1991 تنها هشت ماه بعد از جنگ، توسط روزنامه های بریتانیایی آشکار شد. هیچ روزنامهٔ فرانسوی از به کار بستن اورانیوم رقیق شده حرفی نزدند. از 580000 (پانصد و هشتاد هزار) سرباز آمریکایی که در جنگ خلیج شرکت داشتند 325000 سیصد و بیست و پنج هزار نفر از آنها دچار عوارض دائمی شده اند، و 11000 (یازده هزار نفر) کشته شده اند یعنی با ریتم 140 سرباز در ماه. ده سال پس از مداخله در خلیج بیش از نیمی از سربازان دچار عوارض دائمی شده اند. در حالی که در منازعات قرن گذشته چنین عوارضی در حد 5 درصد (در ویتنام 10 درصد) بوده است. بر اساس تحقیقات جامعهٔ رزمندگان قدیمی نشان می دهد که پس از جنگ خلیج 67 درصد از اطفالی که به دنیا آمده اند، نقص عضو داشته اند. روزنامه مستقل آنها اعلام می کند که 40 درصد از سربازانی که در حملهٔ سال 2003 شرکت داشتند، شانزده ماه پس از بازگشت، دچار عوارضی شدند که نمایانگر منتهی شدن آنها به سرطان است. جوامع مدنی سربازان آمریکایی مثل (Veterans For Peace (VFP علیه کاربرد سلاح های رادیواکتیو و برای صلح فعالیت می کنند.

Ramsey Clark : «برای جلوگیری قطعی ساخت و استفاده از چنین سلاح هایی، باید اردوگاه اطلاعاتی سراسری در تمام جهان ایجاد کرد زیرا سرنوشت بشریت بدان بستگی دارد.»

با این وجود بر اساس قوانین بین المللی نظارت بر سلاح ها، اورانیوم ضعیف شده که شیمیایی و در عین حال اتمی می باشد، غیر قانونی است ((conventions de La Haye de 1899 et 1907, de Genève de 1925 et 1949, Charte de Nuremberg de 1945, convention des Nations-Unies du 10 octobre 1980, dite « Convention des armes inhumaines »)) به این علت که درد و رنج و خسارات بی فایده بار می آورد و قابلیت تفکیک نیز ندارد و محیط زیست را برای دراز مدت آلوده می سازد، مثل مین که سال ها پس از منازعات قربانی می گیرد. استفاده از این سلاح در بیانیه اوت 1996 ، n°96/16 حقوق بشر در سازمان ملل متحد محکوم شده است. از سوی دیگر پارلمان اروپا در ژانویه 2001 کاربرد چنین سلاح هایی را منع کرده است (ولی در ساخت آن ممنوعیتی اعلام نکرده است).

بسیاری از شخصیت های بین المللی مثل روزالین برتل Rosalie Bertell متخصص کانادایی بیماریهای مسری و بیماریهای رادیو اکتیو (جایزه نوبل 1986) و رامسی کلارک Ramsey Clark مشاور سابق دولت آمریکا در امور قضایی و وکیل بین المللی و بسیاری از جوامع آمریکایی و به همین گونه در فرانسه تلاش می کنند تا افکار عمومی جهان را به چنین موضوعی جلب کنند «ممنوعیت بین المللی و بی قید و شرط پژوهش، تولید، آزمایش، حمل، نگهداری و کاربرد اورانیوم ضعیف شده در امور نظامی و بازشناسی آن به عنوان رادیو اکتیو خطرناک. پاکسازی مناطق آلوده و معالجه افراد آلوده شده.»

اگر چنین فراخوانی در سطح جهانی انعکاس پیدا نکند، بیش از پیش مناطقی از صحنه جهانی و کره زمین حذف خواهند شد و به زباله دانی رادیو اکتیو تبدیل می گردد و مردمان این مناطق نیز به مرگی آرام محکوم خواهند شد. و سرانجام همین مصیبت گریبانگیر تمام مردم جهان خواهد شد.

درباره نوزادان معلول مادرزادی



دکتر محمد میراکی Mohamed Miraki در Perpetuel Death from America «مرگ دائمی صادره از آمریکا» از یک فرد افغان نقل قول می آورد که : «اگر ما را تنها یک بار می کشتند، چندان اهمیتی نداشت، ولی آنها در حال نابود کردن ما برای چندین نسل آینده هستند.»

تثبیت اورانیوم رقیق شده روی جنین زن باردار رشد آن را دچار اختلال می کند و موجب تولد نوزادانی معلول مادرزادی می شود که هرگز دیده نشده و یا بسیار نادر بوده است. به این ترتیب بسیاری از این اطفال بدون سر به دنیا می آیند، بدون عضو (مثل قربانیان تالیدومید Thalidomide در سال های 50)...وقتی یک زن عراقی بچه ای به دنیا می آورد، اولین سؤال او این نیست که دختر است یا پسر بلکه می پرسد آیا کودک من معمولی ست یا ...

باز هم اورانیوم ضعیف شده هواپیمائی

گردآوری مطالب توسط حمید محوی

بر اساس گزارشات ماهنامه های فرانسوی «علوم و زندگی» (Sciences et Vie) و «علم و آینده» (Siece et Avenir) در ماه فوریه 2001، پس از فوت تعدادی از سربازان ناتو در بالکان در اثر ابتلا به سرطان لوسمی (لوکمی)، اورانیوم ضعیف شده که در سلاح ها به کار رفته بود و به همین منوال در صنعت هواپیما سازی غیر نظامی موضوعیت پیدا کرد.

اورانیوم ضعیف شده فلزی متراکم است و همین کیفیت از سال 1960 موجب شد تا از آن به عنوان نیروی گرانشی در قسمت های دم و بال های متحرک هواپیما استفاده کنند.

سازنده آمریکایی بوئینگ مدتها آن را برای 747 به کار می برد تا این که در سال 1980 به تنگستن Tungstène رو آورد که به محصولی رقابتی تبدیل شده بود و از روسیه و چین صادر می شد.

بر اساس Nuclear Regulatory Commission هیئت آمریکایی که به امور قوانین و آیین نامه هسته ای می پردازد، 168 (صد و شصت و هشت) مک دونالد- دوگلاس DC-10 و 60 لاکهید L-1011 و 202 بوئینگ 747 حامل اورانیوم ضعیف شده به عنوان وزن تعادلی هستند. چند فروند از این هواپیماها فعال است؟ ماهنامه «علوم و زندگی» معتقد است که پاسخ به چنین پرسشی بسیار مشکل است. با این وجود حدس زده می شود که حداقل 380 تن اورانیوم ضعیف شده در بالای سر ما در گردش است با حساب این که 320 تن در صحنه جنگ خلیج فارس در سال 1991 پراکنده شده است. این حجم از اورانیوم ضعیف شده وقتی که هواپیماها پرواز می کنند خطرناک نیست : اورانیوم ضعیف شده بیشتر به خاطر مسمومیت شیمیایی آن خطرناک است تا به خاطر پرتو افکنی های رادیو اکتیویته اش. مشکل زمانی شروع می شود که هواپیما دچار سانحه می شود و اورانیوم ضعیف شده آتش می گیرد. تنفس این غبار که در شوش ها به شکل دراز مدت نشست می کند. تنها یک بخش از غبار اورانیوم ضعیف شده قابل حل و در طول سه روز از خون و از طریق ادرار خارج می شود، در حالی که بخش غیر قابل حل (نامحلول) به شکل اکسید پراکنده می شود و به طور مشخص روی استخوان ها ثابت می ماند. چنین عناصری بویژه به کلیه حمله می کنند.

پس از سانحه بوئینگ EI Al 747 در آمستردام، به سال 1992

چندین هزار نفر به بیماری هایی مزمن مبتلا شدند (تهوع، سر درد، اختلال در خواب، بیماری های گوناگون عصبی). بر اساس گزارشی رسمی در سال 1999 مرتبط بودن بیماری های مزمن بین این افراد را با سانحه هوایی تأیید می کند.



وقایع شناخته شده هستند : شمار قابل توجهی از هواپیماهای ار فرانس **Air France** نیز مشمول همین خطر هستند. با این وجود ماهنامه «علوم و زندگی» هشدار می دهد که بریگادهای آتش نشانی و گروه های نجات به تجهیزات مناسب برای رویایی با چنین خطری آماده نشده اند.

در مورد هواپیمای کنکوردی که تابستان گذشته در پاریس سقوط کرد، «علوم و زندگی» خاطر نشان مس کند که در این هواپیما اورانیوم ضعیف شده به کار نرفته بوده است زیرا شکل دلتایی بال هواپیما عهده دار وزن متعادل کننده (یا گرانشی) است.



به گزارش حمید محوی

اخبار درباره اورنیوم ضعیف شده

افغانستان در خطر انقراض نسل

آقای برنارد کوشنر از اورانیوم رقیق شده چه می دانید؟

پیش از این در مقاله ای زیر عنوان «از هیروشیما تا بغداد» مطالبی را که ژوئل پنوشه روزنامه نگار آزاد پیرامون موضوع کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده جمع آوری کرده بود، به زبان فارسی منتشر کردیم، در اینجا به گزارش دیگری در این زمینه می پردازیم که به سال گذشته باز می گردد. در وبلاگ روزنامه فرانسوی «لیبراسیون» به تاریخ 3 دسامبر 2007 مطالبی درباره حضور نظامی فرانسه بین نیروهای حاضر در صحنه افغانستان می خوانیم (1):

اسرار وزارت دفاع فرانسه

«اطلاعاتی را که وزارت دفاع سعی در پنهان ساختن آن داشت، در سایت نیروی هوای ایالات متحده آمریکا منتشر شد. بر اساس این گزارشات، هواپیماهای فرانسوی، بطور متوسط 20 بمب در ماه روی افغانستان پرتاب می کنند، یعنی در مجموع از ماه آوریل 150 بمب پرتاب کرده اند، و باز هم یعنی یک بمب در هر 36 ساعت. در مجموع تعداد هواپیماهای فرانسوی که در اتحادیه ناتو در این منطقه شرکت دارند، شش فروند گزارش شده است که آشیانه های آنها در پایگاه قندهار است. این هواپیماها عبارتند از از سه میراژ 2000- د از پایگاه نانسی و سه میراژ اف 1 از پایگاه رایم. هواپیماهای اف 1 قاعدتا برای مأموریت های شناسایی مورد استفاده قرار می گیرند، ولی در افغانستان در مأموریت های پشتیبانی شرکت می کنند، و حتی تیراندازی با آتش بار را نیز با بمباران ترکیب می کند. بمب ها از نوع

GBU-12

می باشد که وزن آن 250 کیلو و از هدایت لزر بهره می برد.»



توضیح درباره بمب

GBU-12

در خلال توضیحاتی که در مجلات مختلف نظامی می توانیم مشاهده

کنیم، یکی از خصوصیات این بمب علاوه بر دقت بالا در شرایط آب و هوایی مختلف، سنگر کوب بودن آن است. «سنگر کوب» در واقع اصطلاح جنگل‌مانه ای است که برای پوشاندن واقعیت چنین سلاحی بکار می‌برند. زیرا حداقل از سال 1991 تا کنون آمریکا و ناتو در چهار جنگ از این نوع سلاح‌های به اصطلاح سنگر کوب استفاده کرده است، که در واقع شارژ آنها تماماً به اورانیوم ضعیف شده مسلح می‌باشد. و باید دانست که آمریکا و کشورهای عضو پیمان ناتو و از جمله فرانسه هنوز استفاده از چنین سلاحی را قانونی می‌دانند. در حالی که بر اساس گزارشات دیگری، این نوع سلاح‌ها نسل برانداز هستند و قدرت تخریبی آنها در طول زمان انجام می‌گیرد (برای اطلاعات بیشتر به مقاله هیروشیما بغداد مراجعه کنید). یادآوری می‌کنیم که عمر اورانیوم ضعیف شده بیش از چهار میلیارد سال است. نتیجه این که برنارد کوشنر وزیر فعلی امور خارجه فرانسه، که خود او پزشک نیز هست، حتماً به چنین واقعیاتی آگاهی دارد. اگر ما در محاسبات و اطلاعات دچار اشتباه شده باشیم، در این صورت می‌توانیم بگوییم که اخبار اشتباهی در اختیار ما گذاشته بودند. ولی اگر چنین اخباری واقعیت داشته باشد، پیمان ناتو و با آن آقای وزیر برنارد کوشنر، پزشک فرانسوی به جنایت علیه بشریت متهم خواهند بود.



(1)

<http://secretdefense.blogs.liberation.fr/defense/2007/12/20-bombes-frana.html>

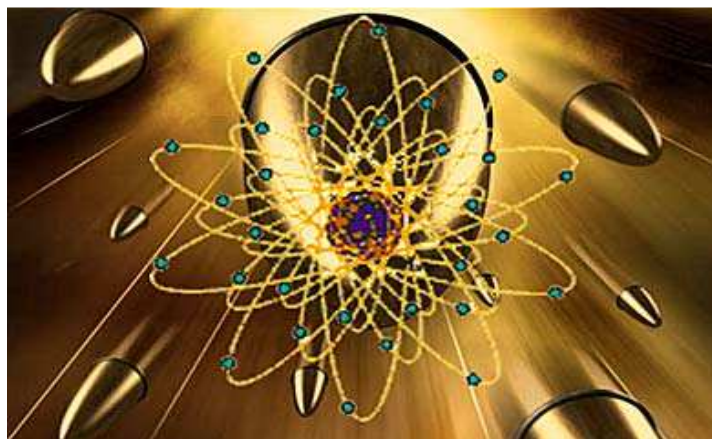
STOP UA !

جنگ اتمی آغاز شده است
ارنستو کارمونا روزنامه نگار شیلیایی
14 نوامبر 2004
شبکه ولتر

Des centaines de milliers de personnes déjà contaminées
La guerre nucléaire a commencé

par Ernesto Carmona
<http://www.voltairenet.org/article15490.html>

ترجمه از فرانسه توسط حمید محوی



**صدها هزار نفر تحت تشعشعات
اتمی آلوده شده اند**

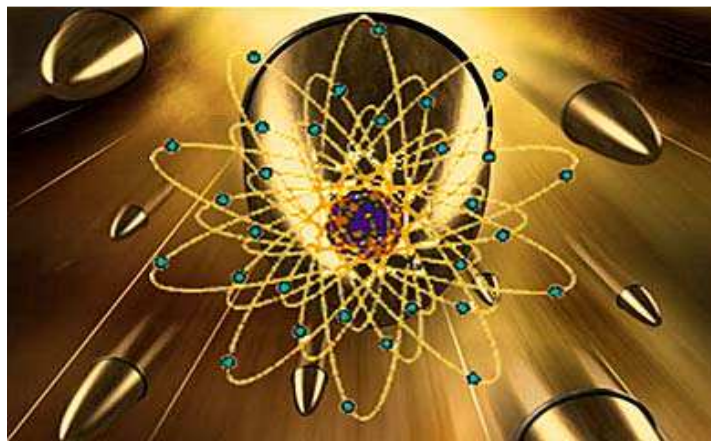
ارنستو کارمونا

جنگ اتمی با اسب تروایی که نامش بمب و مهمات مسلح به اورانیوم است در
عراق و در افغانستان شروع شده است.

ضایعات چنین جنگی، نخستین بار نزد سربازان قدیمی آمریکایی در نخستین جنگ خلیج فارس مشاهده شد. آنها ضایعات ژنتیک را به همسرانشان سرایت داده بودند، و سپس سیر تحولی آن هم چون میراثی هیولایی به فرزندانشان منتقل شده بود.

240000 سرباز از عوارض دائمی رنج می برند، و 11000 نفر نیز مرده اند، تقریباً تمام این گوشت‌های دم توپ از افشار فقیر، و از اهالی آمریکای لاتین و آفریقایی‌های آمریکایی و یا آسیایی بوده اند. تأثیرات سلاح‌های بکاربرده شده بین اهالی افغانستان و عراق از این نیز وسعت بیشتر و اسفناکتری دارد.

شبکه ولتر| ساتیاگو| 14 نوامبر 2004



هزاران کیلوگرم اورانیوم روی عراق و افغانستان ریخته شده است. تأثیرات غبار فلزی توسط باد، طوفان شن، آب و حیوانات تمام منطقه اطراف را به اورانیوم آلوده کرده است: ایران، پاکستان، ترکیه، ترکمنستان، ازبکستان، روسیه، گرجستان، آذربایجان، قزاقستان، چین، هند، عربستان سعودی، سوریه، لبنان، فلسطین و اسرائیل. تمام این مناطق آلوده شده است.

با توجه به خسارات وارد آمده، برخی بر این عقیده هستند که احتمالاً ایالات متحده به شکل پنهانی در اطراف کابل مینی بمب اتمی آزمایش کرده است، و هیچ کس، البته بجز قربانیان، از این واقعه مطلع نشده اند. از دهسال پیش تا امروز اطفالی بدون چشم یا نقص عضو دیگری دنیا می آیند و به دلیل ضایعات ژنتیک هیولایی متولد می شوند. دولت واشینگتن و رسانه های حاکم دور این وقایع تراژیک را حصار آهنی کشیده اند.

گروهی از پزشکان، و والدین سربازان قدیمی و روزنامه نگار برای افشای آلوده گی منطقه [اوراسیا] (آسیا و اروپا) به مواد رادیو آکتیو مبارزه می کنند.

سرطان هزار درصد افزایش یافته است

تمام این موارد توسط بررسی های سالیانه «طرح سانسور» در دانشگاه سونوما در کالیفرنیا افشا شده است. هیئت پژوهشی هر ساله 25 موضوع سانسور شده توسط رسانه ها و روزنامه های پر اهمیت در ایالات متحده را معرفی می کند. پیام ضمنی چهارمین بیانیۀ این گروه به عبارت زیر است:

علیه تشعشعات اتمی آرام و بی سر و صدای منطقه آسیا و اروپا که بخاطر منافع مشترک صنایع اتمی و ارتش ایالات متحده صورت گرفته است، هر چه زودتر باید اقدام کنیم.

آزمایشات بین نظامیان و غیر نظامیان حد بالایی از اورانیوم را نشان داده اند. این موضوع را بررسی های باب نیکل، تد ویمن، استفانی هیلر، یوهان گونزالز، نیلوفر بحقوات، جنیفر لیلیگ، کنی کروسبی ثابت می کند. منتخبی از متن پژوهشی آنها را یادآور می شویم:

Bob Nichols, Tedd Weyman, Stephanie Hiller, Juan González, Niloufer Bhagwat J, Jennifer Lillig et Kenny Crosbie

اهالی غیر نظامی و نظامیان اشغالگر در عراق و در افغانستان در حد خارق العاده ای به رادیوآکتیو آلوده شده اند. منشأ این نوع آلودگی مهمات ساخت ایالات متحده است که در آنها هزاران کیلو گرم اورانیوم رقیق شده و اورانیوم های دیگر بکار برده شده است. پژوهش گران اعلام کرده اند که کشورهای همسایه نیز تحت تأثیر این آلودگی ها خواهند بود.

در سال 2003، پژوهشگران مرکز تحقیقات پزشکی درباره اورانیوم (1) ادرار تعدادی غیر نظامی افغان را آزمایش کردند. نتیجه این آزمایشات نشان داده است که صد در صد نمونه ها حاوی اورانیوم (غیر اورانیوم ضعیف شده) و اندازه آن نیز 4 تا 20 برابر میزان عادی بوده است. گروه پژوهشی مرکز تحقیقات پزشکی درباره اورانیوم، شش محل را مورد بررسی قرار داده است، دو نقطه از کابل و بقیۀ نقاط در جلال آباد بوده است. غیر نظامیان افغان چهارماه پس از حملات ایالات متحده و هم پیمانانش مورد آزمایش قرار گرفته بودند.

اورانیوم غیر ضعیف شده (2) پرتوافکنی هایش بیشتر از اورانیوم ضعیف شده است (3)، و طی ده سال گذشته، موجب انواع و اقسام سرطان و عوارض مادرزادی وخیم نزد کودکان بوده است. تنها در سال 2003، یک میلیون و هشتصد و چهل تن اورانیوم رادیو آکتیو در عراق پخش شده است. این موضوع در سال 2003 پس از نتایج آزمایش پزشکی 9 سرباز آشکار شد که پس از پایان خدمتشان در عراق به خانه هایشان بازگشته بودند. آزمایش این سربازان نشان داد که غبار اورانیوم در بدن آنها باقی مانده است.

در پاسخ به درخواست روزنامه «نیویورک دیلی نیوز»، دولت ایالات متحده مخارج درمانی از قرار هزار دلار برای هر سرباز را خیلی گران ارزیابی کرده است، در حالی آزمایشان انجام شده نشان می دهد که 4 سرباز از 9 سرباز معاینه شده میزان آلودگی شان به اورانیوم ضعیف شده خیلی زیاد بوده است. آلودگی این سربازان احتمالاً به دلیل تنفس در فضای آلوده به غبار اورانیوم ضعیف شده بوده که مهمات ارتش آمریکا به وجود آورده بودند. حضور اورانیوم 236 در چند نفر مشاهده شده که تنها در فرآیند واکنش هسته ای می توان یافت.



بمب 80 میلیمتری با کلاهک اورانیوم ضعیف شده

اکثر سلاح های ایالات متحده (موشک، بمب «هوشمند»، بمب «کور»، گلوله، گلوله توپ تانک، موشک های کروز و غیره) مجهز به کلاهک اورانیوم ضعیف شده یا غیر ضعیف شده است. انفجار چنین مهماتی موجب پراکندن غبار رادیو اکتیو می شود و عمر آن معادل چهار میلیارد و نیم سال است و افرادی را که آن را تنفس کنند، در بدنشان باقی خواهد ماند. به طور کلی آلوده کننده ای است که به شکل دائمی در هوا شناور است، و با باد و طوفان شن یا از طریق جریان آبهایی که در مجاورت آن قرار دارند پراکنده می شود. وقتی وارد بدن می شود، موجب تولید مشتقات هسته ای شده و به دی.ان.ای (یا دنا - دئوکسی ریبونوکلیک اسید) حمله می کند.

گروه تحقیقات پزشکی اورانیوم نزد صدها غیر نظامی افغان عوارض شدید مسمویت به مواد رادیو اکتیو به انضمام عوارض دائمی آلودگی به اورانیوم را تشخیص داده اند، و به همین گونه عوارض مادر زادی نزد نوزادان. غیر نظامیان افغان در تشریح واقعه ابر ضخیمی از غبار و دود را که از نقطه اصابت بر خاسته یادکرده اند که بوی تند و اسیدی داشته و موجب سوزاندن حفره های بینی، گلو و ناحیه دستگاه تنفس بالائی شده است.

تمام افراد در تمام مناطق پدیده را به شکل مشابهی توضیح داده اند و زمان بروز عواض نیز یکسان بوده است. قربانیان در مورد عوارضشان گفته اند که در ناحیه ستون فقرات، شانه ها و جمجمه احساس درد داشته اند، علاوه بر این در ناحیه کمر درد خفیفی احساس کرده اند، ضعف عضلانی در نقاط مفصلی، بی خوابی، سر درد، مشکل حافظه و جهتی یابی.

در کنفرانسی که به تاریخ اکتبر 2003 پیرامون موضوع سلاح های اورانیوم در هامبورگ در آلمان برگزار شد، دانشمندان مستقل از سر تا سر جهان تأیید کردند که تولد نوزادان با نقص عضو و سرطان در مناطقی که اورانیوم غیر ضعیف شده و اورانیوم ضعیف شده به کار برده شده افزایش پیدا کرده است. پروفیسور کاتسوما یاگاساکی، دانشمندی که در دانشگاه ریوکیوس در اوکیناوا تدریس می کند، محاسبه کرده است که 800 تن اورانیوم ضعیف شده در افغانستان پراکنده شده است که معادل 83000 بمبی است که در ناکازاکی منفجر کردند. مقدار اورانیوم ضعیف شده ای که در عراق به کار بردند نیز معادل 250000 بمب از نوع بمبی است که در ناکازاکی منفجر کردند.

دکتر جواد-ال-ال-علی سرطان شناس، که در انگلستان دیپلم تخصصی اش را گرفته است، عکس هایی از انواع نقص جسمی و غده مادرزاد را به حضار نشان که، پیش از جنگ 2003، در بیمارستان صدام در بصره مشاهده کرده بود. میزان سرطان به شکل اسفناکی طی پانزده سال گذشته افزایش داشته است. در 11 1989 مورد غیر عادی در 100000 تولد مشاهده شده، ولی در سال 2001 ، با 116 مورد در 100000 تولد، بیش از 1000 درصد افزایش پیدا کرده است. در سال 1989، سی و چهار نفر به دلیل ابتلا به سرطان جان خود را از دست دادند، در حالی که در سال 2001، تعداد قربانیان این بیماری 603 نفر بوده است. جنگ 2003 این ارقام را به شکل سرسام آوری افزایش داده است.

انجمن ژاپنی «دادگاه عفو بین الملل برای افغانستان» در توکیو به تاریخ دسامبر 2003 دادگاه تخیلی را به صحنه گذاشته. ایالات متحده در این دادگاه تخیلی برای چندین جنایت جنگی و از جمله به کار بردن اورانیوم ضعیف شده محاکمه شد. لورن موره، رئیس هیئت علمی برای مردم بومی و کمیسیون محیط زیست در شهر برکلی، نشان داد که عناصر رادیو آکتیو در سلاح هایی که ایالات متحده در افغانستان به کار برده است، آب و هوا و منابع غذایی را آلوده ساخته و تأثیرات آن تا ایران، ترکیه، ترکمنستان، ازبکستان، روسیه، گرجستان، آذربایجان، قزاقستان، چین و هند گسترش یافته است. کشورهای که تحت تأثیر کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده در عراق آلوده شده اند، عبارتند از عربستان سعودی، سوریه، لبنان، فلسطین، اسرائیل، ترکیه و ایران.

بمباران به وسیله اورانیوم، هوا و آب و زمین و موجودات زنده به انضمام خود بمباران کننده های آمریکائی را که به خانه هایشان بازگشته بودند، آلوده کرده است.

قربانیان این جنایت انکار ناپذیر عبارتند از هکتور وگا، رای برانش، اوگوستین ماتوس، و کاپیتان آنتونی یونون که تمامشان به یگان 442 گارد نیویورک تعلق داشته اند. این افراد نخستین نمونه های تأیید شده ای هستند که در جنگ عراق در فضای آلوده به غبار اورانیوم حضور داشته اند و در دم و باز دم آن غبارهای آلوده را بلعیده اند. دکتر آسیف دوراکوویچ، پروفیسور در زمینه پزشکی هسته ای در مرکز تحقیقات پزشکی اورانیوم، مواردی را آزمایش کرده و دیانگوستیک خود را اعلام کرده است. این ماجرا در 3 آوریل 2004 در نیویورک دیلی نیوز منتشر شد. هیچ درمان و راه علاجی وجود ندارد.

بر اساس گزارشات لورن موره : «در تحقیقاتم درباره اورانیوم ضعیف شده، در این پنج سال گذشته، اطلاعاتی که بیش از همه تأسف بار می باشد، مرتبط است به تأثیرات اورانیوم ضعیف شده روی نوزادانی که در آینده به دنیا خواهند آمد و نسل های آینده سربازان دو جبهه که در جنگها به خدمت گرفته می شوند، و مردم غیر نظامی که باید به شکل دائمی در مناطق آلوده به رادیو آکتیو زندگی کنند. امروز بیش از 240000 سرباز قدیمی که در جنگ علیه عراق شرکت داشته اند از عوارض دائمی رنج می برند، و 11000 نفر نیز مرده اند. به آنها هیچ کمکی نکردند و نپذیرفتند که این افراد مورد آزمایش پزشکی قرار بگیرند، و از سال 1991 هیچ خسارتی در رابطه با آلودگی به اورانیوم ضعیف شده به آنها نپرداختند. تنها بدترین لباس خدمت را باخ و د به خانه آوردند. در چند خانواده کودکانی که پیش از جنگ علیه عراق به دنیا آمده بودند، سالم هستند. همسران سربازان قدیمی در جنگ علیه عراق از مورد شناخته شده «عارضه اسپرم سوزان» یاد کرده اند (عناصر رادیو اکتیو بیشتر روی اسپرم متمرکز می شود) و از این پس از آلودگی درونی به اورانیوم ضعیف شده رنج می برند که در اسپرم سربازان قدیمی تمرکز یافته. بسیاری از آنها مبتلا به بیماری اندومتريوز شده اند (نوعی غده در رحم) که تولید نسل را مختل می سازد. در تحقیقات دولت ایالات متحده، به مدیریت وزارت مبارزان قدیمی، اختلالات مادرزاد یا بیماری های سخت بین 67 درصد نوزادانی که پس از جنگ علیه عراق به دنیا آمده اند مشاهده شده است. بی چشم به دنیا آمده اند (آنوفتالمی)، بی گوش، یا بدون دست و پا، انگشت های نامتعارف، و یا نواقض دیگر...»

نوزاد آمریکائی بی دست به دنیا آمد،

و اخیرا نوزاد عراقی نیز بی مخ به دنیا آمد

لورن موره نتیجه می گیرد که : «در عراق، وضع بدتر از این است. در آنجا کودکان بی مخ به دنیا می آیند، اعضای بدن در بیرون از بدن است، و بانوان «قطعات گوشت» به دنیا می آورند. در سال 2002، تولد نوزادان کور (آنوفتالمی) 250000 بار بیشتر از میزان عادی آن بوده است، یعنی 20 مورد در 4000 مورد، در حالی که میزان طبیعی یک مورد تولد آنوفتالمی در 50 میلیون تولد است.»

مرکز تحقیقات پزشکی اورانیوم در حفره هایی که در اثر انفجار به وجود آمده اند، در رودخانه ها اطراف و در بدن غیر نظامیانی که زیر بمباران متفقین به رهبری ایالات متحده در افغانستان بوده اند، اورانیوم صنعتی پیدا کرده اند. غیر نظامیانی که مورد آزمایش قرار گرفته اند، آنهایی که در مجاورت بمباران بوده اند، عوارض کلاسیک آلودگی درونی به اورانیوم را نشان داده اند.

حضور اورانیوم صنعتی در نمونه برداری ها از محیط زیست و بیولوژیک نشان داده است که مهمات بمب های سنگر کوب («بانکر باستر») که در افغانستان به کار برده شده است، از اورانیوم ضعیف شده بوده است. اورانیوم عنصر مسموم کننده، در سطح پرتو افکنی و شیمیائی است. تحقیقات علمی در عرصه شیمی نشان داده است که اورانیوم صنعتی موجب چندین نوع سرطان و تولد نوزادان هیولائی می شود.

آلودگی درونی به اورانیوم مسئول انواع مشکلات سازواره ای و اندام واره ای انسانها بوده، ولی هرگز از سوی برنامه های بهداشتی وزارت دفاع و مبارزان قدیمی به عنوان «عوارض جنگ خلیج» بهر سمیت شناخته نشده است. عوارض آلودگی به اورانیوم نزد اهالی عراق و افغانستان و سربازان قدیمی ایالات متحده و هم پیمانانش یکسان است و همه از «عوارض جنگ خلیج» رنج می برند.

وزارت دفاع ایالات متحده تمام قدرت خود را به کار انداخت تا از انتشار تحقیقات مرکز تحقیقات پزشکی اورانیوم جلوگیری کند، و علاوه بر این با اردوی تبلیغاتی از طریق رسانه ها به تحریف گزارشات مرکز تحقیقات پزشکی اورانیوم پرداخت و آزمایشگاه های تحقیقات علمی را زیر نظارت خود در آورد تا نتایج را مردود اعلام کند و اعتبار علمی این مرکز تحقیقاتی و کارمندان علمی و پزشکان عضو را نیز زیر علامت سؤال ببرد.

مرکز تحقیقات پزشکی اورانیوم نخستین سازمان تحقیقاتی مستقل بود که آثار اورانیوم ضعیف شده را در بدن سربازان قدیمی که در جنگ علیه عراق شرکت کرده بودند، تشخیص داده بود (سربازان ایالات متحده، انگلستان و کانادا).

مرکز تحقیقات پزشکی اورانیوم، بعداً، پس از عملیات «آزادی در عراق» در آب، زمین و هوای عراق، و به همین گونه در نمونه برداری از عناصر طبیعی که مردم عراق در اختیار آنها گذاشته بودند، اورانیوم ضعیف شده کشف کرده بود.

توضیحات

(1)

Uranium Medical Research Center

<http://umrc.net/>

(2)

NDU, non-depleted uranium

(3)

(DU, depleted uranium)

STOP UA !

گفتمان مدافعان حقوق بشر و ناگفته ها
درباره ژنوسید با اورانیوم ضعیف شده

گاهنامه هنر و مبارزه اوت 2008

<http://stopua.blogfa.com/1387/07>

سکوت تبانی آسا

مزدوران ایرانی نما

در خدمت جنایت علیه بشریت

اپوزیسیون ایرانی نما

در خارج از کشور

و گفتمان بیمارناک مدافعان حقوق بشر

و ناگفته ها

درباره ژنوسید با اورانیوم ضعیف شده

اخیرا به مناسبت سفر رئیس جمهور ایران به نیویورک شاهد تظاهراتی از جانب محافل رسمی اپوزیسیون ایران مقابل ساختمان سازمان ملل متحد بودیم. البته روشن است که چنین تجمعاتی که غالبا به پشتیبانی های مالی مجهول انجام می گیرد تازگی ندارد. ولی باید دانست که متأسفانه گفتمان حقوق بشر نزد اپوزیسیون های ایرانی در خارج از کشور قویا با جهان سیاست آمیخته و بیشتر با طرح های امپریالیستی هم خوانی دارد تا با جریانی راستین برای دفاع از حقوق بشر

البته من شخصا در محل حضور نداشتم، ولی این اخبار را در طریق روزنامه اینترنتی پی گیری کردم. در تصویری که منتشر شده بود می توانستیم شعارهای روی پلاکاردها را بخوانیم. انتقاد اصلی که ما می توانیم به چنین جریان هایی وارد بدانیم به شعارهای مطرح شده ارتباطی ندارد، بلکه به ناگفته ها مربوط می شود.

من فکر می کنم حداقل مطلبی که می توانیم درباره آنها بگوییم این است که چنین جریاناتی با شعارهای ظاهرا بشر دوستانه به میدان می آیند ولی به آن چه مدعی آن هستند واقعا عمل نمی کنند. انحراف اصلی چنین مدافعانی در طرح مسائل حقوق بشر معاصر، به نگاه بسته و جزئی نگری آنها مربوط می شود، و دقیقا به دلیل همین جزئی نگری نزد آنان است که از دیدگاه من انحرافی به نظر می رسد.

جزئی نگری در این جاست که ما موضوع حقوق بشر را منحصر به ایران بدانیم و تنها خلاف کاری های نسبی دولت مذهبی را به باد انتقاد بگیریم که - به عنوان مثال - برای بشریت هیچ نقشی قائل نیست بجز عبادت خدا. در حالی که موضوع حقوق بشر موضوعی جهان شمول است. ولی خشونت امپریالیستی، تجاوز به خاک کشورها، قتل عام های رایج، نگاه عمیق به موضوع اختلاف طبقاتی در سطح جهانی و ... تا نبرد موگادیشو هیچ یک نه تنها جزء گفتمان کنفدراسیون ایرانیان برای دفاع از حقوق بشر نبوده است، بلکه برعکس، تا آن جایی که من می دانم، در مصاحباتشان با رادیو بین المللی فرانسه غالبا از موقعیت سرمایه های خصوصی در ایران اظهار نگرانی کرده اند، احتمالا یکی از مشغولیات دائمی آنها رسیدگی به مال و اموال برباد رفته برخی افراد در رژیم پیشین ایران بوده است. به طور کلی

می توانیم بگوییم که حقوق بشر از دیدگاه حقوق بشر ایرانی و رسمی همان حقوق بشر بورژوازی ست.

نگاه جزئی در اینجا مشخصا یعنی چه؟ یعنی این که ما در آمریکا یعنی کشوری که علی رغم مداخلهٔ پاپ، کلارا توکه را اعدام کرد و کشوری که اعدام در آن جا بیداد می کند، فقط به جمهوری اسلامی اعتراض کنیم و بگوییم تو آدم نکش و تو افراد زیر هجده سال را اعدام نکن و یا اساسا اعدام نکن و بمب اتمی نساز و حتی انرژی اتمی هم نداشته باش و حتی از ایجاد آرشیو برای علم فیزیک اتمی و حتی فیزیک هم قطع نظر کن. چنین اعتراضاتی شاید البته در بهترین تعابیر ستایش انگیز باشد، ولی موجب این توهم می شود که گویی آنها بر خاک تمدن خیزی ایستاده اند.

ستایش انگیز است که حداقل یک عده هنوز برای جان و سرنوشت نوع بشر و نوع بشر ایرانی ارزش قائل می شوند. ولی تناقض چنین جریاناتی که از جزئی نگری بیمارناک آنها منشأ می گیرد، در این نکته نهفته است که اگر با برده فروشی مخالف هستند، ولی از طرف دیگر با عمده فروشان برده هم پیاله می شوند؟ و چگونه است که به اعدام مجرمین اجتماعی که در عین حال قربانیان اجتماعی نیز هستند اعتراض می کنند، ولی از ژنوسید حرفی نمی زنند و موضوع استفاده از سلاح های اورانیوم رقیق شده توسط ناتو در جنگ های معاصر هیچ گاه جایی در گفتمان آنها نداشته است. و نه تنها در چنین مواردی همواره سکوت اختیار کرده اند بلکه همین رادیو بین المللی فرانسه که خودش را بلندگوی حقوق بشر معرفی می کند، هر آن گاه که محافل ایرانی به خاطر استفاده از سلاح های شیمیایی علیه ایران در طول جنگ هشت ساله، شکایتی مطرح کرده اند همین حقوق بشری ها به نام مبارزه با جمهوری اسلامی، جهت موضوع را تغییر داده و گویی که

چنین شکایتی ترفندی سیاسی بوده است. بدون شک یکی از دلایل چنین پرده پوشی ها و سیاست هایی از جانب محافل به اصطلاح حقوق بشری، شرکت مستقیم فرانسه در معامله اسلحه با دوست دیرینه شان بوده که آمریکایی ها اعدامش کردند. در هر صورت باید دانست که موضوع جنایات جنگی هیچ گاه در گفتمان حقوق بشری ایرانیان در خارج از کشور جایی نداشته است.

ولی اپوزیسیون ایرانی (نما) در خارج از کشور و محافل رسمی حقوق بشر ایرانی تنها بازی کنان این صحنه سکوت و تبانی در رابطه با جنایتی که در شرف وقوع می باشد، نیستند، زیرا دولت های عراق و افغانستان و ایران نیز در این بازی مرگ آسا شرکت دارند و آنها نیز سکوت اختیار کرده اند. سازمان ملل متحد یکی دیگر از بازی کنان این صحنه مرگ آسا است.

حمید محوی

آیا ارتش کانادا

مهمات اورانیوم ضعیف شده

در اختیار دارد؟



ناو NCSM Athabaskan

و

ناو NCSM Terra Nova

که هر دو ناو به سیستم سلاح کوتاه برد فالانکس (۲) (سیستم دفاعی ضد موشک با شلیک سریع) مجهز می باشند، از بندر هالیفاکس برای شرکت در جنگی که به نام جنگ خلیج شهرت دارد حرکت کردند. ولی در عملیات محاصره دریایی با دشمن روبرو نشدند. ذخیره اورانیوم ضعیف شده به عنوان مهمات شرایط خاصی را ضروری می سازد، و این از جمله مواردی است که مشکلاتی برای لوژیستیک ناوگان کانادا بوجود آورده بود.

از سال 1998 سلاح اورانیوم ضعیف شده جزء برای مهمات کانادایی. سلاح های کشور کانادا نیست از این پس از تونگستن (۳) استفاده می شود که از جمله فلزات سنگین است.

1- منبع

http://www.dnd.ca/health/information/med_vaccs/frgraph/DU_Backgrounder_f.asp

۲- Phalanx

۳ - Tungstène

گاهنامه هنر و مبارزه دسامبر 2008

<http://stopua.blogfa.com/1387/10>

بکارگیری بمب‌های هوشمند آمریکایی

در حملات نوار غزه

روزنامه اینترنتی خبرگزاری فارس 87.10.09 به نقل از یک روزنامه اسرائیلی (بدون قید منبع) اعلام کرد که نیروی هوایی اسرائیل در بمباران اخیر غزه از بمب‌های سنگر کوب «جی بی یو 39» استفاده کرده است.

اگر چنین خبری صحیح باشد، از آن جایی که چنین بمب‌هایی از اورانیوم ضعیف شده استفاده می‌کند، به کار بردن آن به مفهوم خودکشی و قطع نسل اسرائیل نیز خواهد بود. زیرا غبار اورانیوم ضعیف شده مرز نمی‌شناسد و با باد و عناصر مختلف طبیعی در اطراف پراکنده خواهد شد.

در هر صورت اسرائیل یکی از مناطق آلوده به اورانیوم رقیق شده در منطقه خاور میانه است. زیرا

نتایج بمباران های عراق و افغانستان هم چنان در حال گسترش است.

نتیجه این که این خبر یا صحیح نیست، و یا این که اسرائیل راه حل مقابله با گرد و غبار های اورانیوم ضعیف شده را پیدا کرده است. و این موضوعی ست که بعید به نظر می رسد. و یا این که اسرائیل همراه با بمباران غزه، خودش را نیز به قطع نسل محکوم کرده است. چنین نظریاتی باز هم صحیح به نظر نمی رسند.

من نتیجه می گیرم که اسرائیل در بمباران های اخیر از « جی بی یو 39 » استفاده نکرده است.

درباره بمباران رفح

و

اورانیوم ضعیف شده

روزنامه حزب کمونیست کانادا به نقل از منابع مختلف، روز 15 ژانویه 2009 در خصوص بمباران شدید رفح در نزدیکی مرز مصر، در تقویم حوادث خود نوشته بود که اسرائیلی ها برای تخریب تونل های زیر زمینی که برای مقابله با محاصره ایجاد کرده اند و از آنها برای حمل مایحتاج روزمره استفاده می کنند، از بمب های سنگر کوب استفاده کرده اند.

بر این اساس نتیجه گیری من در متن پیشین درباره عدم استفاده اسرائیل از چنین سلاحی صحیح به نظر نمی رسد، و روزنامه حزب کمونیست کانادا می نویسد که از بمب های اورانیوم ضعیف شده استفاده کرده اند.

من فکر می کنم، اگر چنین موردی واقعیت داشته باشد، چنین عملی نه تنها تمام عیار بودن این جنگ را

نشان می دهد؛ و نه تنها «ژنوسیدر» بوده، بلکه حاکی از این امر می باشد که اسرائیل نیز کارد به استخوانش رسیده و دست اعمال جنون آمیز می زند.

در هر صورت در تمام این موارد ما هیچ اطلاع صحیحی در دست نداریم و با توجه به منابع مختلف خبری به نتایج متفاوتی می رسیم.

گاهنامه هنر و مبارزه

فوریه 2010

<http://stopua.blogfa.com/1388/12>

سایت پرس تی وی

Press TV

از «استقرار تهدید آمیز بمبهای سنگر کوب آمریکا
در اقیانوس هند» خبر داد

اسفند 1388 - 09:39

آدرس منبع : <http://www.presstv.ir/Persian.aspx?id=8546>

«به گزارش هفته نامه انگلیسی ساندی هرالد، آمریکا صدها بمب سنگر کوب را با هدف تهدید ایران از کالیفرنیا به جزیره انگلیسی دیه گو گارسیا منتقل کرد. ساندی هرالد نوشت، این اقدام بر پایه توافق ماه ژانویه آمریکا برای انتقال 10 کانتینر مهمات به این جزیره صورت گرفته است.

این محموله نیروی دریایی آمریکا شامل 387 بمب

پرقدرت است که برای انهدام تأسیسات و سنگرهای مستحکم زیرزمینی به کار می رود.

این بمبها شامل 190 بمب هوشمند و هدایت شونده بلو-110 و همچنین 192 بمب پرقدرت و دو هزار پوندی (نهصد کیلویی) بلو-117 می شود.

به نوشته ساندی هرالد، کارشناسان این اقدام آمریکا را به منزله تهدیدی برای تأسیسات هسته ای ایران و وادار کردن این کشور به توقف برنامه هسته ای خود ارزیابی کرده اند.

ساندی هرالد در سال 2007 نیز گزارش داده بود، آمریکا جنگنده های استیلت مستقر در پایگاه دیه گو گارسیا را به قابلیت حمل بمبهای سنگر کوب مجهز کرده است.

ساندی هرالد همچنین از پرداخت 699 هزار و پانصد دلار به یک شرکت حمل و نقل دریایی برای انتقال هزاران محموله نظامی از شهر کنکورد در ایالت کالیفرنیا به جزیره دیه گو گارسیا خبر داد.

دان پلش، رئیس مرکز بین المللی مطالعات و دیپلماسی دانشگاه لندن به ساندی هرالد گفت، هدف آمریکا از منتشر نکردن این گونه اقدامات خود علیه ایران، محتمل جلوه دادن حمله به این کشور است.

وی تاکید کرد آمریکا از زور به عنوان بخشی از راهبردهای عمومی خود برای هدایت اقدامهای ایران استفاده می کند.

در حالی که مقامهای ایران نقل و انتقالاتی و مخفیانه جلوه دادن این گونه اخبار از سوی آمریکا را اقدامی ناکارآمد از سوی واشنگتن برای محتمل جلوه دادن حمله ناممکن به ایران می دانند.

یان دیوس، رئیس موسسه مستقل و غیردولتی ناتو به هفته نامه ساندی هرالد (NATO Watch) واچ گفت: "باید از آمریکا بخواهیم هدف واقعی خود از استقرار این بمبها را روشن کند.

آمریکا در دو تهاجم خود به عراق در سالهای 1991 و 2003 از پایگاه دیه گو گارسیا نیز استفاده کرده بود.»

همانطور که می دانیم اصطلاح بمب سنگر کوب شیوه ای است برای امتناع از به کار بستن کلمه اورانیوم ضعیف شده. در هر صورت برخی کشورها نظیر آمریکا هنوز سلاح های اورانیوم ضعیف شده را به عنوان سلاح های متعارف یا کلاسیک معرفی می کنند.

از طرف دیگر بر اساس قوانین بین المللی که به امضای خود ایالات متحده آمریکا نیز رسیده، بمباران مراکز تولید انرژی هسته ای ممنوع و غیر قانونی است. با این وجود ابرقدرت آمریکا دائما از احتمال بمباران مراکز هسته ای ایران حرف می زند. متأسفانه مواردی هست که افشاگری و یادآوری قوانین و موازین اخلاقی، اگر چه نیکو به نظر می رسد ولی در برابر کشوری که برای پیشبرد اهدافش در سیاست های خارجی از هیچ جنایتی کوتاهی نمی کند و از کشوری که دست پدر بنیانگذارش به بزرگترین قتل عام تاریخ آلوده است (قتل عام سرخپوستان بومی قاره آمریکا) ناکارآمد و بیهوده به نظر می رسد. به همان شکلی که جان پرکینز در کتاب «اعترافات جنایتکار اقتصادی» نشان می دهد، وقتی سنگ جنایتکاران اقتصادی به سنگ می خورد، و وقتی شغالها تلاش هایشان بی نتیجه می ماند، دختران و پسران جوان را می فرستند که بکشند و کشته شوند. راه حل نظامی آخرین راه حل امپریالیسم جهانی و

شرکت های چند ملیتی در جهان سرمایه داری است.
چنین مسئله ای به هیچ عنوان به موضوع قرون
وسطایی بودن و یا غیر دموکراتیک بودن دولتی
نظیر جمهوری اسلامی ارتباطی ندارد. مگر دولت
مصدق قرون وسطایی و حزب الله بود؟ . اولین جنایتکار
اقتصادی کرمیت روزولت (نوه تدی رئیس جمهور ایالات متحده
آمریکا] در سالهای 50 دولت ایران را که به شکل دموکراتیک
انتخاب شده بود، با خرج چند میلیون دلار سرنگون کرد.

بی شک این تصاویر مشنر کننده محصول پیشرفته ترین و
قدرتمندترین کشور دنیا است : ایالات متحده آمریکا. به همین علت
نیز ما را بیش از پیش به فکر می دارد تا در مفهوم پیشرفت و قدرت
تأمل کنیم.



بعد از این تصاویر چه باید گفت؟ بعد از این تصاویر
چه باید کرد؟

استقرار تهدید آمیز بمبهای سنگر کوب آمریکا در اقیانوس هند

سایت پرس تی وی

Press TV.

اسفند 1388 - 09:39

: آدرس منبع

<http://www.presstv.ir/Persian.aspx?id=8546>

به گزارش هفته نامه انگلیسی ساندی هرالد، «آمریکا صدها بمب سنگر کوب را به هدف تهدید ایران از کالیفرنیا به جزیره انگلیسی دیه گو گارسیا منتقل کرده است» (این جزیره مرجانی که در اقیانوس هند واقع شده در فاصله 4500 کیلومتری ایران است در عین حال یکی از پایگاه های هوایی ایالات متحده نیز هست و به عنوان مثال تعدادی هواپیمای ب 2 نیز در آنجا مستقر می باشد. در حالی که شهاب های ایران به سختی بردشان به 2000 کیلومتر می رسد و آمریکایی ها با خیال راحت می توانند ایران را بمباران کنند.) سامدی هرالد می نویسد « این اقدام بر اساس توافق ایالات متحده در ماه ژانویه برای انتقال 10 کانتینر مهمات به این جزیره صورت گرفته است. این محموله که به نیروی دریایی آمریکا تعلق دارد شامل 387 بمب پر قدرت است که برای انهدام تأسیسات و سنگرهای مستحکم زیر زمینی به کار می رود، و به طور مشخص شامل 190 بمب هوشمند و هدایت شونده بلو 110 و 192 بمب پر قدرت بلو 117 (هر یک به وزن دو هزار پوند= نهصد کیلوگرم) می باشد.»

به نوشته ساندی هرالد، کارشناسان این اقدام آمریکا را به منزله تهدیدی برای تأسیسات هسته ای ایران و وادار کردن این کشور به توقف برنامه هسته ای اش، ارزیابی کرده اند. ساندی هرالد در سال 2007 نیز گزارش داده بود که آمریکا جنگنده ای استیلیت را که در دیه گوگارسیا مستقر هستند، برای حمل بمب های سنگر کوب آماده و تجهیز کرده است.

سندی هرالد هم چنین از پرداخت 699 هزار و پانصد دلار به یک شرکت حمل و نقل دریایی برای انتقال هزاران محموله نظامی از شهر کنکورد در ایالات کالیفرنیا به جزیره دیه گوگارسیا خبرداد.

دان پلش، رئیس مرکز بین المللی مطالعات و دیپلماسی دانشگاه لندن به سندی هرالد گفت، هدف آمریکا از منتشر نساختن این گونه اقدامات خود علیه ایران، محتمل جلوه دادن حمله به این کشور است. وی تأکید کرد که اعمال زور به عنوان بخشی از راهبردهای عمومی ایالات متحده در رابطه با ایران است. با این وجود مقامات ایرانی نقل و انتقال های نظامی و مخفیانه جلوه دادن این گونه مانورها را از سوی آمریکا، اقدامات ناکارآمدی برآورد کرده و احتمال حمله به ایران را ناممکن دانسته اند.

علاوه براین پان دیویس رئیس مؤسسه مستقل و غیر دولتی «ناتو وچ» (1) به هفته نامه ساندی هرالد اظهار داشت که باید از آمریکا خواست که هدف واقعی خود از استقرار این بمب ها را روشن سازد. «آمریکا در دو تهاجم خود به عراق در سال های 1991 و 2003 از پایگاه دیه گوگارسیا نیز استفاده کرده بود.»

پی نوشت

NATO Watch - 1

همانطور که می دانیم اصطلاح بمب سنگر کوب شیوه ای است برای امتناع از به کار بستن کلمه اورانیوم ضعیف شده. در هر صورت برخی کشورها نظیر آمریکا هنوز سلاح های اورانیوم ضعیف شده را به عنوان سلاح های متعارف یا کلاسیک معرفی می کنند. از طرف دیگر بر اساس قوانین بین المللی که به امضای خود ایالات متحده آمریکا نیز رسیده، بمباران مراکز تولید انرژی هسته ای ممنوع بوده و غیر قانونی است. با این وجود ابرقدرت آمریکا دائما از احتمال بمباران مراکز هسته ای ایران حرف می زند. متأسفانه مواردی هست که افشاگری و یادآوری قوانین و موازین اخلاقی، اگر چه نیکو به نظر می رسد ولی در برابر کشوری که برای پیشبرد اهدافش در سیاست های خارجی از هیچ جنایتی کوتاهی نمی کند و از کشوری که دست پدر بنیانگذارش به بزرگترین قتل عام تاریخ آلوده است (قتل عام سرخپوستان بومی قاره آمریکا) ناکارآمد و بیهوده به نظر می رسد. به همان شکلی که جان پرکینز در کتاب «اعترافات جنایتکار اقتصادی» نشان می دهد، وقتی سنگ جنایتکاران اقتصادی به سنگ می خورد، و وقتی شغالها تلاش هایشان بی نتیجه می ماند، دختران و پسران جوان را می فرستند که بکشند و کشته شوند. راه حل نظامی آخرین راه حل امپریالیسم جهانی و شرکت های چند ملیتی در جهان سرمایه داری است. چنین مسئله ای به هیچ عنوان به موضوع قرون وسطایی بودن و یا غیر دموکراتیک بودن دولتی نظیر جمهوری اسلامی ارتباطی ندارد. مگر

دولت مصدق قرون وسطایی و حزب الهی بود؟ . اولین جنایتکار اقتصادی کرمیت روزولت (نوه تدی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا) در سالهای 50 دولت ایران را که به شکل دموکراتیک انتخاب شده بود، با خرج چند میلیون دلار سرنگون کرد.

بی شک این تصاویر مشنر کننده محصول پیشرفته ترین و قدرتمندترین کشور دنیا است : ایالات متحده آمریکا. به همین علت نیز ما را بیش از پیش به فکر می دارد تا در مفهوم پیشرفت و قدرت تأمل کنیم.



بعد از این تصاویر چه باید گفت؟
بعد از این تصاویر چه باید کرد؟

گاهنامه هنر و مبارزه 8 اوت 2008

اپوزیسیون ایرانی نما در خارج از کشور
و گفتمان مدافعین ایرانی حقوق بشر
و ناگفته ها
درباره ژنوسید با اورانیوم رقیق شده
و سکوت



سکوت تبانی آسا
مزدوران ایرانی نما در خدمت جنایت
علیه بشریت

اپوزیسیون ایرانی نما در خارج از کشور

و گفتمان بیمارناک مدافعان حقوق بشر و ناگفته ها

درباره ژنوسید با اورانیوم ضعیف شده

اخیرا به مناسبت سفر رئیس جمهور ایران به نیویورک شاهد تظاهراتی از جانب محافل رسمی اپوزیسیون ایران مقابل ساختمان سازمان ملل متحد بودیم. البته روشن است که چنین تجمعاتی که غالبا به پشتیبانی های مالی مجهول انجام می گیرد تازگی ندارد. ولی باید دانست که متأسفانه گفتمان حقوق بشر نزد اپوزیسیون های ایرانی در خارج از کشور قویا با جهان سیاست آمیخته و بیشتر با طرح های امپریالیستی هم خوانی دارد تا با جریانی راستین برای دفاع از حقوق بشر

البته من شخصا در محل حضور نداشتم، ولی این اخبار را در طریق روزنامه انترنتی پی گیری کردم. در تصویری که منتشر شده بود می توانستیم شعارهای روی پلاکاردها را بخوانیم. انتقاد اصلی که ما می توانیم به چنین جریان هایی وارد بدانیم به شعارهای مطرح شده ارتباطی ندارد، بلکه به ناگفته ها مربوط می شود.

من فکر می کنم حداقل مطلبی که می توانیم درباره آنها بگوییم این است که چنین جریاناتی با شعارهای ظاهرا بشر دوستانه به میدان می آیند ولی به آن چه مدعی آن هستند واقعا عمل نمی کنند. انحراف اصلی

چنین مدافعانی در طرح مسائل حقوق بشر معاصر، به نگاه بسته و جزئی نگری آنها مربوط می شود، و دقیقا به دلیل همین جزئی نگری نزد آنان است که از دیدگاه من انحرافی به نظر می رسد.

جزئی نگری در این جاست که ما موضوع حقوق بشر را منحصر به ایران بدانیم و تنها خلاف کاری های نسبی دولت مذهبی را به باد انتقاد بگیریم که - به عنوان مثال - برای بشریت هیچ نقشی قائل نیست بجز عبادت خدا. در حالی که موضوع حقوق بشر موضوعی جهان شمول است. ولی خشونت امپریالیستی، تجاوز به خاک کشورها، قتل عام های رایج، نگاه عمیق به موضوع اختلاف طبقاتی در سطح جهانی و ... تا نبرد موگادیشو هیچ یک نه تنها جزء گفتمان کنفدراسیون ایرانیان برای دفاع از حقوق بشر نبوده است، بلکه برعکس، تا آن جایی که من می دانم، در مصاحباتشان با رادیو بین المللی فرانسه غالبا از موقعیت سرمایه های خصوصی در ایران اظهار نگرانی کرده اند، واحتمالا یکی از مشغولیات دائمی آنها رسیدگی به مال و اموال برباد رفته برخی افراد در رژیم پیشین ایران بوده است. به طور کلی می توانیم بگوییم که حقوق بشر از دیدگاه حقوق بشر ایرانی و رسمی همان حقوق بشر بورژوایی ست.

نگاه جزئی در اینجا مشخصا یعنی چه؟ یعنی این که ما در آمریکا یعنی کشوری که علی رغم مداخله پاپ، کلارا توکه را اعدام کرد و کشوری که اعدام در آن جا بیداد می کند، فقط به جمهوری اسلامی اعتراض کنیم و بگوییم تو آدم نکش و تو افراد زیر هجده سال را اعدام نکن و یا اساسا اعدام نکن و بمب اتمی نساز و حتی انرژی اتمی هم نداشته باش و حتی از ایجاد آرشیو برای علم فیزیک اتمی و حتی فیزیک هم قطع نظر کن. چنین اعتراضاتی شاید البته در بهترین

تعابیر ستایش انگیز باشد، ولی موجب این توهم می شود که گویی آنها بر خاک تمدن خیزی ایستاده اند.

ستایش انگیز است که حداقل یک عده هنوز برای جان و سرنوشت نوع بشر و نوع بشر ایرانی ارزش قائل می شوند. ولی تناقض چنین جریاناتی که از جزئی نگری بیمارناک آنها منشأ می گیرد، در این نکته نهفته است که اگر با برده فروشی مخالف هستند، ولی از طرف دیگر با عمده فروشان برده هم پیاله می شوند؟ و چگونه است که به اعدام مجرمین اجتماعی که در عین حال قربانیان اجتماعی نیز هستند اعتراض می کنند، ولی از ژنوسید حرفی نمی زنند و موضوع استفاده از سلاح های اورانیوم رقیق شده توسط ناتو در جنگ های معاصر هیچ گاه جایی در گفتمان آنها نداشته است. و نه تنها در چنین مواردی همواره سکوت اختیار کرده اند بلکه همین رادیو بین المللی فرانسه که خودش را بلندگوی حقوق بشر معرفی می کند، هر آن گاه که محافل ایرانی به خاطر استفاده از سلاح های شیمیایی علیه ایران در طول جنگ هشت ساله، شکایتی مطرح کرده اند همین حقوق بشری ها به نام مبارزه با جمهوری اسلامی، جهت موضوع را تغییر داده و گویی که چنین شکایتی ترفندی سیاسی بوده است. بدون شک یکی از دلایل چنین پرده پوشی ها و سیاست هایی از جانب محافل به اصطلاح حقوق بشری، شرکت مستقیم فرانسه در معامله اسلحه با دوست دیرینه شان بوده که آمریکایی ها اعدامش کردند. در هر صورت باید دانست که موضوع جنایات جنگی هیچ گاه در گفتمان حقوق بشری ایرانیان در خارج از کشور جایی نداشته است.

ولی اپوزیسیون ایرانی (نما) در خارج از کشور و محافل رسمی حقوق بشر ایرانی تنها بازی کنان این صحنه سکوت و تبانی در رابطه با جنایتی که در

شرف وقوع می باشد، نیستند، زیرا دولت های عراق و افغانستان و ایران نیز دراین بازی مرگ آسا شرکت دارند و آنها نیز سکوت اختیار کرده اند. سازمان ملل متحد یکی دیگر از بازی کنان این صحنه مرگ آسا است.

حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه

12.04.2010

<http://stopua.blogfa.com/1389/01>

اعلامیه

نامه سرگشاده برای تمام فعالان
حقوق بشر

در خصوص محصولات

ایالات متحده آمریکا و اروپا



وبلاگ «هیروشیما بغداد» را که بعضا تحت عنوان «فاجعه کاربرد اورانیوم رقیق شده در جنگ های معاصر» منتشر شده است، چندین بار و آخرین بار به تاریخ 10 آوریل 2010 به سایت کانون فعالان حقوق بشر ارسال داشتیم.

<http://www.humanrights-ir.org/>

dhrc.ir@gmail.com

در این جا به فعالان حقوق بشر و نمایندگان آن و خصوصا خانم شیرین عبادی و عبدالکریم لاهیجی برای چندمین بار اعلام می کنیم که در صورتی که در مورد موضوع وبلاگ ما در آدرس زیر

<http://stopua.blogfa.com>

عکس العمل نشان ندهند، و در سطح بین المللی به وظایفی که مدعی آن هستند عمل نکنند، ما فعالان حقوق بشر ایرانی را در اتحاد و اتفاق با چنین جنایاتی خواهیم دانست و بر همین اساس با آنها رفتار خواهیم کرد. تمام قربانیان این نظام ضد بشری به ما تعلق دارند ولی فعالان حقوق بشر ایرانی و تمام فعالان اجتماعی باید قویا جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند تا واقعیت سونامی سرطان در ایران را در رابطه با گسترش اورانیوم رقیق شده تحت نیابت سازمان

حفاظت محیط زیست و دیگر نهادهای بهداشتی در کشور مورد بررسی قرار داده و نتایج را به اطلاع عموم مردم جهان برساند. زیرا چنین مسائلی به منافع حیاتی تمام مردم جهان بستگی دارد.

آمریکا و اروپا جنایت می کنند، طرفداران حقوق بشر با سکوتشان حمایت می کنند

حمید محوی

این اعلامیه با تمام اشتباهاتی که در آن وجود دارد در این تاریخ یعنی تقریباً دو سال و سه ماه بعد به همان شکل منتشر می شود. با این وجود باید یادآوری کنم که اصطلاح اصلی برای اورانیوم رقیق شده، در واقع اورانیوم ضعیف شده است که من در جاهای دیگر تصحیح کرده ام. نکته بعدی این است که شعاری که پایان نامه مطرح کرده ام، کاملاً بی مورد و اشتباه است. زیرا طرفداران حقوق بشر نه تنها سکوت نمی کنند بلکه در همکاری با جنایاتی که غرب و دولت و ملت های غربی مرتکب می شوند فعال بوده اند، و به عبارت دیگر مستقیماً در تمام جنایاتی که انجام گرفته جزء مجرمین شماره یک هستند.

حمید محوی - 10 ژوئیه 2012، پاریس

گاهنامه هنر و مبارزه

می 2010

<http://stopua.blogfa.com/1389/03>

تولد کودکان هیولائی در ایران

پارازیت یا اورانیوم ضعیف شده؟

چندی پیش در فیس بوک گزارشی درباره تولد کودک عجیب الخلقه ای منتشر شد که بر حسب عادت دیرینه و یا صحیح تر خواهد بود بگوییم بر حسب وظیفه دیرینه نزد اپوزیسیون های «ایرانی»، آن را به پخش پارازیت توسط جمهوری اسلامی برای جلوگیری از مراودات اطلاعات بین داخل و خارج ایران نسبت دادند. متأسفانه لینک مربوط به این موضوع گویا که یا حذف شده و یا این که جایش عوض شده. در هر صورت مطلب زیر پاسخ من به چنین برداشتی است.

متأسفانه اطلاعات علمی من اجازه نمی دهد در این زمینه به طور

قطع اظهار نظر کنم و با اطمینان بگویم که چنین پدیده ای، یعنی به دنیا آمدن کودکان هیولایی، حتما به دلیل ارسال پارازیت های ماهواره ای توسط جمهوری اسلامی بوده است.

ولی در یک مورد با اطمینان کامل می توانیم بگوییم که استفاده از بمب های اورانیوم ضعیف شده توسط ایالات متحده آمریکا و همپیمانانش، دست کم در جنگ علیه عراق و افغانستان موجب ضایعات طبیعی بسیار گسترده و پایدار در منطقه خاورمیانه و حتی در سطح جهانی شده است.

به اعتبار گزارشاتی که ما در همین وبلاگ در مورد کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده منتشر کرده ایم، می دانیم که کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده در عراق و افغانستان کشورهای متعددی را آلوده ساخته و از جمله این کشورها ایران از هر دو سوی مرزهایش از شرق و غرب مورد تهاجم غبارهای آلوده به اورانیوم ضعیف شده بوده و هست.

ولی لازم به یادآوری است که در این مورد خاص مثل تمام مسائل و موضوعات دیگر خصوصا اپوزیسیون های ایرانی مستقر در خارج بر حسب عادت یا وظیفه ای دیرینه تمام انتقادات دسته دومشان متوجه جمهوری اسلامی بوده و از سوی دیگر غرب امپریالیست را به عنوان دموکراسی و نماد قانونمدار تلقی می کنند.

در اینجا باید از عارضه بنیادی این اپوزیسیون ها یاد کنیم که بی گمان می توانیم آن را در اشکال اختلال در عملکرد زبان و بیان بازشناسی و مورد بررسی قرار دهیم. اپوزیسیون های ایرانی که در خدمت طرح جنایتکارانه دولت - ملت های اروپایی و آمریکا هستند، پا به پای رسانه های حاکم در غرب، دائما عملکرد زبان را مختل می سازند. موضوع اختلال در عملکرد زبان، از جمله توسط پژوهشگرانی مانند ژان کلود پای در زمینه علوم انسانی مورد در چند مقاله مطرح شده و ما نیز باید به شکل اساسی تری در آینده به این موضوع بپردازیم، و اشارات نویسنده این مقاله را نیز تنها به عنوان طرح موضوع بپذیرید.

به همین علت از آن جایی درک و بیان حقیقت جزء فعالیت های اپوزیسیون های خانه زاد امپریالیسم جهانی نبوده، حتی از گمانه زنی و محتمل دانستن واقعه کودک هیولائی که ممکن است محصول گرد و غبار اورانیوم ضعیف شده باشد، امتناع می ورزند. به همین علت بود که برخی از نشریات اینترنتی در خارج از کشور، وقتی برای نخستین بار نویسنده این سطور مقالاتی درباره اورانیوم ضعیف شده را منتشر کرد، تصور می کردند که اشتباهی روی داده و نویسنده اورانیوم غنی را به شکل ضعیف شده نوشته است، و در واقع چیزی از مدل ضعیف شده نشنیده بودند، چون که مثل رسانه های حاکم در سطح جهانی تمرکزشان روی غنی سازی اورانیوم در ایران بود.

در حالی که برای آنهایی که می خواهند واقعیت را بدانند، برای پژوهشگران واقعی تردید کردن، و مفروض شدن ماهیتهای تخیلی و حتی غیر واقعی امری عادی به نظر می رسد.

بی اعتباری این اپوزیسیون ها، مشخصا در جایی روشن می گردد که در آن جا غایب هستند، به شکلی که حتی حاضر نیستند - چنین امری را - که ممکن است تولد کودک هیولائی در ایران با غبارهای اورانیوم ضعیف شده نسبتی داشته باشد - در حالت فرضی در نظر بگیرند.

در اینگونه موارد هست که اپوزیسیون های ایرانی کاملا در مقایسه با جمهوری اسلامی، در اذهان عمومی ایرانیان بی اعتبار می شود، زیرا همین دولت مذهبی و قرون وسطائی در این گونه موارد، و در دفاع از حقوق قانونی ملت ایران خیلی بیشتر احساس مسئولیت می کند. در حالی که اپوزیسیون های ایرانی با تبعیت از قدرت بهیمی دولت ملت های غرب امپریالیستی، مستقیما در اقدام به قطع نسل ملت ایران شرکت دارند.

و همین مورد خاص به تنهایی نشان می دهد که این به اصطلاح اپوزیسیون ها تا چه اندازه حقانیت دارند. برای درک واقعیت این اپوزیسیون «ایرانی» ما نیاز به چیزی بیشتر از این نداریم تا بی اعتباری و خیانتشان را کشف کنیم. ولی واقعیت اورانیوم ضعیف شده فراتر از آن است که بتوان آن را مدت زیادی کتمان کرد. به همان شکلی که وابستگی اپوزیسیون های ایرانی و خاصه وابستگی طرفداران رسمی حقوق بشر به جنایتکاران بین المللی فراتر از آن است که واجد اعتبار نزد مردم ایران و دیگر مردمان تحت ستم جهان باشد.

درباره اورانیوم ضعیف شده

و

هشدار به ارتش ایران

پیش به سوی

منع سلاح های اتمی در جهان



پیش از این مطالب متعددی درباره کاربرد اورانیوم ضعیف شده در جنگ های معاصر توسط آمریکا و برخی دیگر از کشورهای اروپا جمع آوری کرده و در اختیار همگان قرار دادیم. و به همین ترتیب از طرفداران ایرانی حقوق بشر و تارک نشینان آن از طریق سایت های رسمی شان پرسش هایی در رابطه با این موضوع مطرح کردیم که تا امروز بی جواب باقی مانده است. و کاملاً طبیعی است که آنها چنین پرسش هایی را بی جواب بگذارند. و نه این که ما ندانیم که این به اصطلاح «مدافعان حقوق بشر» در واقع چه کاره هستند، ولی تنها می خواستیم با طرح مسائلی چند در پیشگاه خوانندگان، و به عنوان تجربه ای عینی در زمینه اجتماعی، عملاً نشان دهیم که حقوق بشری ها چه کاره هستند، و نشان دهیم که ما در جنگ علیه دولت ملت های امپریالیستی که عملاً با کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده و آلوده ساختن محیط زیست ما برای همیشه و برای ابد، به قطع نسل ما اقدام کرده اند. و ما با مدافعان حقوق بشر مانند هر قاتل، هر بزهکار و تروریست خطرناک دیگر

باید مقابله کنیم.

اخیرا به دلیل هیجاناتی که رسانه های جهانی در حمله احتمالی به ایران ایجاد کردند، بر آن شدم تا برای هزار و چهاردهمین بار سایت های نظامی ایران را خصوصا هر آن چه که به پدافند هوایی مربوط می شد زیر رو کنم و به این ترتیب بود که کشف کردم که حداقل یکی از سلاح های ارتش ایران نیز از اورانیوم رقیق شده استفاده می کند.

سلاح مورد نظر نوعی موشک هوا به هوا به نام آر.60 آفید است که سرجنگی آن شش کیلو گرم و 1،6 کیلوگرم آن اورانیوم رقیق شده است. من بیش از این نمی گویم ولی برای اطلاعات بیشتر می توانید به سایت زیر مراجعه کنید

<http://www.cloob.com/club/post/show/clubname/emaad/topicid/77625/wrapper/true>

پرسش این است که ارتش ایران تا چه اندازه مجهز به سلاح هایی است که از اورانیوم ضعیف شده به کار می برد؟

بیانیه

هشدار به ارتش ایران

به اورانیوم ضعیف شده بگویید نه!

تا روزی که بشریت هنوز در ماقبل تاریخ به سر می برد، تا زمانی که نظام سرمایه داری بر جهان حکومت می کند و تا زمانی که فرهنگ سرمایه داری رواج دارد، و خلاصه تا زمانی که مالکیت خصوص بر وسایل تولید در پیوند با نژاد پرستی و ملیت گرایی و در پی آن ملیت سازی، و تبعیض طبقاتی وجود دارد، و تا زمانی که سوسیالیسم جهانی برقرار نشده و بشریت همچنان در عصر بهمیت به سر می برد، هیچ تفاوت بنیادی میان جوامع سرمایه داری و مورخانه ها دیده نمی شود که برای چپاول ذخیره دیگران جنگ به پا می کنند، و ... آری بمباران هوایی اختراع انسان نبوده و اختراع بمباران هوایی را باید از آن مخترعان اولیه آن یعنی

موریانه ها بدانیم،...در نتیجه تا روزی که بشر هنوز کاملاً از طبیعت فاصله نگرفته و از خوی حیوانی بیرون نیامده است، متأسفانه تمام ملت های جهان نیازمند ارتش و نیروهای امنیتی هستند. در عین حال دفاع و ایجاد ارتش باز دارنده که شرط مقدم هر گونه پیشرفت و سازندگی و دموکراسی و آزادی می باشد جزء لاینفک فرهنگ تمام ملت ها نیز به نظر می رسد. البته عقل حکم می کند که برای خلع سلاح جهانی مبارزه کنیم، و به همین علت کمونیست ها همیشه پیشگام بوده اند، و فیدل کاسترو را می بینیم که حتی از روی تخت بیمارستان برای خلع سلاح اتمی و غیر اتمی جهان شعار می دهد. ولی واقعیات جهان پیرامون همیشه به نفع بشریت نبوده است، و آرزومندی های بیمارناک مشتی سرمایه دار و جاه طلبی های بیمارناک شرکت های چند ملیتی، با تمام جلوه گاه های طبقاتی و نژاد پرستانه در سطح توده های «فاشیست» غرب، بخش دیگر جهان را به مقابله مجبور می سازد: جنگ تحمیلی برای ما ایرانیان به ویژه نام آشنائی است.

با این وجود ما باید علیه کاربرد سلاح های ضعیف شده در سطح بین المللی مبارزه کنیم، و سازندگان اسلحه مثل مارسل دسو را به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاه محاکمه کنیم.

در نتیجه، ما با کاربرد سلاح هایی همانند موشک های آر 60 آفید قویا مخالف هستیم و از ارتش ایران می خواهیم که یک بار دیگر سلاح های خود را به آزمون فرهنگی قرار دهد. احتمالاً این موشک های هوا به هوا ساخت خود آمریکا می باشد و خود فروشندگان نیز می دانند که چه ماده مسمومی را به ایران فروخته اند. ما برای پیروزی علیه دشمنان نوع بشر یعنی در جنگ علیه تهاجمات امپریالیسم غرب، استفاده از هر سلاحی را جایز نمی دانیم و از دیدگاه استراتژیک بر این باور هستیم که استفاده از سلاح های اورانیوم ضعیف شده و نسل برانداز را باید منع کنیم. علم استراتژی اگر علم حفاظت و امنیت و تداوم بقاء جامعه است، در این صورت استفاده از اورانیوم ضعیف شده اگر چه ابزار رزمی دشمن را نابود می کند ولی تأثیراتش بر محیط اطراف تقریباً ابدی خواهد بود. تمهیدات دفاعی مردم ایران و خلق های محروم در اقصا نقاط جهان در رویایی با

تهاجمات مردم خاصی نیست، بلکه در رویایی با نظام سرمایه داری بوده و چنین جنگی تنها به رویارویی سخت افزاری محدود نمی شود بلکه فرهنگی و اخلاقی نیز هست.

دستان ارتش ایران نباید به سلاح های پلید و ضد بشری آلوده شود و باید دانست که استفاده از اورانیوم ضعیف شده جنایت علیه بشریت است. البته تا امروز امپریالیسم جهانی هنوز سلاح های اورانیوم ضعیف شده را به مثابه سلاح های متعارف تعبیر می کند و کشورهای ناتو به ویژه ایالات متحده و فرانسه، به شکل گسترده از آن در جنگ علیه یوگوسلاوی، عراق و افغانستان استفاده کرده اند.

ولی امپریالیسم آمریکا و یارانش از دیدگاه تاریخ بشری محکوم هستند و به ماقبل تاریخ تعلق دارند، زیرا آنها مشخصا از چنین سلاح هایی در جنگ های معاصر استفاده کردند و به همین علت متهم به جنایت علیه بشریت هستند. و در این کار البته یکی از ضرب المثل های ما را نیز بی اعتبار ساختند که می گویند: «چاقو دسته اش را نمی برد»، زیرا پدران نخستین کودکان اورانیوم ضعیف شده و هیولایی از بین سربازان آمریکایی بودند. آری نخستین قربانیان اورانیوم ضعیف شده همانهایی بودند که این سلاح را به کار می بردند و احساس پیروزی می کردند. ما هنوز از تعداد دقیق قربانیان بی اطلاع هستیم. ولی استراتژی دشمنان نوع بشر یعنی ایالات متحده و اروپا با شعار صفر کشته، یعنی بی هیچ خسارت انسانی از سوی اروپا و آمریکا، و کشتار گسترده مردم به ویژه از بین نظامیان، با شکست مواجه شده است، ولی هم چنان به یاری دستگاه های رسانه ای که در اختیار دارند، این واقعیت را پنهان نگهداشته اند. ارتش ایالات متحده بیش از همه در خاک خودش، یعنی هنکامی که سربازان میدان نبرد را ترک می کنند و به خانه هایشان باز می گردند، تلفات می دهد. در 80 دقیقه یک سرباز به دلایل روانی و افسردگی خودکشی می کند (این موضوعات با دقت بیشتری در مقالات گاهنامه هنر و مبارزه منتشر شده است) و هزاران نفر از این سربازان قدیمی به بیماری های علاج ناپذیر مبتلا شده و دارفانی را یا وداع گفته اند و یا با تحمل عوارض دردناک در حال مرگ هستند.

در جنگ علیه دشمنان نوع بشر
از سلاح های اورانیوم ضعیف شده استفاده نکنید!
زیرا سلاح اورانیوم ضعیف شده
همان دشمن نوع بشر است
جنس اورانیوم ضعیف شده نیز
از جنس سرمایه داری و لیبرال است :
مؤثر، مختصر، کم هزینه با بازدهی بالا

حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه

پاریس شنبه، 4 سپتامبر 2010

گاهنامه هنر و مبارزه

31 مارس 2011

<http://q-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/61>

Libye, le Fukushima de la guerre

par Manlio Dinucci

Traduit du français par Hamid Mahvi

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=24035>

لیبی، فوکوشیمای جنگ

ملینو دینوچی

ترجمه از فرانسه توسط حمید محوی



Mondialisation.ca, Le 30 mars 2011

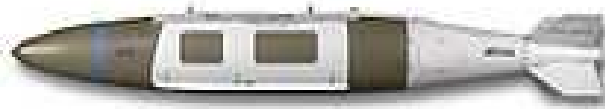


در حالی که سکان فرماندهی با نام کد «پروکتور یونیفیه» (حمایت متفقین) از دست ژنرال ایالات متحده آمریکا که فرماندهی بخش آفریقا را به عهده دارد به دست آدمیرال ایالات متحده که اتحادیه آتلانتیک را هدایت می کند منتقل می گردد، ناتو اعلام می کند که هدفش «حمایت از شهروندان و مناطق شهری» است.

چنین ادعایی با شلیک صدها پهپاد «تاماهاک» که اکثرا به کلاهک اورانیوم ضعیف شده مسلح است به انجام رسید که همان گونه که می دانیم تأثیرات مخرب بر محیط زیست طبیعی و سلامت انسان بسیار اسفناک است (به مقاله پروفسور ماسیمو زوجتی مراجعه کنید) (1). این پهپادها (یا موشک ها) از ناوهای جنگی یا زیر دریایی ها پرتاب می شود : ناوهای ایالات متحده آمریکا مانند «پروویدانس، «فلورید» و «اسکراتون» که پس از عبور از ناپل، از بندر اوگوستا در سیسیل به عنوان پایگاه استفاده می کند.

این ناوها دارای راکتور اتمی هستند و از راکتورهایی که مصیبت فوکوشیما را به وجود آوردند خطرناک تر است. در واقع سامانه امنیتی ناچیزی دارند، و غالبا دچار سانحه و اشکال فنی می شده و در عمل کرد عادی شان نیز مولد

رادیو آکتیو و آلاینده هستند. این رآکتور های هسته ای با این که نمی توانند از مقامات مدنی لیسانس فعالیت بگیرند، با این وجود وارد بنادر ایتالیا می شوند. کلاهک های اورانیوم ضعیف شده دیگری در بمب های هوشمند به وزن هزار کیلوگرم است که از روی ب 2 هایی که از میسوری به فاصله 10000 کیلومتر از تریپولی به پرواز در می آید و با حمل 15 فروند از این بمب های هوشمند، از فاصله 50 کیلومتری به طرف هدف شلیک می شود. این بمب ها از روی بمب افکن های استراتژیک دیگری مانند ب1 نیز می تواند پرتاب شود. ب- یک ها از مورون در اسپانیا به پرواز در می آیند و ده ها بمب هوشمند پرتاب می کنند.



GBU-31, un bombe Mk 84 de 453 Kg équipé d'un GPS



AC-130 Specter

علاوه بر این ها مهمات دیگری از جنس اورانیوم ضعیف شده از دژهای پرنده ای به نام آ.10 ناندربولت (رعد)، و آ.130 اسپکتر پرتاب می شود که در واقع برای پیش روی های شورش گران نقش جاده صاف کن را بازی می کند. آ.10 مسلح به توپ «وانژور» با هفت لول چرخشی 30 میلیمتری : 3900 گلوله در دقیقه شلیک می کند، مهمات این سلاح نسل برانداز می تواند از جنس اورانیوم ضعیف

شده و یا آتش را با توان انفجاری بسیار بالا باشد. دومی (آ 130 اسپکتر) که یک توپخانه پرنده است، پیچیده ترین سلاح نیروی هوایی در جهان به حساب می آید : به وسیله سامانه پیچیده ای برای هدف گیری، هم زمان با 6 توپ شلیک می کند که دو تا از آنها 105 میلیمتری است و یک «ولکان» که 6000 گلوله در دقیقه شلیک می کند.

کاربرد اورانیوم ضعیف شده برای اهداف نظامی مزیت های متعددی دارد : به عنوان زباله اتمی نیازی هزینه نگهداری ندارد، علاوه بر این با آن می توان با هزینه بسیار ناچیزی کلاهک مهمات بسیار مؤثری ساخت (چند دلار برای یک کیلو) که در جداره تانک، زره پوش و استحکامات بتون آرمه ای به راحتی عبور می کند. این نوع سلاح هنگام انفجار در درون حرارتی معادل چند هزار درجه سانتی گراد ایجاد می کند. این گلوله ها در انفجار سهمگین خود غبار رادیو آکتیو تولید می کنند و دقیقاً همین غبار ها است که به تولد کودکان هیولایی برای نسل های آینده تبدیل می شود. بعید نیست که اورانیوم ضعیف شده ای که در لیبی موجب مرگ می شود از رآکتورهای فوکو شیما نیامده باشد که حالا دارد در ژاپن مرگ می پراکند. سکان فرماندهی همواره بر محور حمایت متفقین است.

گاهنامه هنر و مبارزه

3 آوریل 2011

<http://stopua.blogfa.com/1390/01>

Missiles cruise à l'uranium appauvri sur la Libye. Une première étude d'impact sur l'environnement et la santé.

par Massimo Zucchetti

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=24015>

Traduit du français par Hamid Mahvi

پهپاد مسلح به اورنیوم ضعیف شده در لیبی نخستین بررسی تأثیرات آن از دیدگاه محیط زیست و بهداشت



ماسیمو زوچتی، استاد در مدرسه پلی تکنیک تورن در ایتالیا

ترجمه از فرانسه توسط حمید محوی

مقاله حاضر به مجموعه مقالاتی تعلق دارد که پیرامون جنگ استعماری علیه لیبی از سایت «پژوهش های جهانی سازی» از فرانسه ترجمه و در پایگاه عملیات اینترنتی «گاهنامه هنر و مبارزه» در راستای مبارزه علیه رسانه دروغ حاکم منتشر شده است. با این وجود این مقاله به دلیل مضمون آن در وبلاگ «از هیروشیما تا بغداد- ویژه کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده در جنگ های

معاصر» منتشر شده است.

مترجم به دلیل نا آشنایی با بازی زبان علمی در زمینه ای که حوزه تخصصی نویسنده است، و دلایل دیگر ناچار به قطع نظر از بخش های مختصری از متن اصلی بوده است، و برای مابقی امیدوار است که مورد پذیرش اهل علم واقع گردد.



Mondialisation.ca, Le 28 mars 2011



مسائل مرتبط به اورانیوم ضعیف شده و مسمومیت ناشی از آن، در این سال های گذشته، از زمینه علمی فراتر رفته است.

نویسنده این سطور [1] از 20 سال پیش، متخصص «رادیو پروتکسیون» (حفاظت پرتو افکنی) و اورانیوم ضعیف شده از سال 1999 بوده است. پس از تجربه انتشار بررسی های علمی در نشریات، کنفرانس های بین المللی در ایتالیا درباره اورانیوم ضعیف شده، موضوع این نوشته به ارزیابی تأثیرات احتمالی اورانیوم ضعیف شده روی محیط زیست و بهداشت در جنگ علیه لیبی (2011) اختصاص دارد.

به کار بستن اورانیوم ضعیف شده از همان آغاز جنگ علیه لیبی در ارگان های خبری منتشر شد [2]. با خصوصیات فیزیکی خاص، به ویژه چگالی آن که به این ماده قابلیت نفوذ فوق العاده ای می دهد، و باید علاوه بر این به بهای بسیار نازل آن اشاره کنیم (بهای اورانیوم رقیق شده برای هر کیلو، 2 دلار است) و به همین ترتیب مشکلات نگهداری این زباله اتمی است که در مجموع به نحو بارزی در زمینه نظامی کاربرد پیدا می کند.



اگر به شکل صحیح به کار گرفته شود، آلیاژ [اورانیوم - تیتان] ماده خیلی مؤثری برای ساخت نفوذگر با تکیه به انرژی جنبشی خواهد بود، قطعه فلزی با چگالی بالا، وقتی که با شتاب بالا پرتاب می شود، می تواند جدار زرهی را بشکافد.

در روند نفوذ، بخش قابل توجهی از اورانیومی که به شکل قطعه گداخته (گرما زایی شدید نزدیک 5000 درجه سانتی گراد) به حالت غبار در آمده، وقتی جدار زرهی را می شکافد و از سوی دیگر به هوای آزاد می رسد، تأثیر مخرب فزاینده تری می یابد.

این خاصیت «حساسیت اشتعال در دمای محیط» (پیروفورسیت)، به عنوان مثال، خصوصیت گوگرد در کبریت. در نتیجه علاوه بر چگالی بالا، حساسیت اشتعالی در اورانیوم ضعیف شده مزیت آن را برای کاربردهای نظامی به عنوان سلاح آتش زا افزایش می دهد :

نفوذ گر (API : Armour Piercing Incendiary)

آتش زای زره پوش

سرانجام، در مرحله اصابت روی شیء، سختی نسبی اورانیوم ضعیف شده (در آلیاژ تیتان) موجب می شود که قابلیت برندگی اش را حفظ کند، به عبارت دیگر، پرتاب شونده مثل گلوله سربی در اصابت با جداره زرهی کلاهی

آن پهن نمی شود، و شکل لوله ای خودش را حفظ کرده و قابلیت نفوذی آن از بین نمی رود. اورانیوم ضعیف شده مطمئناً در جنگ خلیج به سال 1991، به همین گونه در بمبارانی که به تاریخ سپتامبر 1995 ناتو روی جمهوری صرب در بوسنی انجام داد، و علاوه بر این بمباران یوگوسلاوی به سال 1999، در قرن حاضر نیز در حمله به افغانستان و عراق به سال 2003 به کار برده شده است.

به کار گیری ماده اورانیوم ضعیف شده در جنگ سومالی و بوسنی مرکزی و مرکز-شرقی (به ویژه در گستره منطقه ای که پیرامون سارایوو را در بر می گیرد) در سال های 1990، در فلسطین و در شلیک های آزمایشی نیروهای ناتو، در حال حاضر پرونده کاملی وجود ندارد [3]. بین جنگ افزارهایی که به اورانیوم ضعیف شده مسلح می باشد می توانیم از موشک کروز تاماهاک نام ببریم که کاربرد آن در جنگ بالکان طی بهار 1999 اگر چه توسط ناتو تکذیب شد ولی با آن چه بعداً در مناطق جنگی کشف گردید، توسط اتحادیه اروپا به تأیید رسید [4]. علاوه بر این، در کتیبه ده فرمانی که برای افسران و تمام افرادی نوشته شده بود که با لباس نظامی راهی کزووو بودند، دستورالعمل زیر توصیه شده بود که مربوط است به حضور اورانیوم ضعیف شده در منطقه و به ویژه «تاماهاک»، در مقدمه دستورالعمل چنین نوشته شده است :

« تماس با وسایل حمل و نقل و ابزارهای ارتش صرب در کزووو می تواند برای سلامتی نظامیان و غیر نظامیان خطرناک باشد. وسایل حمل و نقل و تجهیزات تخریب شده و یا رها شده تنها توسط افراد متخصص می تواند مورد بازرسی قرار گیرد. خطر می تواند ناشی از اورانیوم ضعیف شده حاصل از بمباران توسط ناتو باشد که به شکل مستقیم و به شکل غیر مستقیم تجهیزات را آلوده ساخته است. علاوه بر این، «کولیماتورها» دارای تریتیوم است و ابزارها و سامانه های هدف یاب می تواند تشعشعات رادیو اکتیو داشته باشد و برای آنهایی که این ابزارها را بازرسی می کنند خطرناک است». بر اساس راه کارهایی که برای اجتناب از انفجارهای

اورانیوم ضعیف شده مطرح گردیده : «از هر وسیله ای یا تجهیزاتی که فکر می کنید ممکن است با مهماتی که دارای اورانیوم ضعیف شده بوده اند و یا موشک کروز تاماهاک مورد حمله قرار گرفته اند اجتناب کنید. به مهمات اورانیوم ضعیف شده ای که در مسیرتان پیدا کنید دست نزنید. اگر به نظرتان می رسد که هوا آلوده است، فوراً فرمانده خودتان را مطلع سازید. هر کجایی که هستید با هر وسیله ای که در محل می یابید، منطقه ای را که آلوده تشخیص داده اید علامت گذاری کنید. اگر در منطقه آلوده به سر می برید، دست کم، از ماسک و دستکش حفاظتی استفاده کنید. به بهداشت شخصی تان به بهترین شکلی رسیدگی کنید. دائماً خودتان و لباس هایتان را بشوئید».



ارزیابی های گوناگون درباره مقدار اورانیوم ضعیف شده در موشک ها

به ویژه بر اساس منابع گوناگون از 3 کیلوگرم تا حدود 400 کیلوگرم اختلاف نظر وجود دارد. در یادداشت ها منابع مختلفی در باره این موضوع معرفی شده که می توانید ببینید که برای ارزیابی تأثیرات آن در طبیعت دارای اهمیت بسیار زیادی می باشد [5].

تکذیب قابل پیشبینی درباره حضور اورانیوم ضعیف شده در موشک ها می تواند با مجموعه ای که در پائین صفحه یادآور شدم و به همین گونه منابع نظامی قابل مقایسه باشد [6].

این تفاوت های بزرگ در داده ها را به سادگی می توان توضیح داد. کلاهیک برخی از موشک های کروز مسلح به

اورانیوم ضعیف شده است. موشک های دیگر نیز اورانیوم ضعیف شده دارند ولی نه به عنوان مهمات بلکه به عنوان بال متعادل گر در طول پرواز. در نتیجه می توانیم دو مورد را مورد بررسی قرار دهیم :
_ فرضیه اول : پهبان با کلاهک اورانیوم. 400 کیلو گرم اورانیوم ضعیف شده.
_ فرضیه دوم : پهبان بدون کلاهک اورانیوم. 3 کیلوگرم اورانیوم ضعیف شده.

محاسبه تأثیرات اورانیوم ضعیف شده در طبیعت و در رابطه با سلامتی انسان

در بررسی های گسترده ای که نویسنده به مسائل و مشکلات اورانیوم ضعیف شده اختصاص داده [7] پیش از این موضوع محاسبه آلودگی به رادیواکتیو اورانیوم در موشک های کروز - پهبانها - مطرح شده است : به ویژه درباره موشک هایی که در سال 1955 روی بوسنی پرتاب شد. این بررسی ها در اینترنت و در مجله زیر قابل دسترسی می باشد :

Scientifique Tribuna biologica e Medica [8],
[9]

اگر الگوهایی را که در مقالات پیشین مطرح گردیده، در چشم انداز قرار دهیم، می توانیم به شکل موضعی یعنی در مناطق بمباران شده در مورد چگونگی عمل تنفسی نتیجه گیری کنیم، و با محاسبه ای که دست کم تنها در موارد عینی، به ما اجازه می دهد تا بگوییم که درجه آلودگی در حدی است که چشم پوشی از آن جایز نیست. با فرض اصابت پهبان تاماهاک که از 3 کیلوگرم (در بهترین حالت) تا 400 کیلوگرم (در بدترین حالت) خرج اورانیوم ضعیف شده دارد، پس از احتراق شدید در 5000 درجه سانتی گراد، زباله- ابری با ابعاد متغیر تولید می کند. ذرات غبار، به همان شکلی که گفتیم، از عناصری در ابعاد [5-0.5 میکرون تشکیل شده است. در فاصله 500 تا 1000 متر از نقطه اصابت می توان زباله- ابری را تنفس کرد که

به اندازه کافی معنی دار خواهد بود، یعنی توده ای از عناصری به جرم .
6-50x10 (1 نانوگرم = هزار میلیارد کیلوگرم است).
0.6 تا 5 نانوگرم (10gr).

[10] انجام گرفته، و با قطع نظر از تأثیرات آتش سوزی محاسبه ای که بر اساس کد GEN II و تنها با محاسبه یک ساعت تنفس در فضای غبار آلود ناشی از انفجار، و باز هم با قطع نظر از عناصر مابعدی که می تواند به افزایش ابعاد انفجار بیانجامد، طی یک ساعت تنفس ذرات رادیو آکتیوی که از طریق تنفس زباله-ابر وارد دستگاه تنفسی می شود، بسیار حائز اهمیت است.

افرادی که در مجاورت این زباله-ابر قرار می گیرند، نخستین گروه قربانیان را تشکیل می دهند. موشکی که به هدف اصابت می کند قابلیت اشتعال داشته و غبارهای اکسیده را در محیط پراکنده می سازد - بر اساس حساب احتمالاتی که در این بررسی انجام گرفته - 70 درصد اورانیوم ضعیف شده موجود در موشک هایی که «هوشمند» نامیده اند و همیشه به هدف اصابت می کند، آتش زای بوده و تقریباً نیمی از آن جزء اکسیده های محلول است.

محاسبات ذره شناسی نشان می دهد که غبار اکسید اورانیوم ضعیف شده از راه دستگاه تنفسی وارد بدن انسان می شود، و ذرات بسیار کوچکتري را نیز به وجود می آورد که از غبارهایی اورانیوم در صنایع نیز کوچکتر است، یعنی به اندازه ای کمتر از میکرون. در مورد سرنوشت غبار اورانیوم ضعیف شده در بدن انسان، راه اصلی جذب آن، همان گونه که می دانیم، راه دستگاه تنفسی است، که بخشی از غبار ها محلول و بخش دیگر در مایعات بدن غیر محلول می باشد. با توجه به خصوصیات اکسید اورانیوم ضعیف شده حاصل از کاربردهای نظامی، ضروری است که به تفاوت عملکرد و عکس العمل های آن با غبارهای حاصل از فعالیت های صنعتی در زمینه اورانیوم بپردازیم. در هر صورت (بر

اساس گزارش پانوش (11) تقریباً 60 درصد از آن چه در عمل تنفسی وارد بدن انسان شده است در دستگاه تنفسی رسوب کرده، و مابقی در بازدم آزاد می شود. علاوه بر این، تقریباً 25 درصد از عناصر وارد شده در بدن که تقریباً 1 میکرون قطر دارد تا مدت زیادی در شش ها باقی مانده، در حالی که مابقی در مجاری تنفسی بخش بالا رسوب می کند، و سپس وارد دستگاه گوارش می شود، بخشی از آن از راه ادرار تخلیه می شود، ولی بخشی دیگر این عناصر روی استخوان ها رسوب کرده و تراکم ایجاد می کند.

این 25 درصد عناصر بسیار کوچک [میکرون پایه] باقی مانده در شش ها، نیمی از آن به شکل محلول در مایعات بدن جریان پیدا می کند و نیمی دیگر به شکل نامحلول باقی خواهد ماند.

این نوع فعل و انفعالات و مجاورت در محیط آلوده تا کنون در موقعیت های پیشین، که مرتبط به تابش ذرات آلفا در شش ها می باشد، بین شهر نشینان دیده نشد است. چگونگی این نوع مجاورت با حد نساب ضایعاتی که در حفاظت پرتو افکنی در نظر می گیرند کاملاً تفاوت دارد، و بررسی آن حتی از نمونه هایی که در مورد افرادی که در هیروشیما و ناکازاکی قربانی پرتو افکنی های شدید بوده اند قابل تفکیک می باشد.

استانداردهای حفاظت پرتو افکنی بر اساس چنین مشاهداتی بوده و در نتیجه می تواند خطر چنین مواردی را تقلیل دهد. وقتی به انواع دیگری از مسمویت، به جز مسمویت رادیو لوژیک بپردازیم، از دو دیدگاه موضوع روشن خواهد شد: _ از دیدگاه ترکیب غبارهای فوق العاده کوچک اورانیوم ضعیف شده که از کاربرد سلاح های نظامی منشأ می گیرد _ از دیدگاه مسمویت شیمیایی اورانیوم

مسمومیت محیط زیست توسط اکسید اورانیوم ضعیف شده ناشی از مصارف نظامی، دارای مسمومیت شیمیایی و پرتو افکن است: در نتیجه بایستی تأثیرات [هم افزایانه] (سینرژیک) این دو عامل ترکیبی را ارزیابی کرد. به عبارت دیگر، پرتو افکنی و مسمومیت شیمیایی اورانیوم ضعیف شده در همبائی با یکدیگر «کوکتلی» را به وجود

می آورد که به شکل مابعدی خطرات آن را افزایش می دهد.

سپس باید از عامل آب و هوایی خشک لیبی یاد کنیم که به عنوان عامل مساعد در پراکندن ذرات اورانیوم عمل کرده و موجب می گردد که طی سال ها مردم این ذرات میکروم پایه را تنفس کنند. سازوکار عمل اصلی در کوتاه مدت و در دراز مدت به تعلیق درآمدن غبار و نتایج بلعیدن آن از طریق دم و بازدم است.

نتیجه :

خطر اورانیوم ضعیف شده برای مردم لیبی به دلیل کاربرد آن در جنگ 2011 با رویکردی باز و با تکیه به بررسی هایی که اخیرا در این زمینه صورت پذیرفته، مورد بررسی قرار گرفته است. خطر پرتوهای آلفا در شش ها هنوز در رابطه با محیط شهری مورد بررسی قرار نگرفته اند. با این وجود ارزیابی اندازه ها و خطر حاصل از دو نوع تاماهاک (3 کیلو گرم و 400 کیلوگرم اورانیوم) می تواند ما را به نتایجی چند هدایت کند.

در بهترین حالت (به فرض این که 1000 تاماهاک با 3 کیلوگرم اورانیوم – یادآوری می کنم که در روز اول جنگ 112 شلیک از این نوع موشک را اعلام کردند) از دیدگاه آماری تعداد افرادی که دچار تومور می شوند بسیار اندک است. مسئله آمار، اما به هیچ عنوان موجب قضاوت درباره این نوع سلاح ها که قابل پذیرش است یا نه نخواهد بود، و یا تأیید کم ضرر بودن آن نیز نمی باشد. در بدترین حالت (یعنی بر اساس 1000 تاماهاک با 400 کیلوگرم اورانیوم) تعداد افرادی که به تومور مبتلا خواهند شد چندین هزار نفر خواهد بود.

گاهنامه هنر و مبارزه

اکتبر 2010

<http://stopua.blogfa.com/1389/07>

وبلاگ از هیروشیما تا بغداد

Maladies non diagnostiquées et guerre radiologique
par Asaf Durakovic

<http://www.voltairenet.org/article151597.html>

Traduit du français par Hamid Mahvi

بیماری های ناشناخته

و جنگ رادیو لوژیک (پرتو شناختی)

دکتر آسیف دوراکوویچ (1)

ترجمه از فرانسه توسط حمید محوی

شبکه ولتر

آزمایشات و استفاده از بمب اتمی و سپس مهمات جنگی و پوشش های زرهی که در ساخت آنها از اورانیوم ضعیف شده استفاده شده بود، تمام مناطق آزمایشی و جنگ زده را در معرض تابش هسته ای خود قرار داده اند. سربازان اتحادیه آتلانتیک که با چنین سلاح هایی سروکار داشتند به همان اندازه دچار بیمارهای ناشناخته و نوینی شدند که دشمنانشان و به همین ترتیب اهالی غیر نظامی. سالها پس از پایان دوران جنگ و بازگشت صلح، بازماندگان هم چنان در معرض پرتو افکنی های هسته ای قرار دارند. با وجود این که دولت های «غربی» عمدا تا جایی که در توانشان بود جلوی پژوهش های پزشکی در این زمینه را گرفتند، طی سال ها مدارک بسیاری روی هم انباشت شده است. ما نتایج بررسی های آسیف دوراکوویچ که

شامل جمع بندی کلی و گسترده در عرصه شناخت کنونی از این مصیبت بهداشتی می باشد را در اینجا منتشر می کنیم. از این پس، شیوه ای که کشورهای عضو پیمان ناتو در جنگ به کار می برند، حتی در زمان صلح نیز می تواند به مرگ تابعین کشورهای خودشان بیانجامد.

Partenaires | Washington DC (États-Unis) | 17 septembre 2007

پیشگفتار مترجم : درباره دکتر آساف دوراکوویچ

Dr.Asaf Durakovi

پروفسور آسف دوراکوویچ به تاریخ 16 می 1940 در استولاک در بوسنی هرزگوین به دنیا آمد، او فیزیكدان و پزشک متخصص هسته ای است. او در دانشگاه زگرب در زگرب، کروآسی به اخذ درجه دکترای نائل آمد و سپس با دانشگاه های متعددی همکاری داشته است از جمله آکسفورد. در سال 1968 به کانادا مهاجرت کرد و در دانشگاه «مک مستر» در هامیلتون به تدریس پرداخت، او با دانشگاه تورنتو و واشینگتن نیز همکاری داشته است. در سال 1990 دکتر دوراکوویچ حزب مسلمانان دموکرات کروآسی را در زگرب بنیانگذاری کرد. دکتر دوراکوویچ ریاست انجمن پژوهشی در عرصه پزشکی اورانیوم در تورنتو را به عهده دارد. پروفسور دوراکوویچ پزشک متخصص و سرهنگ در ارتش آمریکا می باشد.

بیماری های ناشناخته و جنگ رادیو لوژیک

(پرتو شناختی)

دکتر آسف دوراکوویچ

کودکان هیولایی نتیجه استفاده از اورانیوم ضعیف شده توسط نیروهای پیمان آتلانتیک شمالی - ناتو



در مورد سربازان قدیمی بریتانیایی، کانادایی و آمریکایی که در نخستین جنگ که به جنگ خلیج شهرت دارد شرکت داشته اند، معاینات پزشکی نشان داده است که به دلیل مجاورت با غبارهای رادیو آکتیو، نه سال پس از پایان جنگ هنوز به ایزوتوپ های اورانیوم ضعیف شده آلوده هستند. طی نمونه برداری از جگر، کلیه و استخوان در کالبد شکافی سربازان قدیمی کانادایی نیز ایزوتوپهای اورانیوم ضعیف شده مشاهده کرده اند. نمونه برداری از خاک کوزوو عناصری به وزن میلیگرمی پیدا شده است. در نخستین جنگ خلیج 350 تن اورانیوم ضعیف شده در منطقه و 3 تا 6 میلیون گرم غبار اورانیوم ضعیف شده در آتمسفر پراکنده شده است. نتایج و مجموعه عوارض جنگ خلیج عبارت است از اختلالات متعدد اندامی که به تدریج موجب معلولیت فرد می شود : خستگی مفرط، درد ماهیچه های اسکلتی و مفصلی، سر درد، اختلالات عصبی، تغییرات روحی، اختلال فکری، فراموشی، مشکلات بصری، لمفادنوپاتی (2)، اختلال در دستگاه تنفس، ضعف و اختلال ریخت شناختی و عملکرد ادراری. آن چه امروز در مورد دلیل بروز چنین عوارضی می دانیم بسیار محدود است. پس از عملیات «آناکوندا» (مترجم : آناکوندا نام عملیات نظامی به فرماندهی ارتش ایالات متحده آمریکا برای نابود کردن نیروهای طالبان است که در افغانستان در دره شاهی کوه در ولایت پاکتیا منجر به فروپاشی آناکوندا یکی از نبردهای گسترده از نیروهای طالبانی شد سال 2001 علیه نیروهای طالبان می باشد که به سقوط آنها انجامید. عملیات از 1 تا 18 مارس 2002 به طول انجامید) در افغانستان (2002)، نتایج آزمون پزشکی که توسط گروه ما روی اهالی ولایات جلال آباد، سپین گر، ترابورا و کابل انجام شده بود، مشاهده کردیم که شهروندان غیر نظامی و

نظامی عوارض مشابهی را نشان می دهند. نمونه برداری ادرار 24 ساعته از 8 نفر بر اساس شاخص های زیر انجام گرفت :

1. عوارض فوراً پس از بمباران نزد این افراد بروز کرده است

2. این افراد در مناطق بمباران شده حضور داشتند

3. مشاهدات بالینی

نمونه برداری نزد گروهی از ساکنان و باشندگانی انجام گرفته بود که به دور از مناطق بمباران شده بودند و عارضه ای را نشان نمی دادند. نمونه برداری و آزمایشات انجام گرفته به هدف تشخیص ایزوتوپهای اورانیوم 234 و اورانیوم 235 و اورانیوم 236 و اورانیوم 238 ، در نخستین نتایج آزمایش ادرار در ولایت جلال آباد مشاهده کردیم که اورانیوم دفع شده بین افرادی که در منطقه بمباران شده حضور داشتند و آنهایی که به دور از منطقه بمباران شده بودند به طور کلی حجم قابل توجهی را نشان می دهد.

آزمون ایزوتوپهای اورانیوم در نمونه برداری ها اورانیوم غیر ضعیف را نیز نشان می دهد. بررسی هایی که در سال 2002 در مناطق ترابورا، پاکاتوت، لال مال، ماکام خان فارم، بی بی مهر، پلی شرکی و در فرودگاه کابل انجام گرفته حاکی از تمرکز اورانیوم بوده و 200 برابر بیش از اندازه ای است که نزد اهالی جنگ زده مشاهده کردیم. میزان اورانیوم در نمونه برداری از خاک مناطق بمباران شده دو تا سه برابر بیشتر از استاندارد بین المللی است که معادل 2 تا 3 میلی گرم در یک کیلوگرم است و میزان آلودگی آب نیز خیلی فراتر از آن اندازه ای است که سازمان بهداشت جهانی تعیین کرده. چنین نمودارهایی پیوسته موضوع پیشگیری و آلودگی به اورانیوم ضعیف شده را مطرح می سازد.

«هیچ چیز نمی تواند جلودار این نیروی بنیادی جهان باشد.»

آلبرت آنشتاین

واقعیت جنگ هسته ای بهتر از همه گویای نظریه آلبرت آنشتاین است که این انرژی را برای از بین بردن کره زمین

کافی می داند (5). صحنه جنگ اتمی تنها به یک کشور یا یک قاره محدود نمی شود بلکه از مرزهای سیاسی و جغرافیایی فراتر رفته و منطقه جنگی به مناطق بسیار وسیعتری گسترش می یابد. اگر جنگ هسته ای استراتژیک به حجم ده هزار مگاتن به وقوع بپیوندد، یک میلیارد نفر به دلیل جراحات مستقیم ناشی از انفجار، حرارت و انرژی تابشی فوراً می میرند، و یک میلیارد نفر دیگر در اثر پرتو افکنی ها (6) به بیماری های مختلف مبتلا خواهند شد، و علاوه بر این بازماندگان باید در محیطی آلوده به رادیو آکتیو زندگی کنند و دچار عوارض گوناگون جسمی و ژنتیکی خواهند شد. و باید دانست که تأثیرات مخرب چنین جنگی برای مجموعه محیط زیست کره ای بازگشت ناپذیر خواهد بود.

رقابت در عرصه تسلیحات اتمی

نخستین آزمایش اتمی با کد «ترینیتی» (7) به تاریخ 16 ژوئیه 1945 در آلاموگوردو در اطراف لوس آلاموس در نیو مکزیک (ایالات متحده آمریکا) انجام شد. در یک میلیونیم ثانیه، حرارت اولین بمب اتمی به چندین میلیون درجه سانتی گراد رسید، این بمب بیش از 400 ایزوتوپ رادیو آکتیو و انرژی بستگی (انرژی بستگی، مقدار انرژی را گویند که برای جداسازی یک الکترون از اتم آن ضروری می باشد) آزاد کرد که فشار آن معادل چندین هزار تن بر سانتی متر مربع بود. در ظرف کمتر از یک ثانیه، درجه حرارت هسته بمب به یازده برابر بیشتر از سطح خورشید رسید و ارتفاع قارچ آتشین به چند صد متر رسید، زیرا هسته بمب در تماس و مخلوط شدن با اتم اکسیژن و ازوت، هسته درونی منفجر شده را به حالت اشتعال در می آورد. ظرف یک ثانیه، غبار ناشی از انفجار به شکل قارچ اتمی به ارتفاع 3000 متر اوج گرفت. از فاصله صد و پنجاه مایلی مسافران «یونیون پاسیفیک ریل وی» توده قارچ آتشین را می توانستند ببینند. شاهدان تعبیر گوناگونی از این پدیده عرضه کرده اند، برخی آن را شبیه سقوط یک هواپیمای بمب افکن و برخی دیگر آن را به سقوط شهاب آسمانی قابل مقایسه دانسته اند. اهالی شهر گالوپ که در 235 مایلی محل انفجار بودند، تصور می کردند که احتمالاً یکی از انبارهای مهمات ارتش بوده که دچار سانحه شده است (9). بیست روز پس از آزمایش «ترینیتی»، در روز 6 اوت ژوئیه 1945 در ساعت هشت و پانزده دقیقه یک بمب اتمی روی هیروشیما رها شد، و در فاصله 633 متری بر فراز شهر منفجر شد، 130000 نفر کشته و 80000 نفر معلول و 90000 نفر به دلیل ریزش مابعدی رادیو آکتیو بیمار شدند.

در ظرف چند ساعت ریزش باران سیاه و خاکستر سفید مرکز انفجار را پوشاند و موجب سوختگی پوستی شد. نخستین قربانیان غالباً در اثر حرارت، فشار و بیماری های حاد ناشی از پرتو افکنی کشته شدند. خود شهر هیروشیما نیز دیگر عملاً وجود خارجی نداشت و کاملاً از نقشه جغرافیایی حذف شد. دو روز بعد، 8 اوت 1945 در ساعت 11 و یک دقیقه، یک بمب اتمی از نوع پلوتونیوم که «فات من» نامگذاری شده بود، روی شهر ناگازاکی پرتاب شد. به همان شکلی در اثر اوج قارچ اتمی، خورشید در آسمان هیروشیما ناپدید شده بود، ناگازاکی نیز در تاریکی فرو رفت، و اهالی شهر به همان شکلی که در هیروشیما روی داد در اثر جراحات مختلف کشته شدند و شهر کاملاً ویران شد. در نتیجه با پایان گرفتن جنگ دوم جهانی و گسترش مرزهای اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، به سرپرستی خروشف گروهی از پژوهشگران علمی در عرصه نظامی در بهار 1948 برای ساخت بمب روسی دست به کار شدند، و به این ترتیب دوران رقابت تسلیحاتی آغاز شد. آزمایشات اتمی در ایالات متحده آمریکا و شوروی به موازات یک دیگر انجام گرفت. پس از مرگ استالین در سال 1953، شوروی نخستین بمب اتمی خود را که از نوع هیروژنی بود منفجر کرد، و این دومین بمب هسته ای آنها بود. با توجه به پیشی گرفتن شوروی ها، ایالات متحده آمریکا با سرعت بیشتری به آزمایشات اتمی خود ادامه داد. در سال 1955 کاملاً آشکار شد که آزمایشات اتمی خسارات ترمیم ناپذیری به محیط زیست کره زمینی وارد می سازد. در هر آزمایشی با آزاد شدن بیش از 400 ایزوتوپ رادیواکتیو آزاده، محیط زیست نیز به همان اندازه آلوده شده است. 40 نوع از این ایزوتوپها برای سلامتی انسان مضر تشخیص داده شده است. هر کیلو تن (معادل هزار تن) معادل چند گرم رادیو ایزوتوپ آزاد می کند که برای سازواره های انسان مسموم کننده است. علاوه بر این آزمایشات سلاح های اتمی سوانحی را نیز به خود دیده است. در سال 1958 یک فروند هواپیمای ب-57 متعلق به نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا یک بمب اتمی را در نزدیکی فلورانس در کالیفرنیا جنوبی پرتاب کرد، این بمب عمل نمی کند ولی مواد رادیو اکتیو آن در منطقه پخش می شود. در همان سال یک فروند هواپیمای ب-52 یک بمب اتمی به قدرت دو مگاتن در نزدیکی گولدسبورو در کالیفرنیا شمالی پرتاب می کند. نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا حوادث دیگری را نیز به ثبت رسانده است، از جمله در تولا در گروئنلاند، و در پالمارس در اسپانیا. در پالمارس، دو بمب پلوتونیوم بخش وسیعی از سواحل آتلانتیک را آلوده کرد. در سال 1958، پس از سانحه چلیابینسک-40، اتحاد جماهیر شوروی آزمایشات اتمی خود را متوقف کرد، ولی فوراً آزمایشات اتمی چند مگاتنی را در منطقه قطب شمال در نوایا زملیا از سر گرفت، و در تاریخ 9 سپتامبر 1961 بمبی به قدرت انفجاری 50 مگاتن را آزمایش کرد.

در همین دوران، در ایالات متحده آمریکا، شواهد آلودگی محیط زیست، نشانه های سرطان، لوسمی و اختلالات دیگر بین افرادی که در بخش هسته ای کار می کردند افزایش شگرفی پیدا کرد. در پیوند با مسائلی که در رابطه با امنیت پرتو افکنی پیش آمده بود، موجب انحلال دستگاه عظیم اداری و غیر متخصص شد که کمیسیون انرژی هسته ای نام داشت و در سال 1974 اداره انرژی و پژوهش و آژانس تنظیم اتمی جایگزین شد.

در سال 1955 برتراند راسل، البرت آشتاین و نه نفر دیگر از دانشمندان برجسته سازمانی را برای بررسی و جلوگیری از خطر سلاح های اتمی بنیانگذاری کردند. با تشکیل این سازمان در سال 1957 گردهم آیی های سالیانه آغاز شد و قانون منع آزمایشات اتمی و تولید ذخایر جدید و ابزار انتقال آن به امضاء رسید. در سال 1969 سازمان بین المللی برای منع آزمایش و تولید سلاح هسته ای در مذاکرات مربوط به محدود کردن سلاح های استراتژیک (سالت) شرکت کردند. چنین ابتکار عملی موجب شد که جنبش لاینوس پولینگ علیه سلاح اتمی و آلودگی محیط زیست از آن پشتیبانی کند. پس از بحران کوبا، تهدید جنگ اتمی کندی و خروشچف را واداشت تا در سال 1963 قرارداد منع آزمایشات هسته ای را امضاء کنند. با این وجود آزمایشات هسته ای زیر زمینی ادامه پیدا کرد و به این ترتیب قرارداد منع کامل آزمایشات با شکست مواجه شد. سرانجام با قتل کندی، سقوط خروشچف و جنگ ویتنام توافقات هسته ای پایان گرفت. امکان پیشی گرفتن اتحاد جماهیر شوروی نسبت به ایالات متحده آمریکا در آزمایشات و گسترش سلاح های اتمی، در سال 1972 به قرارداد سالت یک منتهی شد که بر اساس آن برای گسترش سامانه های دفاع ضد موشکی محدودیت هایی تعیین گردید. پیش از این اتحاد جماهیر شوروی در اطراف مسکو از این نوع سامانه ها در اختیار داشت و آمریکا نیز سامانه های مشابهی را در داکوتای شمالی مستقر کرده بود. هشت سال بعد، دولت ریگان دور مذاکرات تازه ای را آغاز کرد، محتوای قرارداد سالت 2 محدود ساختن سکوها ی پرتاب موشک و بمب افکن های استراتژیک بود. دبیر اول کمیته سازمان منع آزمایشات و سلاح های اتمی، برنارد فیلد چنین وضعیتی را تکرار احماقانه تلقی کرد، پل وارنک، مذاکره کننده اصلی قرارداد سالت 2 اعلام کرد که: «تاریخ نظارت بر ذخایر اسلحه می تواند به آخرین فصل تاریخ بشریت منتهی شود.» پس از قرار داد منع آزمایشات اتمی در سال 1963، سالیانه 50 آزمایش به ثبت رسید، با حساب 55 در صد برای ایالات متحده آمریکا، 30 در صد برای روسیه و 15 در صد برای فرانسه، انگلستان، چین، هند و پاکستان.

با گسترش تجهیزات هوا فضا در تکنولوژی ارتباطات، سلاح های هسته ای نیز گسترش یافت و بیش از 90 درصد سطح کره زمین به اهداف احتمالی آن تبدیل شد، و از این پس با حساب تعداد سلاح های اتمی موجود هیچ تضمینی برای امنیت ملت ها باقی نماند و حتی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و علی رغم

همکاری های واشینگتن و مسکو، مشکل سلاح های اتمی هنوز به عنوان یکی از مسائل مهم امنیتی بر جای مانده است. و ما امروز در صحنه سیاست های بین المللی یک بار دیگر شاهد خطر جنگ اتمی هستیم. ایالات متحده آمریکا با عقب نشینی از قراردادی که به محدود ساختن استقرار موشک های ضد موشک مرتبط می شد و در نتیجه طرح دکترین نوین «ضربه اول» و ظهور کشورهای که اخیرا به سلاح اتمی مسلح شده اند، از جمله عناصری هستند که خطر جنگ اتمی را تشدید کرده است. علاوه بر گسترش سلاح های اتمی و طولانی شدن لیست کشورهای دارنده، سناریوهای احتمالی دیگری را نیز باید اضافه کنیم، به عنوان مثال ارتکاب به استفاده از بمب اتمی توسط تروریست ها، مصیبت طبیعی و تحقق یافتن دکترین «تضمین تخریب دو جانبه» که جملگی سایه مرگ بار جنگ اتمی را پر رنگ تر می سازد.

تروریسم اتمی و رادیولوژیک

پس از 11 سپتامبر، امکان حمله تروریستی با سلاح های اتمی و رادیولوژیک بیش از پیش توجهات بین المللی را به خود جلب کرده است. پیش از رویداد مصیبتار نیویورک به چنین امکانی توجه زیادی نمی شد. آموزش در زمینه کمک های درمانی به قربانیان سوانح اتمی و رادیولوژیک یا اساسا وجود نداشت و یا این که در مؤسسات دولتی که مسئولیت مداخله سریع در چنین مواردی را عهده دار بودند، به شکل خیلی پراکنده به آن می پرداختند و عنایت خاصی نسبت به این موضوع نداشتند. بهبود بخشیدن به آمادگی کشورها در رویارویی با تأثیرات حاد و دیرینه پرتوافکنی های هسته ای، آلودگی محیط زیست، و تأثیرات روانی و اجتماعی و خسارات مالی ناشی از حمله تروریسم هسته ای، دوباره جزء اولویت های کشورهای توسعه یافته صنعتی قرار گرفت. برخی از نظریه کلوزوئیتس دفاع می کنند که بر اساس آن می بایستی جهت پیش گیری از حمله دشمنان خارجی اقدام نظامی به عمل آورد، و در صورتی که منافع بین المللی ایجاب کند باید به کشور های دیگر حمله کرد.

نتایج خسارات دراز مدتی که حمله تروریسم هسته ای می تواند بر توده های مردم وارد سازد به محاسبه درآمد. برای ترمیم خسارات ناشی از سوانح و حملات تروریسم هسته ای و رادیولوژیک می بایستی تأثیرات روانی را نیز در نظر گرفت، زیرا در یک سناریوی حمله تروریستی برای هر فردی که مستقیما قربانی شده باشد، 500 نفر دچار اختلالات روانی و روان-تنی خواهند شد و تحت چنین شرایطی تشخیص افرادی که مستقیما آلوده شده اند از دیگران مشکلاتی را در بر خواهد داشت. با وجود این که مداخلات درمانی و دارویی برای محافظت از پرتوافکنی هسته ای مورد بررسی و آزمایش قرار گرفته است، آنهایی که به حرفه بهداشت اشتغال دارند

باید به شکست های انکار ناپذیر تلاش هایی که در گذشته در رویا رویی با پرتوها افکنی انجام گرفته آگاه باشند.

در حال حاضر بررسی سلول های عروقی و سلول های بافت کارکردی سازواره ها (پارانشیمال) از این جهت که تحت تأثیر پرتو افکنی هسته ای و رادیولوژیک، به جای این که بمیرند بازتولید می شوند، می بایستی در چشم انداز گسترش سازکاری باشیم که پاسخ ارگانیسم را تغییر دهد، به موازات استراتژی درمانی دیگری همانند کورتیکوستروئید، بازدارنده های آنزیم مبدل آنژیوتانسین، پانتوکسی فیلین و دیسموتاس سوپراکسید.

در مدیریت خسارات هسته ای و بیمارناک، ما از نتایج غیر قابل حل جنگ هسته ای و استراتژیک، رسیدیم به روش های مقابله با توده های قربانی. راه حل برای مقابله با چنین مشکلی به تلاشهای میان رشته ای بستگی خواهد داشت. از این پس باید تلاش های زیادی در عرصه گسترش شیوه های خاص مدیریت بالینی داشته باشیم که قادر به رسیدگی به امور قربانیان پرتو افکنی ها باشد. هم زمان، پژوهش ها باید روی موضوع مدیریت درمانی و درک آلودگی های رادیو نوکلئید، و تأثیرات رادیوتوکسیک، تخریب پیوندهای شیمیایی، رادیکال های آزاد، خسارات «دی ان ای» سلولی و آنزیم ها (دئوکسی ریبونوکلئیک اسید سلولی) ادامه پیدا کند. تلاش های چند رشته ای باید با برنامه ریزی انجام شود، تفکیک جراحات، پاک سازی، خارج کردن سموم از بدن، به کار بستن شیوه درمانی «شلاسیون» (که در سال 1940 که برای پاکسازی سرب از بدن ابداع شد) و مدیریت سنتی برای رسیدگی به عوارض بیماران.

به دلیل کاستی های بودجه و فقدان کامل آموزش و شناخت فنی، یک حمله احتمالی تروریستی می تواند مشکلات بسیار جدی به وجود بیاورد.

ما هنوز به شکلی که باید و شاید از نتایج جنگ خلیج و جنگ در بالکان برای رسیدگی به قربانیان پرتو افکنی های هسته ای درسی نیاموخته ایم. حملات تروریسم احتمالی، پاسخ مؤثری از جانب نهادهای بهداشتی را ضروری می سازد. بنابراین غالب کشورهای که می توانند هدف حملات تروریستی قرار بگیرند به هیچ عنوان لوژیستیک ضروری را در اختیار ندارند، به ویژه در شهرهای بزرگ یعنی در مکان هایی که آزاد کردن بودجه نیازمند تعیین و پاسخ گویی به اولویت های اجتماعی است.

در سناریوی تروریسم اتمی، باید آگاه بود که تروریستها می توانند از «اکتینیدها» (عنصر رادیو اکتیو که عدد اتمی آن بین 89 و 103 است) استفاده کنند و یا پلوتونیوم که عنصر آلوده سازی جمعی می باشد.

پلوتونیوم به عنوان خطرناکترین ماده برای نوع بشر تشخیص داده شده است. اگر آن را به شکل غبار رادیواکتیو در شبکه آب آشامیدنی پراکنده سازند، تنها چند گرم می تواند یک شهر بزرگ را به تمامی آلوده سازد.

پلوتونیوم به ویژه در عصر شوروی سابق به شکل غیر قانونی در بازار سیاه به فروش رسیده است. به دلیل همین مراودات غیر قانونی، به نقاط مختلف جهان منتقل شده است. و باید دانست که سناریوی تروریستی مبنی بر پراکندن پلوتونیوم، از مصیبت بار ترین سناریوی های تروریستی ارزیابی شده است.

اگر چنین موردی به وقوع بپیوندد، حرفه ای های عرصه بهداشتی تنها باید روی پیشگیری حادثه حساب کنند، و نه مدیریت درمانی توده های قربانی تروریسم هسته ای. اخیراً، پزشکان در سر تا سر جهان در 1000 مجموعه برای همکاری و برای از بین بردن سلاح های هسته ای و کاهش خطر در مقابله با نتایج اسفناک تروریسم هسته ای و رادیولوژیک گردهم آمده اند.

جنگ رادیولوژیک

در ماه می 1991، در خلیج فارس، برای نخستین بار سلاح های رادیولوژیک مورد استفاده قرار گرفت، و سناریوی جدیدی را به نام جنگ شیمیائی، بیولوژیک، رادیولوژیک و هسته ای بازگشایی کردند. به کار بستن سلاح هائی که نظامیان و غیر نظامیان را بی هیچ تفکیکی مورد اصابت قرار می دهد، تازگی ندارد. در پایان جنگ دوم جهانی، ایالات متحده به شکل جدی بیم داشت که ژاپنی ها با هزاران بالن انباشته از اورانیوم شهرهای بزرگشان را آلوده سازد.

طی نخستین جنگ خلیج فارس، مهمات مسلح به اورانیوم ضعیف شده، میلیون ها گرم غبار رادیو آکتیو را در فضای اطراف پخش شد. با این وجود بررسی نتایج آن تناقض آمیز بوده و از حیطة انجمن های پژوهش علمی خارج است. اخیراً برخی آزمایشات علمی مسمویت های جسمانی و ژنتیک را با استناد به دلایل علمی، برای دویست سال آینده تخمین زده اند.

هزینه پاکسازی مناطق آلوده به اورانیوم به دلیل بمباران های نظامی و یا در سناریوهای احتمالی در حملات تروریستی، یکی از نگرانی های بزرگ دائمی می باشد. تجربیات حاصل از همکاری های اخیر سوئد و کانادا در سوئد (2002) که دو شیوه رایج که برای پاک سازی سطح بیرونی زره پوش های سبک به کار بسته اند، ناکارآمد از آب درآمده است : یعنی شیوه بخار آب با فشار بالا و پرتاب آب با فشار بالا. چنین امری به روشنی نشان می دهد که ساختارهای

بهداشت عمومی در واکنش نسبت به احتمال جنگ رادیولوژیک یا حمله تروریستی تا چه اندازه شکننده است. کاستی های مرتبط به استراتژی همه جانبه برای مقابله با تهدیدات تروریستی مواد رادیو آکتیو یا «بمب های کثیف» و ضرورت هماهنگ سازی، امکانات واکنش در مقابله با خطرات رادیو لوژیک، بیولوژیک، شیمیایی و هسته ای، کاملاً احساس می شود.

در سناریوی کاملاً مشخص حمله رادیولوژیک، کادر مدیریت جنگ و تروریسم رادیولوژیک، نه تنها از چهار چوب بهداشت عمومی فراتر می رود بلکه عرصه نیروهای نظامی را نیز در بر می گیرد. دفاع غیر نظامی و بهداشتی در مقابله با جنگ رادیولوژیک یکی از وجوه آموزش پزشکی فعلی بوده که بیش از همه مورد بی اعتنایی قرار دارد. امروز تروریسم رادیولوژیک و هسته ای یکی از بزرگترین تهدیدات جوامع مدرن به حساب می آید، زیرا گسترش مواد هسته ای در سطح جهانی برای سازمان های تروریستی امکان دسترسی به آنها را فراهم آورده است.

در سال 2000 ایالات متحده 10 میلیارد دلار برای مبارزه با تروریسم و مقابله با استفاده احتمالی سلاح کشتار جمعی توسط آنها بودجه آزاد کرد که پس از 11 سپتامبر 2001 به شکل قابل ملاحظه ای افزایش یافت.

گزارشات اخیر حاکی از آسیب پذیری جوامع غربی در مقابله با تهدیدات تروریسم هسته ای بوده و غالباً روی توان به کار گیری سلاح های هسته ای و رادیولوژیک توسط تروریست ها تکیه داشته، به طوری که حتی احتمال حمله تروریستی با سلاح های اتمی و رادیولوژیک بیش از هر نوع سلاح دیگری ارزیابی شده است.

قابلیت واکنش ایالات متحده در مقابله با حمله رادیولوژیک و هسته ای به چهار زمینه بستگی دارد: بهبود وضعیت اطلاعاتی در رابطه با سازمان های تروریستی، گسترش مراتب امنیتی پیرامون نیروگاه های هسته ای در شوروی سابق، خنثی سازی تأثرات هسته ای و رادیولوژیک و ارتقاء قابلیت واکنش در مقابله با سازمان های مخفی که سلاح های اتمی و رادیولوژیک را از هم اکنون در اختیار دارند.

خطر حمله اتمی به ایالات متحده با گسترش تکنولوژی، دسترسی به موارد هسته ای و رادیولوژیک، عدم ثبات اقتصادی روسیه و نارضایتی بسیاری از کشورها از سیاست خارجی آمریکا، افزایش چشمگیری داشته است.

De la comparution de Galilée

devant l'Inquisition aux recherches sur l'uranium

از احضار گالیله در برابر دادگاه تفتیش عقاید

تا

پژوهش های علمی در عرصه اورانیوم

در حال حاضر، آزادی و استقلال در عرصه پژوهش های علمی به هیچ عنوان تفاوتی با گذشته ندارد. شرایط کنونی برای پژوهشگران علمی، دادگاه گالیله در عصر تفتیش عقاید در سال 1610 را تداعی می کند. بررسی های دکتر ارنست استرنگلاس درباره میزان مرگ نوزادان و زودرس در ایالت نیویورک در رابطه با آزمایشات اتمی و ریزش باران رادیو آکتیو، به بهای از دست دادن حرفه دانشگاهی و علمی او تمام شد. وقتی که مقاله کلاسیک او درباره مرگ کودکان تحت تأثیر پرتو افکنی ها که در سال 1969 در مجله پژوهشگران علمی منتشر شد، سردبیر مجله به او اعتراف کرده بود که واشینگتن به او فشار آورده است که مقاله اش را منتشر نکند.

فیزیک دان بزرگی نظیر فریمن دیسون در نامه ای خطاب به همان مجله نوشت که :

«اگر ارقام استرنگلاس درست باشد، که من فکر می کنم درست است، در این جا دلایل خوبی علیه دفاع ضد موشکی خواهد بود.»

استرنگلاس مرگ کودکان را به استرونیوم در بازریزش اتمی مرتبط دانست. وقتی تخمین او مبنی بر مرگ 400000 کودک به دکتر جان گوفمن، رئیس پزشکی آزمایشگاه ملی لورانس لیورمور گزارش شد

Dr John Gofman. Lawrence Livermore National Laboratory

او ارزیابی های او را دوباره مورد بررسی قرارداد و با تصحیح برخی ارقام، نتیجه گرفت که فوت در اثر سرطان ناشی از آزمایشات اتمی و باز ریزش رادیوآکتیو از مرز 30000 در سال فراتر است. پس از گزارش این پرونده به مقامات کشوری و برخی سناتور ها، سرانجام سناتور هولیفیلد گوفمن را به واشینگتن فراخواند و او را صراحتاً تهدید کرد : « ما آنها را کشتیم و شما را نیز خواهیم کشت.» در سال 1973، قربانی صداقت حرفی اش، کارش را در آزمایشگاه از دست داد.



سرباز آمریکایی در حال جا بجا کردن گلوله های تانک مسلح به اورانیوم ضعیف شده

بررسی مسمویت اورانیوم رقیق شده

خطر مهلکی که ایزوتوپ های اورانیوم برای محیط زیست و سلامت انسان در بر دارند در طول دو قرن پژوهش به اثبات رسیده است. با این وجود، حرفه ای های بهداشت درباره مسمومیت رادیولوژیک و شیمیایی ایزوتوپ های اورانیوم آموزش مناسبی ندیده اند. بررسی های اخیر از دیدگاه بهداشتی درباره تأثیرات پرتو افکنی ها به طور مشخص بر اساس داده های مرتبط به بازماندگان ژاپنی در بمباران اتمی، آزمایشات اتمی و جستجوهای آزمایشگاه ها انجام یافته است.

ادبیات تخصصی، به ویژه در این پنج سال اخیر، انباشته از گزارشات و بررسی های میان رشته ای درباره تأثیرات «اکتینیدها» و ایزوتوپ های اورانیوم است.

خطر مسمومیت جسمی و ژنتیکی توسط ایزوتوپ های اورانیوم به دلیل مجاورت دراز مدت با آنها، با نتایجی نظیر سرطان تیروئید، سرطان کبد (کارسینوم هیپاتوسلولر)، لوسمی، از جمله مواردی می باشد که کاملاً تأیید شده است.

همین گزارشات اخیر در عین حال نتایج به دست آمده از آزمایشات هسته ای در آتمسفر، یعنی درجه آلودگی به اکتینیدها نزد پستانداران دریایی شمال اقیانوس آرام را در کاملاً در پیوند با آلودگی های رادیواکتیو حاصله از آزمایشات هسته ای اولیه در سالهای گذشته ارزیابی کرده است.

بررسی های مجدد پرونده های مطالعاتی درباره بازماندگان هیروشیما و ناگازاکی نشان داده است که تأثیرات سلاح اتمی تنها به وجه خسارات جسمانی محدود نیست، بلکه بین افرادی که در این

شهرها حضور داشته اند، باید تأثیرات روانی را نیز اضافه کنیم، که این نوع اختلالات روانی نیز که اضطراب ناشی از انفجار به آن دامن زده است، می تواند به عنوان عارضه روانی به امراض جسمانی بیانجامد، یعنی امراضی که آن را روان-تنی می نامند.

در نتیجه، این بررسی های تازه به روشنی نشان می دهد که در سناریوی منازعات اتمی آینده، باید به ضرورت مقابله با تأثیرات روانشناختی دراز مدت آگاه بود.

بررسی های تازه دیگری درباره تأثیرات رادیوآکتیو روی بازماندگان ناگازاکی به نکاتی پرداخته که حاکی از ضرورت برجسته ساختن مدیریت درمانی در منازعات آینده است.

داده های فعلی درباره آزمایشات هسته ای نشان می دهد که درصد مرگ و میر نزد کودکان، تولد زود رس و یا مرگ نطفه، در آمریکا، به دلیل مجاورت با پرتوافکنی های اتمی بوده است.

بررسی آلودگی رادیو آکتیو و تأثیرات آن برای سلامت و محیط زیست در نقاط مختلف جهان، به نتایج منفی منتهی شده است، به خصوص در کراسنویارسک در سیبری، قزاقستان، کوههای آلتای، سمیپالاتینسک در قزاقستان، تچا در اورال... در فنلاند و نروژ.

چنین اطلاعاتی برای ما می تواند مقدمه بسیار کاملی برای تمهیدات بهداشتی در مقابله با بحران اتمی، در جنگ و یا در حمله تروریستی باشد.

اطلاعات فعلی ما در خصوص رادیونوکلئید پراکنده شده در محیط زیست در سر تا سر جهان، خیلی فراتر از چهار چوب پژوهش های تجربی بوده و به همین نسبت از شیوه درمانی که باید در چنین مواردی به کار برد بسیار دور هستیم. ولی باید دانست که چنین موضوعی به آینده تمام بشریت بستگی دارد.

پژوهش های فعلی

درباره نتایج بهداشتی کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده

فاجعه آمیز ترین آلودگی رادیونوکلئید، سال 1991 طی نخستین جنگ خلیج به وقوع پیوست. اورانیوم ضعیف شده ای که برای سلاح های ضد تانک به کار رفته خاک عراق را آلوده ساخت و اهالی

بومی و سربازان را به شکل دراز مدت در معرض غبار اورانیوم ضعیف شده قرار داد. علاوه بر این تعداد کمی از سربازان متفقین نیز در اثر انفجار بمب اورانیوم ضعیف شده زخمی شدند.

آلیاژ سلاح های اورانیوم ضعیف شده شامل 99,8 درصد اورانیوم 238 است که 60 درصد پرتوافکنی آلفا، بتا و گامای اورانیوم طبیعی را تولید می کند. اورانیوم ضعیف شده یک فلز سنگین است که تراکم آن 1,6 برابر سرب است. اورانیوم ضعیف شده «ارگانوتروپ» است، به این معنا که روی اعضای آماج ثابت باقی می ماند، مثل بافت های استخوانی که به شکل دراز مدت روی آن تثبیت می شود. اندک اندک حل می شود و ایزوتوپهای اورانیوم حذف می شود. این موضوع را آزمایش ادرار سربازانی که ده سال پیش در جنگ خلیج شرکت کرده بودند به روشنی نشان می دهد. این سربازان عمدتاً یا از طریق تنفس و یا اصابت قطعات بمب غبار اورانیوم را جذب کرده بودند.

بررسی هایی که روی بافت های انجام گرفته حاکی از تراکم اورانیوم ضعیف شده در استخوان، کلیه، سیستم تولید نسل، مغز، شش ها که در نهایت به سرطان و تغییر و تحولات ژنتیکی و اختلال تولید سلولی می انجامد.

در موارد دیگری آلودگی به ایزوتوپهای اورانیوم نزد سربازان قدیمی بریتانیایی، کانادایی و آمریکایی که در نخستین جنگ خلیج شرکت داشتند، 9 سال بعد تشخیص داده شد که در معرض غبار رادیوآکتیو بوده اند. علاوه بر این طی کالبد شکافی یک سرباز کانادایی در شش و کبد و جگر و استخوان هایش ایزوتوپهای اورانیوم مشاهده کرده اند. بررسی هایی که از سال 1991 تا 1998 در این زمینه روی سربازان قدیمی جنگ خلیج و یا کالبد شکافی ها انجام گرفته در سال 1998 در کنفرانس بین المللی انجمن پژوهش های پرتو افکنی در دویلن مطرح گردید.



تمام مهمات اورانیوم ضعیف شده با کالیبرهای مختلف موجود است و به شکل کاملاً رایج توسط نیروهای ناتو در صحنه جنگ مورد استفاده قرار می گیرد.



Études menées en Afghanistan

Uranium Medical Research Centre

پژوهش درباره افغانستان

با این که بررسی های مرکز مطالعات پزشکی اورانیوم روی ادرار سربازان قدیمی آمریکا که در جنگ خلیج شرکت کرده بودند، چند سال بعد از واقعه انجام گرفت، تازه ترین بررسی ها بر اساس آزمایش نمونه های بیولوژیک و محیط زیست با عملیات «آزادی بلند مدت» که سال 2001 آغاز شد تلاقی پیدا کرد. افغانستان وضعیت مناسبی را برای بررسی عرضه می کرد زیرا در فاصله زمانی نزدیک به عملیات نظامی انجام می گرفت. عملیات آناکودا وقتی به پایان رسید که نخستین گروه مرکز مطالعات پزشکی اورانیوم وارد شرق افغانستان شده بود (آناکودا نام عملیات نظامی به فرماندهی ارتش ایالات متحده آمریکا برای نابود کردن نیروهای طالبان است که در افغانستان در دره شاهی کوه در ولایت پکتیا منجر به فروپاشی نیروهای طالبانی شد. آناکودا یکی از نبردهای گسترده از سال 2001 علیه نیروهای طالبان می باشد که به سقوط آنها انجامید. عملیات از 1 تا 18 مارس 2002 به طول انجامید).

گروه پژوهشی به چیدمان ایستگاه ها دسترسی پیدا کردند

زیرا تجهیزات نظامی متحرک جابجا نشده بود و محافظت شده نیز نبود. بررسی های گروه پژوهشی روی باشندگان و اهالی منطقه جلال آباد، سپین گر، ترابورا و دراطراف فرودگاه کابل افرادی را شناسائی کردند که عوارض چند اندامواره ای نا مشخصی را مشاهده کردند که با عوارش سربازانی که در نخستین جنگ علیه عراق و در بالکان شرکت داشتند تطبیق می کرد : ضعف فیزیکی، سر درد، درد عضلات و استخوان، مشکلات تنفسی، سرفه های خشک طولانی، درد در ناحیه سینه، اختلال در جهاز هاضمه، عوارض عصبی، اختلال در حافظه، افسردگی و نگرانی بیمارناک.

نمونه برداری های ادرار 24 ساعته افراد مبتلا به عوارض چند اندامواره ای و افراد بی عارضه بر اساس سنجه های زیر گردآوری شد :

1) اعلام عارضه نزد فرد با بمباران ها تلاقی داشته است،

2) فرد در منطقه بمباران شده حضور داشته است،

3) نمودارهای بالینی

افرادی که به گروه شاهدان تعلق داشتند را از بین باشندگان بی عارضه از مناطقی که بمباران نشده بودند انتخاب شدند. تخمین آلودگی محیط زیست با نمونه برداری از خاک، گرد و غبار، خرابه ها و آب آشامیدنی بر اساس سنجه های تعیین شده برای اندازه گیری درجه پراکندگی، خطرات اکتینیدها و گردآوری نمودارها پس از بمباران، انجام گرفت.

تمام افراد، حتی گروه شاهدان، از تشریفات مطلع شده بودند و گردآوری نمودارها در زبان های محلی دری، پشتون انجام گرفت و برگه ای به جهت تأیید رضایت توسط آنها امضا شد.

تمام نمودارها تمرکز و رادیوی مرتبط به چهار ایزوتوپ اورانیوم مورد آزمون قرار گرفت : اورانیوم 234، اورانیوم 235، اورانیوم 236 و اورانیوم 238 . آزمون به وسیله اسپکترومتر ... در آزمایشگاه بریتیش ژئولوژیکال سروی ناتینگهام (در انگلستان) انجام گرفت.

نخستین نتایج مرتبط به ولایت ننگرهارال نشان داده است دفع اورانیوم از طریق ادرار نزد تمام افراد به طور متوسط 20 برابر بیشتر از افرادی بوده اند که در مناطق بمباران شده حضور نداشته اند.

آزمایشاتی که روی نمودارها طی دومین سفر علمی در سال 2002 انجام گرفت، نشان داد که تراکم اورانیوم 200 برابر بیشتر از افراد به دور از مناطق بمباران شده بوده است. میزان بالا در دفع اورانیوم در مناطق ترابورا، یکه توت، ...بی بی ماهرو، پل چرخ و فرودگاه کابل.

هر دو مسافرت نشانه های اورانیوم غیر ضعیف شده را در تمام مناطق شرق افغانستان ثابت کرده است. میزان اورانیوم به ثبت رسیده در نمونه برداری های خاک در مناطق بمبارات شده طی عملیات «آزادی بلند مدت» 2 تا 3 برابر میزان مجازی است که در تمام جهان باید رعایت شود (حدود 2 و سه دهم میلیگرم در کیلوگرم). تراکم در آب به شکل معنی داری از میزان قابل قبول توسط سازمان بهداشت جهانی بیشتر بوده است.

بررسی های مرکز مطالعات پزشکی اورانیوم به مرکز، غرب و شمال افغانستان گسترش یافت. علاوه بر آزمایشات ادرار برای اندازه گیری ایزوتوپ های اورانیوم (یادآوری می کنم که ایزوتوپ های یک عنصر حاصل تعداد پروتون های مساوی در هسته اتمی و اختلاف در تعداد نوترون ها می باشد)، همکاری میان رشته ای به آزمایشات بالینی اساسی تر برای آزمایش کلیه و شش اختصاص پیدا کرد، و به همین گونه آزمایش خون، به مدد میکروسکوپ الکترونیکی و نانوپاتولوژی. این آزمایشات به همراه بررسی سربازان قدیمی در نخستین جنگ خلیج و مردم شرق افغانستان انجام گرفتند و به همین ترتیب بررسی درباره بیماری های ناشناخته نزد سربازان قدیمی در جنگ دوم خلیج.

بررسی های بالینی در مراکز پزشکی دانشگاه های بین المللی و بنیادهای پژوهشی حاکی از حضور اورانیوم ضعیف شده و اورانیوم غیر ضعیف شده در دستگاه کلیه و دستگاه تنفسی بوده است. روش های به کار برده شده

عبارتند از روش های مدرن مورفولوژی فونکسیونل و تصاویر رایانه ای...

بررسی های در محل در حال حاضر به شهروندان عراقی، نوار غزه، بالکان و مناطق تازه تری در افغانستان گسترش یافته است. آزمایشات ما از خاک کوزوو در مناطق بمباران شده، حضور اورانیوم 236 را تأیید کرده است.

نتیجه گیری

جنگ شیمیایی -و- بیولوژیک- و - رادیولوژیک - و هسته ای در عصر مدرن و احتمال ارتکاب به عمل تروریستی و استفاده غیر قانونی از ابزارهایی که مواد رادیو اکتیو را پراکنده می سازد ابعاد تازه ای را برای توده های قربانی قابل تصور می سازد. نقش پزشک هسته ای و رادیولوژیک به سبب کاستی های موجود در رابطه با نتایج پیچیده عوارض رادیولوژیک، جراحات متعدد و آلودگی زیست محیطی، بسیار محدود است.

بیماری های نوینی که هنوز برای آسیب شناسی بیگانه به نظر می رسد، دلایلی که موجب بروز عوارض شده اند و در عین حال شواهد بالینی، طبیعتاً پزشکان را مجبور به مداخله می سازند در صورتی که در چگونگی و نحوه شیوه درمانی هنوز پرسش های بی جواب بسیاری بر جا مانده است. تأثیرات مضر رادیونوکلئید که پس از درگیری های نظامی در دهه های اخیر در اندام واره ها رسوب کرده است، به ویژه تأثیرات ایزوتوپ های اورانیوم، به شکل گسترده در نشریات معاصر منعکس شده است. چنین واقعیاتی به روشنی نشان می دهد که ما نیازمند پژوهش های عینی و مستقل در عرصه بیماری های نوین و پرسش های بی جوابی هستیم که پس از جنگ های معاصر بروز کرده است. پژوهش های در عین حال نیازمند تحلیل های میان رشته ای است که در آمادگی و هماهنگی مناسب به بررسی نتایج کارزارهای اتمی در محیط زیست و عوارض بیمارناک جنگ های [شیمیایی-بیولوژیک-رادیولوژیک - هسته ای] بپردازند، و به این امید که فصل نوینی در شناخت عمیق علمی در عرصه پزشکی گشوده شود.

گاهنامه هنر و مبارزه

10 اوت 2011

<http://stopua.blogfa.com/1390/05>

ترجمه توسط حمید محوی



عکس قارچ اتمی روی هیروشیما از فاصله 80 کیلومتری

6 اوت 1945 در ساعت 8 و 15 دقیقه

روزنامه اینترنتی حزب کمونیست کانادا

شماره 26

8 اوت 2011

سالگرد بمباران اتمی

هیروشیما و ناگازاکی

**باج گیری اتمی ایالات متحده آمریکا و
قدرت های بزرگ بس است!**

**نقش اخلاکگر کانادا در کمیته خلع
سلاح اتمی را متوقف کنیم!**

امسال شصت و ششمین سالگرد بمبارات اتمی هیروشیما، 6 اوت 1945، و ناگازاکی در 9 اوت توسط امپریالیسم ایالات متحده آمریکا است. این اعمال خشونت بار و جنایتکارانه که موجب مرگ صدها هزار نفر از مردم غیر نظامی شد. هدف اصلی این بمباران اتمی به زانو درآوردن مردم جهان در مقابل امپریالیسم آمریکا بود، که در غیر این صورت می بایستی سرنوشت مشابهی را انتظار بکشند.

شش دهه پس از این واقعه، به ویژه ایالات متحده آمریکا هم چنان با سلاح های اتمی و پایگاه های نظامی که هم چون قارچ در اقصا نقاط جهان رویده است، و با سلاح های قدرت های رقیب، به سیاست تهدید جهان به نابودی ادامه می دهد.



ملت های تحت ستم برای استقلال و آزادی ملی خود می کوشند و بر آن هستند تا خود را از چنگ چپاولگران خارجی یک بار برای همیشه آزاد سازند. امپریالیست های آمریکایی نمی توانند این واقعیت را درک کنند که مردم برده آنها نیستند. سازش ناپذیری و فقدان توانایی امپریالیست ها در حل مسائلی که جهان با آن درگیر است و گزینش دائمی خشونت به عنوان تنها راه کار، و در نتیجه برای بینشی که حقوق را با اتکاء به قدرت تعریف می کند، سلاح اتمی قوی ترین خواهد بود.

ایالات متحده آمریکا در مورد خلع سلاح اتمی اشک تماشای می ریزد و مدعی می شود که خواهان کاهش ذخیره سلاح هسته ای است.

ولی در واقع، استفاده از قدرت و تهدید به وسیله قدرت تنها شکل حل منازعات با کشورهای دیگر است، یعنی موضوعی که موجب افزایش خطر جنگ هسته ای و جنگ جهانی دیگری خواهد بود.

ماشیناسیون ایالات متحده در شبهه جزیره کره از پایان جنگ کره یکی از این نمونه ها است. این مداخله جمهوری دموکراتیک خلق کره را وادار ساخته است که به خود را به سلاح اتمی به عنوان سلاح بازدارنده مجهز سازد، به این معنا که یک میلیمتر از حاکمیت ملی و سعادت و خوشبختی خلق کره واپس نمی نشیند و موضعش در رابطه با اتحاد ملت کره کاملاً روشن است یعنی اتحاد بر اساس استقلال و بی آن که نیروهای خارجی دخالت داشته باشند.

تحت چنین شرایطی در شبهه جزیره کره و مشکل خلع سلاح اتمی، دولت استافان هارپر تشخیص داده است که کانادا، مثل همیشه برای دفاع از به اصطلاح ارزش های والا و آرمانی کانادا باید به نفع ایالات متحده آمریکا مداخله کند.

11 ژوئیه، وزیر امور خارجه، جان بیرد اعلام کرد که کانادا به شکل موقت کنفرانس خلع سلاح در سازمان ملل متحد را، برای اعتراض به حکم نمایندگی ریاست جمهوری دموکراتیک خلق کره (که 19 اوت به پایان می رسد)،

بایکوت خواهد کرد، و این کشور را به «گسترش سلاح های هسته ای» متهم دانست.

چنین طوفانی که وزیر امور خارجه، جان بیرد، در فنجان به پا کرد، در تاریخی صورت پذیرفت که جهان شصت و ششمین سالگرد جنایت جنگی امپریالیست های آمریکایی را علیه مردم ژاپن برگزار می کند، یعنی از تاریخی که اژدهای هسته ای آمریکا و رقابت در ساخت تسلیحات هسته ای آغاز شد. اعلامیه جان بیرد بی اساس و محکوم است زیرا خاطره تاریخی قربانیان بمباران هیروشیما و ناگازاکی را آلوده می سازد. هدف این است که ساده دلان موضعی را اتخاذ کنند که نیروی هسته ای ابر قدرت ها و به ویژه ایالات متحده آمریکا قابل توجیه سازد. چنین تلاش هایی برای بدنام کردن جمهوری دموکراتیک خلق کره و پنهان ساختن مداخلات ایالات متحده آمریکا در این شبهه جزیره به هیچ عنوان آرمان های مردم کانادا را بازنمایی نمی کند. مردم کانادا خواهان جهانی بدون سلاح اتمی هستند و بر این باورند که منازعات بین المللی همیشه می تواند از طریق مسالمت آمیز حل شود.

منبع :

<http://www.cpcml.ca/francais/Lmlq2011/Q410267.HTM>

گاهنامه هنر و مبارزه

15 ژوئیه 2012

<http://stopua.blogfa.com/1391/04>

اسرار و رسوائی سلاح های اورانیوم ضعیف شده (ویدئو) ترجمه متن سخنرانی روزنامه نگار فرانسوی ونسان رینوآر

Vincent REYNOUARD

Le scandale des armes a l'uranium appauvri

Vidéo Le scandale des armes a l'uranium appauvri de EINSTEINXP (Vie étudiante - EINSTEINXP) - wat.tv

پیشگفتار مترجم : انتخاب متن ویدئو، سخنرانی ونسان رینوآر، دلایل متعددی می تواند برای ما داشته باشد، زیرا علاوه بر نادر بودن افشاگری هایی از این دست در فرانسه در این نکته نهفته است که مطالب علمی پیچیده را در حد و حدودی که برای عموم قابل درک باشد، توضیح می دهد و ما می توانیم به سادگی کاملاً با مکانیسم فاجعه آشنا شویم. به همین علت من خواندن این متن را به همه توصیه می کنم. (اگر چه ونسان رینوآر جزء استثناهای رسانه های فرانسوی است و در نتیجه مطالب او در دسترس عمومی نیست – حتی خود من مدتی آدرس اینترنتی ویدئوی حاضر را گم کرده بودم چون که در آدرس قبلی حذف شده بود و در جای دیگری خوشبختانه آنرا منتشر کرده بودند.)

در این متن سعی کردم با قید زمان ویدئو داخل پرانتز نقاطی را در متن مشخص کنم که خوانندهائی که به زبان فرانسه اشنائی ندارند، در ویدئو تصاویر را پیدا کنند، با این وجود من در برخی موارد تصاویر و به همین ترتیب توضیحات مختصری را اضافه کرده ام. برخی مطالب که مرتبط به فیلم های مستند می شود داخل گیومه گذاشته شده و مابقی به سخنرانی ونسان رینوآر مربوط می شود. متن کمی بلند است، او به شکل محاوره ای حرف می زند و من نیز در شیوه نگارش، تقریباً از همان شکل تبعیت کرده ام. بخشی از پایان ویدئو را که تکراری به نظرم می رسید (می توانید بگویید از روی تنبلی) ترجمه نکردم. متن کمی بلند است و برای خواند آن باید وقت لازم را اختصاص داد، ولی به همه توصیه می کنم حتماً 4 صفحه آخر را بخوانید یعنی بخشی که به نتیجه گیری ونسان رینوآر

اختصاص دارد و از فلسفه صفر کشته و منشأ آن، و «جنگ ابدی برای صلح ابدی» حرف می زند.

متن سخنرانی (ویدئو) اسرار و رسوائی سلاح های اورانیوم ضعیف شده ترجمه متن سخنرانی روزنامه نگار فرانسوی ونسان رینوآر

Vidéo Le scandale des armes a l'uranium appauvri de EINSTEINXP (Vie étudiante - EINSTEINXP) - wat.tv

در اینجا می خواهیم به موضوعی بپردازیم که اگر چه خیلی جالب و هیجان انگیز است ولی در عین حال خیلی دردناک نیز هست. موضوعی که در رسانه های فرانسوی و به طور کلی در سطح جهانی خیلی به ندرت مطرح کرده اند : موضوع رسوائی سلاح های اورانیوم ضعیف شده است، با وجود اینکه به در خانه شما رسیده است، ولی غالبا چیزی از آن نمی دانید.

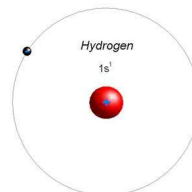
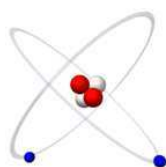
(ونسان رینوآر تصاویر کودکانی که قربانی اورانیوم ضعیف شده بوده اند را روی پرده آمفی تاتر نشان می دهد) این کودکان قربانی سلاح های اورانیوم ضعیف شده بوده اند. این رسوائی کدام است؟ مشکل این است که...مثل هر موضوع دیگری، اندکی به اطلاعات فنی و به مختصر شناخت علمی نیازمند هستیم تا درک روشنی از آن داشته باشیم.

شما در جهانی به سر می برید که انباشته از ماده است، کاغذ، چوب، فلز، پلاستیک...در این جهان...نقاشی را تصور کنید، این نقاش ظرف رنگی با چهار، پنج، هشت رنگ اصلی که در اختیار دارد و با همان هشت رنگ اصلی، و از طریق مخلوط ماهرانه آنها، میلیون ها رنگ دیگر روی تابلوی نقاشی اش به وجود می آورد. جهانی که ما را احاطه کرده، دقیقا به همین شکل است. تمام این اشیائی که در جهان وجود دارد، از طریق 107 عنصر بنیادی تشکیل شده. دقیقا مثل همان نقاشی که با 8 رنگ اولیه میلیون ها رنگ دیگر روی تابلویش به وجود می آورد، با همین 107 عنصر بنیادی و اصلی است که می توانیم تمام این چیزهایی را که در جهان وجود دارد بسازیم.

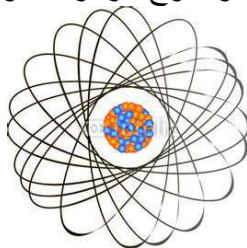
این عناصر بنیادی در عین حال از ذرات کوچکی تشکیل شده اند، که آن را اتم می نامند. اتم کوچکترین واحد عنصر بنیادی است که خواص منحصر به فرد عنصر را حفظ می کند.

گروه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
دوره ۱	۱ H																	۲ He
دوره ۲	۳ Li	۴ Be											۵ B	۶ C	۷ N	۸ O	۹ F	۱۰ Ne
دوره ۳	۱۱ Na	۱۲ Mg											۱۳ Al	۱۴ Si	۱۵ P	۱۶ S	۱۷ Cl	۱۸ Ar
دوره ۴	۱۹ K	۲۰ Ca	۲۱ Sc	۲۲ Ti	۲۳ V	۲۴ Cr	۲۵ Mn	۲۶ Fe	۲۷ Co	۲۸ Ni	۲۹ Cu	۳۰ Zn	۳۱ Ga	۳۲ Ge	۳۳ As	۳۴ Se	۳۵ Br	۳۶ Kr
دوره ۵	۳۷ Rb	۳۸ Sr	۳۹ Y	۴۰ Zr	۴۱ Nb	۴۲ Mo	۴۳ Tc	۴۴ Ru	۴۵ Rh	۴۶ Pd	۴۷ Ag	۴۸ Cd	۴۹ In	۵۰ Sn	۵۱ Sb	۵۲ Te	۵۳ I	۵۴ Xe
دوره ۶	۵۵ Cs	۵۶ Ba		۷۲ Hf	۷۳ Ta	۷۴ W	۷۵ Re	۷۶ Os	۷۷ Ir	۷۸ Pt	۷۹ Au	۸۰ Hg	۸۱ Tl	۸۲ Pb	۸۳ Bi	۸۴ Po	۸۵ At	۸۶ Rn
	۸۷ Fr	۸۸ Ra		۱۰۴ Rf	۱۰۵ Db	۱۰۶ Sg	۱۰۷ Bh	۱۰۸ Hs	۱۰۹ Mt	۱۱۰ Ds	۱۱۱ Rg	۱۱۲ Cn	۱۱۳ Uut	۱۱۴ Fl	۱۱۵ Uup	۱۱۶ Lv	۱۱۷ Uus	۱۱۸ Uuo
لانتانیدها	۵۷ La	۵۸ Ce	۵۹ Pr	۶۰ Nd	۶۱ Pm	۶۲ Sm	۶۳ Eu	۶۴ Gd	۶۵ Tb	۶۶ Dy	۶۷ Ho	۶۸ Er	۶۹ Tm	۷۰ Yb	۷۱ Lu			
اکتینیدها	۸۹ Ac	۹۰ Th	۹۱ Pa	۹۲ U	۹۳ Np	۹۴ Pu	۹۵ Am	۹۶ Cm	۹۷ Bk	۹۸ Cf	۹۹ Es	۱۰۰ Fm	۱۰۱ Md	۱۰۲ No	۱۰۳ Lr			

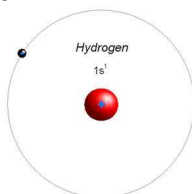
زغالی که در مداد وجود دارد، از اتم های کربن تشکیل شده که در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. با پیشرفت تدریجی علم، دانشمندان کشف کردند که تمام اتم ها ساختار یکسانی دارند. یک هسته مرکزی و عنصر دیگری به نام الکترون که در مدار آن می گردد. ولی چه چیزی آنها را از یکدیگر تفکیک می کند؟ هسته هیدروژن یک پروتون و هسته هلیوم دو پروتون و اگر 53 پروتون را با هم در هسته کنار یکدیگر بگذاریم اتم یود به دست می آوریم.



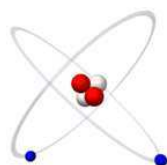
و اگر 92 پروتون را کنار هم بگذاریم اورانیوم خواهیم داشت. در این جا به موضوع مرکزی خودمان نزدیک می شویم.



ولی طبیعت هرگز به همین سادگی که بنظر می رسد نیست. در این جا یک تصویر دیگر به شما نشان می دهم. می بینید که اینجا هیدروژن تنها یک پروتون دارد



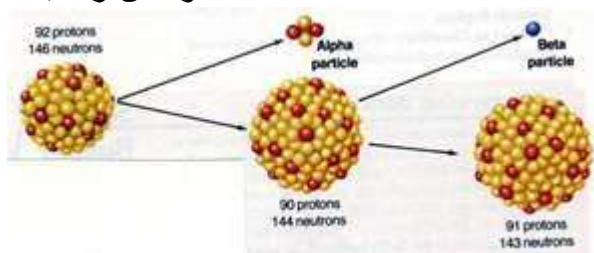
ولی هلیوم دو پروتون در هسته مرکزی اش دارد



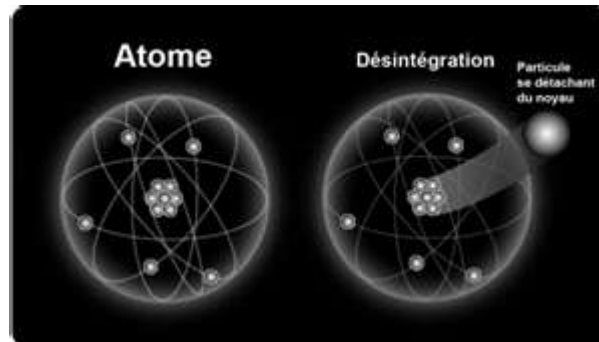
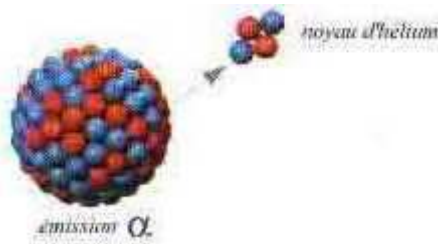
ولی دو عنصر دیگر را مشاهده می کنید که در مرکز تجمع کرده اند. این موضوع برای درک مطالب بعدی مهم است. این دو عنصر نوترون ها هستند (تعداد پروتون ها و نوترون ها برابر است). بمب نوترونی به همین موضوع مربوط می شود. این نوترون ها در حالت عادی اهمیتی ندارند، و فقط اتم را کمی سنگینتر می کنند. ولی خاصیت اصلی به پروتون ها مربوط می شود. هلیوم به دلیل داشتن دو پروتون هلیوم است.

در کربن شما 6 پروتون دارید ولی 6 نوترون نیز دارید که با یکدیگر هستند. در نتیجه آن چه را باید در خاطر داشته باشیم، تعریف اتم است، اتم چیست؟ اتم تشکیل شده از یک هسته با تعدادی پروتون و نوترون در مرکز و الکترون در مدار آن، و عنصری که تعیین کننده خواص آن می باشد پروتون است، یک پروتون برای هیدروژن و دو پروتون برای هلیوم و غیره...

حالا، چه چیزی در اورانیوم می تواند برای ما اهمیت داشته باشد؟ مسئله، چه برای کربن 14 و چه برای اورانیوم، از این رو مطرح است که جزء اتم های خیلی سنگین هستند. این فلزات سنگین خودشان را سبک می کنند.



هسته اورانیوم چه کار می کند؟ هسته اورانیوم پروتون و نوترون را به بیرون پرتاب می کند و سبکتر می شود. و از آن جایی که طبیعت نیز اسرار خاص خود را دارد، اتم هایی هستند که نمی توانند پروتون و نوترون را پرتاب کنند، در این صورت یک الکترون پرتاب می کنند. با سرعت خیلی زیاد به اطراف پرتاب می کنند. در نتیجه این پدیده پرتاب عناصر به بیرون از هسته اتم را رادیوآکتیویته می نامیم. همه شما حتما اسم رادیواکتیویته را شنیده اید. رادیو اکتیویته چیزی نیست به جز همین اتفاقی که برای اتم های سنگین روی می دهد، و عناصری از هسته آن به بیرون، در هوا با سرعت خیلی زیاد پرتاب می شود و بر این اساس سبک می شود. ولی این را بگوییم که اگر رادیواکتیویته به سوی ما پرتاب شود، برای ما خطر ناک خواهد بود.



اگر یک شمش اورانیوم را در نظر بگیرید، اورانیوم عنصری را به بیرون پرتاب می کند، و هر چه زمان می گذرد اورانیوم سبکتر می شود، و دیگر اورانیوم نیست چون که سبکتر شده است، و به توریوم تبدیل شده است. برای چنین تغییر و تبدیلی اصطلاح «دوران» را به کار می برند. برای توریوم دوران (پریود) 14 میلیارد سال و برای اورانیوم یک میلیون و نیم سال. بر این اساس اگر اورانیوم جذب بدن شما شود آن را تا یک میلیارد و نیم سال با خود خواهید داشت و در بدن شما دوام خواهد آورد. به همین علت است که رادیو اکتیویته خطرناک است. در نتیجه آلودگی به اورانیوم آلودگی کوچکی نیست و بسیار خطرناک است. رادیو اکتیویته را در اواخر قرن نوزدهم کشف کردند، و نمی دانستند به چه درد می خورد، و تعدادی از دانشمندان به همین علت مرده بودند ولی دلیل مرگ آنها روشن نبود، و نمی دانستند که به دلیل پرتو افکنی و رادیواکتیویته بوده است. تا این که در سال 1939 دو دانشمند آلمانی برای آزمایش هسته اورانیوم 235 را بمباران کردند و مشاهده کردند که اتم به دو قسمت تقسیم می شود و در عین حال انرژی تولید می کند. البته تقسیم یک اتم به دو بخش، انرژی زیادی تولید نمی کند، ولی وقتی چند میلیارد اتم با هم جدا شوند، انرژی زیادی تولید می کند و با آن می شود آب گرم کرد و یا ماشین بخار را با آن به کار انداخت و غیره. بعد به این نتیجه رسیدند که بر این اساس می توانند انرژی تولید کنند، و اگر چند میلیارد اتم با هم شکسته شوند، مثل دینامیت منفجر خواهد شد، و همین نتیجه گیری، اصل اولیه در اختراع بمب اتمی است. بمب اتمی چیست؟ بمب اتمی یعنی شکستن چند میلیارد اتم اورانیوم 235 در ظرف کمتر از یک ثانیه. بر این اساس انرژی عظیمی تولید می شود که حرارت فوق العاده ای تولید می کند و در عین حال چندین شوک نیز وارد می سازد. تفاوت آتش بخاری و بمب در این نکته است که آتش بخاری انرژی خود را به کندی آزاد می کند، ولی چوبی که در

بخاری به آرامی می سوزد اگر بخواهد ظرف یک ثانیه آتش بگیرد، انرژی به شکل انفجار آزاد می شود. مرکز تولید انرژی هسته ای کارش همین است که انرژی را به آرامی آزاد می کند، آب گرم می کند و توربین ها را به حرکت در می آورد و برق تولید می کند. ولی، بمب اتمی در واقع یک مرکز هسته ای با سرعت بسیار بالا است، و تمام انرژی را به شکل انفجار آبی و تعدادی شوک آزاد می کند. ولی مسئله چیست؟ در واقع طبیعت برای ما همیشه بخوبی تدارک ندیده است. برای چنین انفجاری باید اورانیوم 235 در اختیار داشته باشیم. اورانیوم یک فلز کاملاً عادی در طبیعت است، فلز سفید رنگ. اگر اورانیوم استخراج کنیم نود و نه، ممیز 28 درصد اورانیوم 238 خواهد بود و صفر ممیز 74 درصد اورانیوم 235... ولی اورانیوم 238 کاربردی ندارد، و تنها اورانیوم 235 است که کار برد دارد. یعنی صفر ممیز 74 درصد، که حتی یک درصد اورانیوم موجود را نیز تشکیل نمی دهد. اگر با تمام اورانیومی که در طبیعت وجود دارد بخواهید بمب اتمی بسازید، موفق نخواهید شد، چون که به اندازه کافی اورانیوم 235 در آن وجود ندارد. برای ایجاد چنین واکنشی، باید اورانیوم 235 در اختیار داشته باشید. به همین علت نیز هست که کشورهای اندکی می توانند بمب اتمی بسازند، زیرا باید 90 درصد اورانیوم 235 داشته باشید. یعنی این که باید اورانیوم 238 را جدا کنید و اورانیوم 235 را ذخیره کنید. ولی چگونه می توان ذراتی را که با چشم عادی قابل رؤیت نیستند از یکدیگر تفکیک کرد؟ انسان سفید پوست مبتکر با مهارت کافی موفق به انجام این کار شده است. با سانتریفوژ در مراکز تولید انرژی هسته ای...

در جنگ جهانی آمریکائی ها با عجله می خواستند بمب اتمی بسازند، هیتلر چنین طرحی نداشت، اگر هیتلر این کار را کرده بود، حتماً او را بربر کثیف می نامیدند، ولی وقتی که دموکراسی از آن استفاده می کند، عادی تلقی می شود.

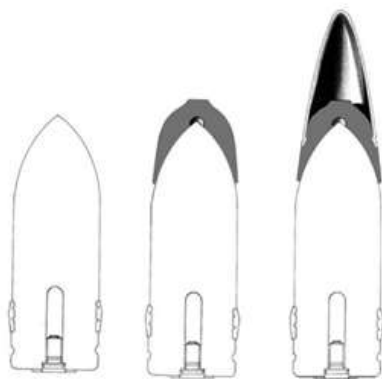
در نتیجه آمریکائی ها با شتاب بمب اتمی را ساختند، و به اندازه یک حبه قند از اورانیوم، در یک چهارم ثانیه، انرژی را آزاد کرد که 60000 نفر را آنا به هلاکت رساند. رکوردی که ناسیونال سوسیالیست نازی هرگز به آن نرسید، ولی دموکراسی بخوبی از عهده آن بر آمد. حال از شما باید بپرسم که با این وصف شرارت در کدام جبهه است؟

چه اتفاقی افتاد؟ برای ساختن بمب اتمی عجله کردند. پس از پایان جنگ دیگر احتیاجی به بمب اتمی نداشتند، البته دائماً از این بمب ها می ساختند، ولی برای مصارف عادی و بی خطر به استثناء مواردی مثل چرنوبیل، ولی مراکز هسته ای از سال های 1940 برای تولید انرژی بی خطر، دائماً در حال غنی کردن اورانیوم بوده اند، به این معنا که اورانیوم 235 را از اورانیوم 238 جدا کرده اند. اورانیوم غنی شده 235 را نگهداشته اند و اورانیوم 238 را کنار گذاشتند، اورانیوم 238 همان ماده ای است که آن را اورانیوم ضعیف شده می نامند. برای مراکز هسته ای باید اورانیوم غنی شده

5 تا ده درصد اورانیوم 235 داشته باشند، در حالی که همانطور که پیش از این یادآور شدم برای بمب اتمی به اورانیوم تا 90 درصد احتیاج هست.

از آنجائی که اورانیوم 238 کاربردی نداشت و نمی دانستند با آن چه کار کنند، ولی این ماده رادیو اکتیو بود و به همین علت آن را در بشکه های مخصوص در اعماق زمین و یا اعماق دریا مدفون می کردند. به همین علت هر چه در دریای مانس دفن کرده بودند، پس از سال ها بیرون زده و حالا این دریا انباشته از مواد رادیو اکتیو است.

با این مقدمه می پردازیم به یکی از مسائل نظامی. مسئله بمب. یادآوری می کنم که طی جنگ 1914 ، بمب و به موازات آن نیز تانک می ساختند. طبیعتاً سعی می کردند بمب هائی بسازند که بتواند تانک را تخریب کند. به همین علت بود که بمب ضد تانک را اختراع کردند. در آغاز، بمب ها به خوبی عمل می کردند، ولی بعد جداره تانک را ضخیمتر ساختند، و بمب دیگر کارا نبود، به همین علت بمب نفوذگر را اختراع کردند. چون که بمب های معمولی به محض اصابت به جداره زرهی منفجر می شد و نمی توانست به تانک آسیبی برساند، چون که جداره تانک را ضخیمتر شده بود. ولی بمب ضدتانک شامل دو قطعه است، قطعه اول ابتدا در جداره نفوذ می کند و بعد قسمت دوم در داخل تانک منفجر می شود (در دقایق 16 و 18 ثانیه تصویر بمب سنتی و بمب نفوذی را مشاهده می کنید، مشابه آن را در پایین ببینید). بخش نفوذگر می بایستی ابتدا جداره زرهی را بشکافد و در مرحله بعدی بمب در درون تانک منفجر می شود. اوایل قطعه نفوذ کننده از فولاد بود، چون که فولاد فلز متراکمی است، بعد آلیاژهای دیگری برای جداره زرهی ساختند که بتواند در مقابل فولاد نیز مقاومت کند.



در نتیجه مسابقه ای بین سازندگان تانک و بمب های نفوذگر شروع شد. از یکسو جداره های تانک را از آلیاژهای محکمتر می ساختند و از سوی دیگر سازندگان ضد تانک سعی می کردند نفوذ گرهای متراکمتری اختراع کنند، تا این همین 20 سال پیش نفوذگرها را از آلیاژ تنگستن می ساختند، که فلزی سخت و سنگین است. بعد متوجه شدند که اورانیوم سخت ترین فلز موجود است، و این همه اورانیوم که تا حالا کنار گذاشته شده و کاربردی برای آن پیدا نکرده بودند. نتیجه گرفتند که باید فکر بکری باشد، در حالی که تنگستن 17 تن

برای متر مکعب است، اورانیوم ضعیف شده با 18 تن برای متر مکعب، مطمئناً نتیجه بهتری خواهد داشت، ولی هنوز به قدرت آن پی نبرده بودند. سپس آزمایشاتی را به اجرا گذاشتند، و دیدند که اگر تنگستن از فاصله دو کیلومتری نفوذ می کند، اورانیوم ضعیف شده از فاصله دو کیلومتر و نیم نفوذ می کند، یعنی پانصد متر بیشتر، و حتی از فاصله سه کیلومتری می تواند در جداره زره نفوذ کند. ولی برای پژوهشگران جای شگفتی بود که چرا اورانیوم که سنگینی و تراکم آن خیلی بیشتر از تنگستن نیست، تا این اندازه مؤثر عمل می کند؟ (تصویر دقیقه 18 و 10 ثانیه سرهنگ اریک دکسون (1)، سخن گوی دولت آمریکا این تفاوت را نشان می دهد).

سرهنگ اریک دکسون : «اورانیوم خیلی مؤثرتر است، تنگستن در لحظه اصابت به هدف پهن می شود و قدرتش را به تدریج که در جداره فرومی رود از دست می دهد، در حالی که اورانیوم نه تنها مثل تنگستن در برخورد با جداره زرهی پهن نمی شود بلکه تیز تر و باریکتر می شود، تفاوت این مواد در جدولبندی به ثبت رسیده، با اورانیوم می توانیم از فاصله 3 کیلومتری به هدف بزنیم، در حالی که با تنگستن بیشتر از دو کیلومتر ممکن نیست، در نتیجه برای ما برتری واقعی تاکتیک تلقی می شود.»

تنگستن کمی شبیه خمیر مجسمه سازی است، و هنگام اصابت به جداره زره پهن می شود. البته در جداره نفوذ می کند، ولی هر چه بیشتر در جداره فرو می رود، بیشتر پهن می شود و از نیرویش کاسته می شود، به همین علت تنگستن از فاصله بیش از دو کیلومتری کارگر نیست. اورانیوم ضعیف شده کاملاً متفاوت است، زیرا وقتی به جداره زره اصابت می کند، به جای اینکه مثل تنگستن پهن شود، باریکتر و تیز تر می شود، در نتیجه اورانیوم ضعیف شده هر اندازه وارد جداره زره می شود، نفوذ بیشتری پیدا می کند (تصاویر دقیقه 19 و 2 ثانیه).

گامی که با اورانیوم ضعیف شده برداشته شد، فوق العاده بود، زیرا جداره زره را می شکافت، و علاوه بر این به دلیل اسطکاک فلز به حال گداخته و مذاب در می آید، و خدمه داخل تانک زیر باران مذاب قرار می گرفتند و به همین ترتیب تمام تجهیزات و مهمات موجود زیر باران فلز گداخته منفجر می شد. (فیلم دقیقه 20 و 9 ثانیه منفجر شدن تانک عراقی را نشان می دهد) چند ثانیه پس از اصابت گلوله اورانیوم ضعیف شده، تانک از درون منفجر می شود. خدمه تانک حتی فرصت خارج شدن هم نخواهند داشت، تصویری هست که خدمه یک تانک عراقی را نشان می دهد که کاملاً سوخته و تا نیم تنه از برجک تانک بیرون خزیده، ولی برای او کار تمام شده بود، و نیم تنه جزغاله اش تنها روی برجک باقی می ماند.

(تصویر دقیقه 20 و 22 ثانیه) کاپیتان ارتش آمریکا دوگ راک (2) توضیح می دهد : اورانیوم در لحظه اصابت راه خود را در ماده می پیماید، و در داخل تانک در حالت التهاب و ذوب منفجر می شود، تحت چنین شرایطی هر چه که داخل تانک وجود داشته باشد می سوزد و یا در اصابت به مهمات موجب انفجار گلوله ها می شود، و

تمام ساکنان تانک می میرند.»
 (تصویر دقیقه 21 و 2 ثانیه) یک گروهیان آمریکائی، کارول پیکو(3)، می گوید : در جنگ عراق من راننده کامیون بودم، در اطراف باقیمانده تانک و کامیون های عراقی را می دیدم که زغال شده بودند، هنگامی عبور ما، از لاستیک چرخ ماشین ها هنوز دود بر می خاست. کاروان ما مجبور شد بین تمام ابزارهای نظامی که در حال سوختن بود، بیش از دو ساعت توقف کند. به همین علت از کامیون خارج شدم تا از صحنه دهشتناکی که می دیدم عکس بگیرم، آن چه می دیدم واقعا وحشتناک بود. نمی توانستم بفهمم چگونه تانکها به این شکل زغال شده اند؟ چرا؟ چرا تا این اندازه ذوب شده اند؟ (کارول آلبوم عکس هایش را نشان می دهد) ببینید، تانک، زغال شده، ساختمان زغال شده، باقیمانده بدن، باز هم در این جا اجساد زغال شده را می بینید...
 (دقیقه 22 و 42 ثانیه) در نتیجه اسلحه برتر، ببینید این شکل اورانیوم ضعیف شده با نوک نفوذ گر است.



ولی مشکل. تنگستن رادیواکتیو نیست. اورانیوم کمی رادیو اکتیو است. ولی وقتی تعداد زیادی اورانیوم ضعیف شده پرتاب می شود، آنهایی که به هدف اصابت نکرده اند، زمین را آلوده می کنند، و بمب هایی که به هدف اصابت کرده اند، گرد و غبار اورانیوم تولید می کنند، و هوا از مواد رادیو اکتیو اشباع می شود، سربازهایی که در منطقه بمباران شده بوده اند، و یا آنهایی که از آنجا عبور کرده اند، عناصر اورانیوم را تنفس کرده اند.

(تصویر دقیقه 23 و 48 ثانیه کاپیتان ارتش آمریکا دوگ راکی (2) توضیح می دهد : «در این تصویر گروه اورانیوم ضعیف شده را با یک تانک أبرام ام یک در عربستان سعودی را می بینید تانک را می بایستی به ایالات متحده بازگردانیم، من را در وسط گروه می بینید...تمام افرادی که در این تصویر می بینید، همه یا مرده اند و یا بیمار هستند. اطلاعاتی که دولت ایالات متحده در پاسخ به پرسش های مطرح کرده است، به ما می گفتند که هیچ خطری متوجه ما نیست، آنها تأیید کرده بودند که ذرات در هوا معلق نخواهند شد، و

اکسیدها به اندازه ای سنگین هستند که خطر تنفس کردن آن وجود ندارد. ولی تمام اکپ یا مردند، یا بیمار شدند، و نتیجه این وضعیت از هم پاشیده شدن خانواده ها بود.»

(تصویر دقیقه 24 و 23 ثانیه) «این تانک با گلوله 120 میلیمتری منهدم شده است، غباری که روی دیاپوزیتو می بینید، گرد و غبار اورانیوم است. اکسید اورانیوم است. این موضوع کاملاً ثابت می کند که غبار اورانیوم می تواند به حالت معلق در هوا پراکنده شود و در نتیجه خطر بلعیدن آن از طریق تنفس هوا کاملاً وجود دارد. و وقتی بلعیده شود، برای چهار میلیارد و نیم سال آینده باقی خواهد ماند. به همین علت برای همه خطرناک است، نظامی و غیر نظامی. در این جا شما لباس مخصوص محافظتی را می بینید. در واقع هر فردی که بخواد به فاصله 25 متری کامیون و تانک و هر شیء دیگری که به اورانیوم ضعیف شده آلوده شده، نزدیک شود، باید آن را بپوشد. (تصویر یک سرباز آمریکائی روی یک تانک تخریب شده عراقی دقیقه 25 و 37 ثانیه) این سربازی که روی تانک عراقی می بینید، از اورانیوم ضعیف شده چیزی نمی دانسته است، و نشان می دهد هیچ هشدار در این زمینه به سربازان داده نشده بوده است. این سرباز امروز بیمار است و مشکل تنفسی دارد، اختلالات نورولوژیک مثل دیگران. این فردی که در تصویر می بینید به علت ابتلا به سرطان مرده است، ایالات متحده از درمان او خود داری کرده است.»

پژوهش هایی انجام گرفته و از سال 1984، ارتش آمریکا متوجه خطر شد، و پی برد که اگر چه اورانیوم ضعیف شده مؤثر است ولی برای محیط زیست خطرناک است، ولی از دیدگاه ارتش آمریکا، این سلاح به اندازه ای مفید و مؤثر بود که با وجود تمام مخاطرات آن را به کار برد. برخی گمان می کنند که گویا اسرائیلی ها نیز به این سلاح مجهز بوده اند، و در جنگ 1973 آن را به کار برده اند، ولی با قطع نظر از این حدس و گمان، اورانیوم ضعیف شده برای نخستین بار در عراق و سپس در صربیه به کار برده شد. در افغانستان نیز این سلاح را به کار برده اند، و سال 2003 دوباره اورانیوم ضعیف شده را در عراق به کار بستند.

(دقیقه 27) «تصاویر جنگ عراق و کوزوو برای تبلیغ در بازار اسلحه به نمایش گذاشته می شود تا نشان دهند که این سلاح ها آزمایشات خود را در جنگ های واقعی پشت سر گذاشته اند - بمب هایی که در جنگ خلیج (خلیج فارس) به کار برده شده اند، برای تجار اسلحه مرجع تجارتی و تبلیغاتی به حساب می آیند.» (در این فیلم می بینیم که یکی از نمایندگان فروش اسلحه در مورد مزیت های یک بمب اورانیوم ضعیف شده تبلیغ می کند. وقتی از نماینده فروش اسلحه می پرسند که آیا این بمب اخیراً مورد استفاده قرار گرفته، می گوید آری ولی نمی گوید در کجا، ولی مشخصاً می گوید «این را به شما نخواهم گفت.» ولی مفسر خبری می گوید این بمب مطمئناً در بالکان به کار برده شده، در بوسنی 1995، در صربیه و کوزوو سال 1999 به عنوان جنگهای نوین جراحی کننده. مأمور اصلی

اورانیوم ضعیف شده در کوزوو، هواپیماهای آ 10 بوده است که مسلسل آن تنها گلوله های اورانیوم ضعیف شده شلیک می کند.



این نوع هواپیما در طول جنگ کوزوو دائماً توسط ارتش آمریکا به کار برده شده است. رد دودی که در پرواز این هواپیما می بینید، به این دلیل است که در حال تیراندازی با حجم آتش 3800 گلوله اورانیوم ضعیف شده در دقیقه است. امروز در محل حوادث، ابهامات بسیار زیادی وجود دارد. مأموران صلیب سرخ نمی دانند به مردم چه باید بگویند. (فلیم در دقیقه 28 دقیقه و 49) سمت چپ تانکی را می بینید که منفجر شده، و معلوم نیست با چه نوع سلاحی مورد اصابت قرار گرفته است؟ مطمئناً در این جا برای قدم زدن روی چمن ها پیاده نخواهیم نشد. گلوله های اورانیوم رادیو آکتیو هستند. باید پنجره اتومبیل را ببندیم چون که ممکن است گرد و غبار اورانیومی که در هوا پراکنده شده وارد شش هایمان شود. مردم در اینجا خیلی نگران هستند، و می دانند که از این نوع سلاح ها در اینجا به کار برده شده است.»

امروز حدود 30 کشور در جهان مسلح به سلاح های اورانیوم ضعیف شده هستند، به شکل گلوله تانک، مسلسل، و هواپیمای آ 10 مشهور به قاتل تانک که در آغاز آمریکائی ها آن را برای تخریب تانک های شوروی ساخته بودند، و مسلسلی که زیر دماغه این هواپیما می بینیم، در اصل هواپیما را بر اساس آن مسلسل ساختند. گلوله های اورانیوم از هر جداره ای عبور می کند، حتی بتون آرمه. در عراق پناهگاه بسیار محکمی بود که هزار و هشتاد نفر در آن پناه گرفته بودند و در اثر اصابت بمب اورانیوم ضعیف شده، همه کشته می شوند. تعداد زیادی از آنها زن و بچه بودند، واقعا نفرت انگیز است.

تنها آمریکائی ها نیستند که سلاح های اورانیوم ضعیف شده می سازند، تمام شرکت های سازنده اسلحه دست به کار شده اند. (دقیقاً 30 و 25 ثانیه) «امروز شیخ محمد رشید برای خرید اسلحه آمده است، در نمایشگاه دبی تمام فروشندگان اسلحه حاضر هستند (آقای دسو سازنده فرانسوی را نیز می بینیم). می دانیم که در این نمایشگاه سلاح هایی به نمایش گذاشته شده اند که از نوع اورانیوم ضعیف شده است. وقتی وقتی درباره محتوای بمب ها از فروشندگان می پرسیم بسیاری از آنها نمی خواهند در این باره حرف بزنند.» (دقیقاً 31 و 17 ثانیه) چرا اورانیوم ضعیف شده برای بدن مضر است؟ درک این موضوع بسیار ساده است. می دانیم که سلول واحد

بنیادین ساختاری و کارکردی تمام اندامگان های موجودات زنده است. سلول پوست، سلول جگر، سلول مغز، سلول داری غشائی هست که آن را محیط اطراف جدا می سازد، درون سلول ماده مایه شکلی وجود دارد... ما زیاد وارد جزئیات نخواهیم شد، ... در وسط سلول هسته سلول را می بینید، در سلول «دی ان ای» سر واژه دئوکسی ریبونوکلئیک اسید نوعی اسید نوکلئیک می باشد که دارای دستورالعمل ژنتیکی است. به شکل مختصر آن را «دنا» نیز می نامند.

به طور ساده تر، دی ان ای در سلول شما، مانند کتاب زندگی شما است، اگر چشم آبی یا سیاه دارید، اندازه شما، و غیره علت این است که شما کد ژنتیک خاصی دارید، دنا شما را کاملاً بر اساس برنامه مشخصی به وجود آورده است.

یک کمی شبیه زبان عبری است، تنها چهار حرف دارد، حروف سه تا سه کلمه ای را تشکیل می دهد. ولی در دنا جملات جدا از یکدیگر نیستند، و تمام حروف به هم چسبیده اند، و با ترکیب این چهار حرف است که اعضای بدن برنامه ریزی می شود.

ولی وقتی ما با رادیواکتیو بمباران می شویم، چه اتفاقی می افتد؟ وقتی رادیواکتیو در سلول نفوذ می کند، غشا را شکافته و سلول مانند بادکنکی که سوراخ شده باشد، مایه درونی اش را از دست می دهد و می میرد. البته اگر فقط یک تشعشع مختصر باشد و یک سلول بمیرد، اهمیت خاصی ندارد. ولی اورانیوم ضعیف پنج میلیارد، ده میلیارد عنصر هسته ای پرتاب می کند و حتی بیشتر، ظرف یک ثانیه تعداد زیادی از سلول ها می میرند. وقتی دست شما در اثر حرارت می سوزد، احساس سوزش به این علت است که تعدادی سلول می میرند، اورانیوم ضعیف شده نیز به همین شکل است، رادیو اکتیویته بدون حرارت است ولی همین اتفاق می افتد.

وقتی عناصر رادیواکتیو وارد هسته سلول می شود، دو احتمال وجود دارد، یا سلول می می میرد، و این واقعه بهترین اتفاقی است که می تواند روی دهد، و یا اینکه وارد هسته می شود و با برشی که در زنجیره «دنا» ایجاد می کند، کاملاً کد ژنتیکی را تغییر می دهد. نتیجه چنین تغییراتی، سرطان، غده، و نقص عضو است. ولی وقتی که شما شدیداً تحت تأثیر تشعشعات قرار بگیرید مثل ژاپنی ها، فوراً از بین می روید.

(تصویر در دقیقه 35 و 34 ثانیه) این تصویر نطفه است. سلولی که در این جا قرار گرفته، ممکن است که سلول سازنده دست باشد، و وقتی از بین می رود، بعداً کودک به شکل مادر زاد بی دست به دنیا می آید، چون که تحت تأثیر تشعشعات رادیواکتیو آن سلول آسیب دیده و از بین رفته است. حالا شما تصور کنید که مادر باردار زیر بمباران رادیواکتیو قرار بگیرد، و این و یا آن سلول کودک آسیب ببیند، یک سلول، ولی موضوع یک عضو تمام و کمال یعنی دست کودک است.



(تصویر دقیقه 36 و 6 ثانیه، کودکی را نشان می دهد که بی دست است. این تصویر البته خیلی شناخته شده است و متعلق به فرزند یکی از سربازان آمریکائی می باشد که در جنگ علیه عراق شرکت داشته است.)

اگر سلولی که باید مغز کودک را بسازد آسیب ببیند، کودک بی مغز به دنیا می آید. زن حامله ای که در محیط آلوده به رادیواکتیو بوده است، قویا برای کودک او خطرناک خواهد بود. به همین علت است که این همه روی خطر رادیواکتیو پافشاری می کنیم.

(تصویر دقیقه 36 و 23 ثانیه) این تصویر همان هواپیمای مشهور 10 قتل تانک است.

چه اتفاقی می افتد، وقتی گلوله پرتاب می شود، گلوله از همان آغاز گرد و غبار به وجود می آورد، مرحله دوم، تانک مورد اصابت قرار می گیرد و منفجر می شود، و در اثر انفجار عناصری را در اطراف پخش می کند، و قطعات بازمانده کاملا آلوده به مواد رادیواکتیو است.

سپس، سفره های آب زیر زمینی را آلوده می سازد، در اثر پراکندگی روی زمین با باد به دور تر ها منتقل می شود، و با مخلوط شدن با ابر در ارتفاعات بالا به شکل باران دوباره به زمین باز می گردد. تمام این موارد، در مجموع یعنی آلودگی عمومی. تنها جبهه جنگ نیست که هدف گرفته می شود.

افسران آمریکائی، می گویند، در یک فشنگ مقدار کمی اورانیوم وجود دارد. در عراق اعتراف می کنند که 300 تن اورانیوم ضعیف شده به کار برده اند. ولی 300 تن می تواند تنها در حد حجم یک اتاق باشد و نه بیشتر.

(دقیقه 38) «افسر آمریکائی می گوید : «در واقع تمام اورانیوم به کار برده شده معادل سه متر مکعب است، خیلی ناچیز است»

البته که تمام اورانیوم به کار برده شده می تواند در یک اتاق جای بگیرد، ولی تمام منطقه ای را می تواند برای میلیاردها سال آلوده سازد.

(دقیقه 38 و 28 ثانیه) «وقتی بمب اورانیوم تانکی را منفجر می کند، هزاران گرد اورانیوم در هوا پراکنده می شود. این اورانیوم گرد بسیار کوچکی است که در هوا باقی می ماند و با اورانیومی که در معدن وجود دارد کاملاً متفاوت است. و سربازان نمی دانند که این گرد اورانیوم ضعیف شده است و به راحتی در اثر تنفس وارد بدن آنها می شود، یکی از خصوصیات اورانیوم ضعیف شده، این است که خیلی به راحتی آتش می گیرد.»

به طور کلی و به همین گونه در فرانسه، گفتمانی وجود دارد، که گفتمان محافل رسمی است، و دائماً سعی دارند بگویند که خطرناک نیست : « روی زمین هیچ اثری از رادیواکتیویته پیدا نکرده ایم. » « روی تانک ها هیچ اثر از رادیواکتیویته دیده نشده... » و غیره... (دقیقه 39 و 49 ثانیه) «من بیمار شدم، ...وقتی به خانه برگشتم، با شوهرم، بدنم را حس نمی کردم، صورتم را احساس نمی کردم، به شوهرم گفتم فکر می کنم که من تغییر کرده ام، دیگر همانی نیستم که بودم. مشکل جهاز هاضمه داشتم، و پس از آزمایش پزشکی به من گفتند که مشکل فیزیولوژیک دارم. به من گفتند نگران نباشم، فقط رژیم غذایی ام را باید تغییر دهم. عضلاتم درد می کرد، و دیگر هیچ چیزی را نمی توانستم حمل کنم، مشکل حافظه پیدا کرده بودم، فراموش می کردم. افرادی به دفتر تلفن می زدند و فراموش می کردم که پیغام آنها را منتقل کنم، حتی فراموش کردم پسر را از مدرسه به خانه بیاور. غده تیروئیدم را از دست دادم. اندازه دست پایم تغییر کرد. اندازه پای من 38 بود و به 39 رسید، ... نتیجه گرفتم که استخوانهایم بزرگتر شده اند. زانوهایم درد می کرد. یک سرباز قدیمی در آزمایشات اتمی با من تماس گرفت، و او بود که من گفتم تو با اورانیوم ضعیف شده مسموم شده ای. ولی نمی دانستم اورانیوم ضعیف شده چیست. آزمایش ادرار دادم و نتیجه اورانیوم ضعیف شده تأیید شد. وقتی از پزشکان ارتش خواستم که نتایج را ببینند. در پاسخ گفت این میزان رادیوآسیون عادی آنهایی است که در شهر زندگی می کنند.»

(دقیقه 42 و 13 ثانیه) یک نظامی قدیمی : «در یگانی که من خدمت می کردم، همه خستگی و درد مفصلی شکایت داشتند. برخی از آنها دیگر قادر به ادامه کار نبودند، و شش ماه بعد کاملاً معلول شدند.»

روی این تابلو، میزان سرطان های مختلف را می توانید ببینید، این تابلو متعلق به 1991 تا 1997 است، سربازانی که در مناطقی حضور داشته اند که سلاح های اورانیوم ضعیف شده به کار برده بودند. آنهایی که مسموم شده اند، ممکن است دو یا سه و یا پنج سال بعد عوارضشان آشکار شود.

در فرانسه که هیچ اتفاق فوق العاده ای روی نداده، ولی ابتلا به سرطان 1000 در صد افزایش داشته است.

این ارقامی که روی تابلو می بینید نتیجه تلاش های دولت عراق است. صدام حسین هنوز در قدرت بود و سعی کرد افکار عمومی را

متوجه این مشکل سازد.

در پایان 1998 دولت عراق سمپوزیومی به مناسبت اورانیوم ضعیف شده با حضور رسانه های بین المللی برگزار کرد. ولی انعکاسی در افکار عمومی جهان ایجاد نکرد، و آن را به تبلیغات رژیم صدام نسبت دادند. دانشمندان نیامده بودند و سی ان ان که حضور داشت، موضوع را اساسا مطرح نکرد. ولی کارول پیکو، گروهیان آمریکایی راننده کامیون طی جنگ علیه عراق، در سمپوزیوم شرکت کرد.

همان گونه که در فیلم های مستند حرف های سربازان قدیمی ارتش آمریکا را در مورد مشکلاتشان شنیدیم، می توانیم نتیجه بگیریم که قدرت حاکم در آمریکا در پی پنهان کردن واقعیت است و نه تنها از کمک های درمانی به آنها امتناع می ورزد بلکه با تهدید مانع افشاگری های آنها می شود.

تنها سربازان آمریکائی نیستند که از جستجو درباره مشکلات جسمی شان بازداشته می شوند، دکتر متخصص پزشکی اورانیوم، سرهنگ تخصصی ارتش، پروفسور اسف دوراکوویچ از سال 1991 به عوارض اورانیوم ضعیف شده نزد سربازان آمریکائی پی برده بود، خود او می گوید :

پروفسور آسف دوراکوویچ : «پس از معاینه بیمارانم، دائما نامه دریافت می کردم و یا تلفنی با من تماس می گرفتند و می خواستند که پژوهش هایم را متوقف کنم. وقتی به مقامات گفتم که من از سوی ایالات متحده مجاز هستم که به امور بهداشتی سربازان رسیدگی کنم، به من گفتند که به پژوهش های شما دیگر بودجه ای تعلق نمی گیرد و به نفع شما و سوابق کاریتان است که فوراً پژوهش هایتان را توقف کنید.»

سرباز قدیمی ارتش آمریکا، دوگ راکی می گوید : «برخی تماس می گیرند، تهدید می کنند و می گویند که ممکن است کارتتان را از دست بدهید، در تلفن دائما سرو صداهای عجیب غریب شنیده می شنوم، ایمیل ها تأخیر دارند، و اتفاقاتی در کامپیوتر می افتد، گویی ویروس وارد کامپیوتر شده... آیا می توانیم تمام این موارد را ثابت کنیم؟ نه، آیا واقعیت دارد، آری. تمام پزشکان و یا مهندسانی که در ارتش کار می کردند، به محض این که از خطر اورانیوم حرف زده اند، اخراج شده اند.»

نمی توانیم اعتراض کنیم، ولی اورانیوم پس از جنگ همه چیز را آلوده کرد. نه تنها سربازان بلکه مردم عادی و غیر نظامی. (تصویر دقیقه 55 و 58 ثانیه): جدولی که می بینید مرتبط است به منطقه بصره. در بصره و به ویژه فرانسه از اورانیوم ضعیف به کار بردند. یک پسر جوانی (فرانسوی) به من گفت که او در صربیه بوده، «من در صربیه سرباز بودم، و می توانم به شما بگویم که در آن جا اورانیوم ضعیف شده به کار برده اند، و امروز من به سرطان مبتلا شده ام، تمام معالجات من با شکست مواجه شده، و حالا به عنوان آخرین امید به ایتالیا می روم.» از او پرسیدم آیا شما پرونده

پزشکی دارید، گفت بله و می توانم آن را برایتان بفرستم. ولی نفرستاد، دیگر خبری از او ندارم، ممکن است مرده باشد... نمی دانم. سرطان این سرباز فرانسوی چند ماه پس از بازگشت او آشکار شده بود. این نتیجه اورانیوم ضعیف شده است، و موجب سرطان می شود. نزد سربازان و غیر نظامیان، انواع و اقسام سرطان پوست... طبیعتاً کودکان بیش از همه در خطر هستند، سلول های سرطانی نزد کودکان سریعتر رشد می کند، زیرا در حال رشد هستند.

(تصویر دقیقه 57 و 25 ثانیه) در این تصویر کودک افغان است که به جای چشم دو غده بزرگ دارد، او حالا مرده است... تصاویر بعدی نقص عضو های دیگری را نشان می دهد، کودکی که بدون مغز به دنیا آمده...

(تصویر دقیقه 58 و 21 ثانیه، فیلم مستند) : «نزدیک یک میلیون و دویست هزار عراقی در دوران جنگ به دلیل 9 سال محاصره توسط ایالات متحده و انگلستان از بین رفته اند. به ویژه کودکان به دلیل کمبود مواد غذایی و دارو جان خود را از دست داده اند. وضعیت به اندازه ای آشفته است که تشخیص ضایعه اورانیوم ضعیف شده بین تمام دلایل دیگر در مرگ و میرها بسیار مشکل بنظر می رسد. [یکی از مقامات عراقی توضیح می دهد که نتایج تحقیقاتشان نشان داده است که اورانیوم ضعیف شده مسئول تولد کودکان هیولائی در عراق بوده است.]

....

این واقعیات را به چشم می بینیم، ولی اگر چه من عادت ندارم همکارانم را در رسانه های ملی فرانسه متهم کنم، ولی رسانه های ملی فرانسه در این مورد یک کلمه هم ننوشتند. ولی با هیجان و شتاب از شکنجه در عراق نوشتند. شاید موجب شگفتی شما شوم و از من برنجید، ولی باید بگویم که شکنجه عراق در تاریخ بشریت ارزش یک خط را هم ندارد «آنها را مجبور کردند لخت شوند، و استمناء کنند.» فیلم پرونوگرافیک چیست؟ این شکنجه در مقایسه با موضوع اورانیوم ضعیف شده و نتایج آن هیچی نیست. و به این علت که اورانیوم ضعیف شده به همه ما مربوط می شود. دوباره تکرار می کنم، در حال حاضر بیش از 30 کشور در جهان اورانیوم ضعیف شده در اختیار دارند، و در جنگ های آینده بیش از پیش همین سلاح ها را به کار خواهند برد.

چرا این موضوع را افشا نمی کنند؟ نمی دانم چرا. برای یک بار... بوش دوباره انتخاب شد... چرا در باره این موضوع حرف نمی زنند؟ به گمان من دو دلیل... سه دلیل وجود دارد. افرادی هستند که نمی دانند چه کار کنند.

البته باید دانست که این موضوع سانسور شده، در آغاز می بایستی به سفارت عراق مراجعه می کردم تا مدارک لازم را تهیه کنم. دومین علت ترس است، زیرا همه می دانند که این موضوع رسوائی تمام عیاری را مطرح می کند. با افشای شکنجه در عراق، چندان خطری تهدیدشان نمی کند، ولی با افشای چنین موضوعی خطر خیلی

زیادی برایشان خواهد داشت.

ولی سومین دلیل، به گمان من، این است که، آمریکائی ها می دانند در حال انجام چه کاری هستند، می دانند که با کار بردن اورانیوم ضعیف شده به چنین نتایجی دامن زده می شود. ولی چیزی که برای آنها اهمیت دارد، این است که جنگی را بر پا کنند که هیچ کشته ای ندهند، یعنی جنگ با صفر کشته، در جبهه خودشان. جنگ با صفر کشته یعنی این که در جبهه آنها هیچکس کشته نشود. زیرا، امروز نظریه نوینی مطرح کرده اند که مبنی بر آن جنگ می تواند خوب باشد به این شرط که ما هیچ کشته ای ندهیم، در نتیجه کاربرد سلاح اورانیوم ضعیف شده برای پاسخگویی به چنین نظریه ای بسیار عالی به نظر می رسد. با اورانیوم ضعیف شده تمام تانک های دشمن را ظرف چند ساعت تخریب می کنید.

سرهنگ اریک داکسون : «علت پیروزی سریع ما کاربرد اورانیوم ضعیف شده بود»

یک افسر آمریکائی مشخصاً می گوید که «تنها گلوله های اورانیوم ضعیف شده دریافت کردیم. به یاد می آورم که هوای بدی بود و به دلیل دود ناشی از آتش سوزی در چاه های نفت دید خوبی نداشتیم، ولی ما با تجهیزاتمان می توانستیم با وجود دود غلیظی که فضا را تاریک کرده بود، ببینیم و جنگ را هدایت کنیم. تیراندازی های ما نیز خیلی دقیق و برای دشمن مرگ آور بود. به همین علت سربازان ما اعتماد به نفس زیادی به دست آوردند.»

در نتیجه چنین تمایلی برای جنگ از نوع صفر کشته، یعنی وقتی می گویند که ما سلاح های مخرب و دهشتناک به کار می بریم، هیچ اهمیتی ندار، مهم این است که ما برنده جنگ صفر کشته باشیم، و دشمنان را ویران کنیم. ولی این نظریه از کجا می آید؟ این نظریه مستقیماً از جنگ دوم جهانی منشأ گرفته است. متفقین طی جنگ دوم جهانی چه کردند؟ متفقین می گفتند جنگ ارتش علیه ارتش، مناسب نیست، خیلی طول می کشد و خیلی از سربازان ما کشته خواهند شد، در نتیجه چنین راه حلی مناسب نیست. آلمان؟ آلمان را بمباران می کنیم. اقتصاد آلمان را از کار می اندازیم. تمام کارخانه ها و راه های ارتباطی، و شهرها را نیز ویران خواهیم کرد تا روحیه مردم کاملاً تضعیف شود.

کشوری که راه ارتباطاتی ندارد، تولید ندارد، و مردم هم روحیه شان را از دست داده اند، چون که بی خانمان شده اند و مرگ نزدیکانشان را دیده اند، کشوری است که دیگر توان جنگیدن ندارد. به این شکل بود که متفقین پیروز شدند، و تمام این داستان های قهرمانی... «آخرین نبرد...» و غیره بی اساس است. متفقین گفتند، نه، جنگ نوین چیز دیگری است. جنگ نوین تخریب کشور است و نه تخریب ارتش کشور. و اوج این نظریه در ژاپن به اجرا گذاشت شد. در مورد ژاپن گفتند که می توانیم به زانو درآوریمش ولی سه چهار سال طول می کشد تا تمام جزایر را تسخیر کنیم، ...پس تصمیم گرفتند بمب اتمی را پرتاب کنند. [تسلیم نمی شوید؟ بمب دوم را هم

پرتاب می کنیم، روی سر زن و بچه...]

برای حفاظت از جان سربازان غیر نظامیان را می کشند. جنگ علیه ژاپن و جنگ علیه آلمان یعنی همین، یعنی کشتار غیر نظامیان. نمی خواهیم نظامیان ما کشته شوند. سربازان برای رژه خوب هستند، در نتیجه باید زن و بچه دشمن را کشت، با سلاح های وحشتناک و جهنمی. بمب اتمی یعنی کشتار زن و بچه های دشمن.

فرض کنید هیتلر برای تسخیر فرانسه اعلام می کرد که نمی خواهد سربازانش را از دست بدهد، اگر تسلیم نشوید ماریسی را بمباران خواهیم کرد، و اگر باز هم پافشاری کنید لیون را بمباران خواهیم کرد... اگر هیتلر چنین کاری کرده بود الان ما درباره او چه می گفتیم؟ دائما در ماریسی و لیون علیه بربری نازی راه پیمائی می کردیم.

ادوارد بلدور می گفت «جنگ کشتن زن بچه نیست»، ولی آمریکائی ها دارند زن و بچه می کشند. اگر هیتلر دست به چنین کاری می زد، الان هر روز تظاهرات می کردند، و هیتلر هیولای مطلق معرفی می شد، ولی چون که آمریکائی ها دست به چنین اعمالی می زنند، قانونی است و هیچ اشکالی ندارد.

آن چه در جنگ 1945 کاشتند، یعنی خواستی که مبنی بر جنگ صفر کشته بود. فاجعه ای که اورانیوم ضعیف شده به وجود دارد، نتیجه چنین طرحی است. وقتی یک سرباز آمریکائی کشته می شود، آشفته می شوند و می گویند او برای آزادی جانش را از دست داد... و یعنی چرت و پرت های همیشگی. این تصاویری که از کودکان اورانیوم ضعیف شده می بینیم پیامد منطقی همان هیروشیما است. به همین علت است که شهادت افشای آن را پیدا نمی کنند. اگر بخواهند بگویند این کار جنایت است، مجبور خواهند بود که شروع آن را در 1945 افشا کنند. 1944، 1943 در هامبورگ.

به این ترتیب، یک دلیل دوم هم وجود دارد، زیرا با وجود چنین وضعیتی جنگ هرگز تمام نخواهد شد. اورانیومی که در عراق پراکنده شده، چهار میلیارد سال دوام خواهد آورد. مناطقی که دیگر قابل زیست نیست. جنگ تمام نمی شود. جنگ میلیاردها سال طول خواهد کشید. کشورهایی که از «برادر بزرگ» تبعیت نکنند، ویران خواهد شد، برای میلیاردها سال. به ارتش این کشورها حمله خواهند کرد، به زن و بچه هایشان حمله می کنند، و کودکانشان به این شکل هیولائی به دنیا خواهند آمد. می خواهید مقاومت کنید؟ این آن چیزی است که منتظر شما خواهد بود. این جنگی است که تمام نخواهد شد. این فلسفه ای که از جنگ بی پایان حرف می زند از کجا می آید؟ از جنگ دوم جهانی.

در جنگ جهانی دوم چه اتفاقی افتاد؟ در پایان جنگ با آلمان قرارداد صلح بسته نشد. ما رسماً همچنان با آلمان در جنگ هستیم. آیا شما از قرارداد صلح با آلمان چیزی شنیده اید؟ نه. با آلمان قرارداد صلح امضا نشد. رسماً با آلمان نازی در جنگ هستیم، که دیگر وجود خارجی ندارد. با آلمان فیزیکمان در جنگ نیستیم، ولی علیه ناسیونال سوسیالیسم در جنگ هستیم. ما همچنان در جنگ هستیم، با آلمان

قرارداد صلح نبستیم. این جنگ چه وقتی آغاز شد؟ اول اکتبر 1945. آن کسی که لباس سربازی به تن داشت، لباس قاضی به تن کرد و گفت حالا ترا محاکمه می کنم، محاکمه رهبران اصلی. باید شما را تربیت کنیم، ولی تصور نکنید که جنگ تمام شده است. تمام تمایلات زیان آور شما را از بین می بریم. و از این راهکار برای کشورهای دیگر نیز استفاده خواهیم کرد که آنها نیز بهره مند شوند. جنگ تمام نشده، جنگ ادامه دارد. قاضی عمومی رابرت جکسن در نورمبرگ چه گفت؟ او در کیفرخواستش نوشت: «دادگاه نورمبرگ ادامه جنگ در اشکال دیگری است.» این موضوع واقعیت دارد و به شکل رسمی اعلام شده است.

«شما که روی نیمکت متهم نشسته اید، ما با شما در جنگ هستیم، شما را اعدام می کنیم» چون که نمی خواهیم جنگ تمام شود. بعد ما را از نازیسم می ترسانند که ممکن است به زودی بازگردد، - تنها اگر واقعیت داشته باشد - برای این و آن را به زندان می اندازند، شش ماه برای آن ده ماه برای این، چون که نازی بد طینت هستند. جنگ متوقف نشده است. کودکان اورانیوم ضعیف شده نتیجه همین فلسفه است. که جنگ متوقف نشود. شما نمی توانید علیه «برادر بزرگ» مقاومت کنید، او شما را برای ابد ویران خواهد کرد.

در نتیجه، اورانیوم ضعیف شده، موجوداتی که در این تصاویر می بینید، چیزی فراتر از یک اسلحه است. اسلحه ترسناک که مستقیماً از جهنم بیرون آمده است. سلاح اورانیوم ضعیف شده کاربست یک فلسفه، یک اندیشه کاملاً مشخص است. فلسفه «برادر بزرگ» (بیگ برادر) که همه ما را تهدید می کند. به همین علت برخی وقتی این تصاویر را می بینند، شانه بالا می اندازند، و می گویند اهمیتی ندارد، اینها عرب هستند. ولی به این برخی ها باید گفت: احمق بیچاره امروز عرب ها دچار این مصیبت شده اند، فردا شما خواهید بود. صرب ها، بوسنیاک ها. جنگ متوقف نمی شود، موضوع به همه مربوط می شود. دموکراسی جنگ ابدی را اختراع کرده است. البته با انگیزه صلح ابدی.

حدود بیست سال پیش یک کتابی آمریکائی منتشر شد به نام «جنگ ابدی برای صلح ابدی»

این بار ما هستیم که این تصاویر را در اختیار داریم، باید این جنایت را افشا کنیم. جنایتکار واقعی آنها هستند، جنایتکار هستند نه به این علت که بوش جنایتکار است یا تونی بلر جنایتکار است، بلکه می بایستی تا منتهی درجه فلسفه ترومن و چرچیل و روزولت را توسعه می دادند، منشأ اصلی در این جاست. نه این که تنها بیایم و بگوییم اینهایی که اورانیوم ضعیف شده به کار برده اند جنایتکار هستند. چونکه پیش از اینها، دیگرانی وجود داشته اند. شهادت افشای چنین جنایتی را پیدا نمی کنند چون که می ترسند از آن نتیجه گیری کنند. نتیجه ای که آنها را به جنگ دوم جهانی باز می گرداند.

پی نوشت :

- 1)Colonel Eric Daxon
- 2)Capitaine Doug Rokke
- 3)Sergent Carole Picou